

# نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۳۷۴، دوشنبه اول شهریور ۱۳۹۵ - ۲۲ اوت ۲۰۱۶

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، جعفر پویه، مهدی سامع

## در این شماره می خوانید:

- بازبینی جنایتی که فاجعه ملی شد \_ امید برهانی.....ص ۲
- اهمیت پخش گفتگوی منتظری برای جنبش دادخواهی \_ زینت میرهاشمی.....ص ۷
- بپهوده تور نیندازید، این غول سال ۶۷ از شیشه رها شد \_ منصور امان.....ص ۸
- بیانیه مادرانه در محکومیت اعدامهای پیاپی و بدون محاکمه.....ص ۹
- با جنجال رسانه ای، "برجام" تک مرحله ای نمی شود \_ منصور امان.....ص ۱۰
- کلید روحانی به سود رانت خواران و به زیان نیروی کار \_ زینت میرهاشمی.....ص ۱۳
- خشونت و مبارزه طبقاتی \_ لیلا جدیدی.....ص ۱۵
- با دروغ و ریا نمی توان جامعه را رام کرد \_ مهدی سامع.....ص ۲۰
- اعدام گروهی زندانیان اهل سنت، جنایت جدید ولی فقیه \_ زینت میرهاشمی....ص ۲۲
- نه به اعدام، دیدار با مادران شهدا در کردستان \_ شعله پاکروان.....ص ۲۳
- تاریخ اسلام سیاسی در ترکیه \_ ایلکر آتاج/ گروندریسه \_ برگردان: بابک.....ص ۲۵
- زنان در مسیر رهایی \_ اسد ظاهری.....ص ۲۸
- چالشهای معلمان در مرداد ماه \_ فرنگیس بایقره.....ص ۳۲
- دانشگاه در ماهی که گذشت \_ کامران عالمی نژاد.....ص ۳۶
- کارورزان سلامت \_ امید برهانی.....ص ۴۰
- برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در تیر و مرداد ۱۳۹۵ \_ زینت میرهاشمی.....ص ۴۵
- رویدادهای هنری ماه \_ فتح الله کیاییها.....ص ۶۵
- "ما تنها نیستیم" \_ م. وحیدی (م. صبح).....ص ۶۹
- همبستگی با زندانیان سیاسی اعتصابی در اوین و گوهردشت \_ زینت میرهاشمی....ص ۷۰
- شهادت فدایی در شهریور ماه.....ص ۷۱
- انتشارات تصویری سازمان.....ص ۷۲

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

## بازبینی جنایتی که فاجعه ملی شد

امید برهانی

پیش درآمد

مرداد و شهریور هر سال یادآور خاطره راه افتادن ماشین کشتار جمعی رژیم جمهوری اسلامی در سال ۶۷ در پی استیصال در جنگ با عراق و سرشکستگی امام رژیم از بلع دردناک قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل و تن دادن به آتش بس با دیکتاتور رقیب خود، صدام حسین است.

خمینی، شکست خورده در فتح قدس از راه کربلا و صدور انقلاب ارتجاعی خود و ناکام از کش دادن جنگ تا ۲۰ سال،



برای رهایی از منجلاب سیاسی و ایدئولوژیک داخلی و بین المللی، با صدور دستخط و دستور اعدام دسته جمعی هزاران زندان سیاسی، از نوجوان ۱۲ یا ۱۳ ساله گرفته تا زن باردار و فرزند دار، تمام محتوای فاسد و غیر انسانی دین و دولت خود را بیرون ریخت.

گرچه زندان، توهین، شکنجه و اعدام از روز اول حاکمیت رژیم تا به همین امروز وجود

داشته و نمونه زنده اخیر آن اعدام گروهی هموطنان سنی است، اما شاخص ترین و نکبت بار ترین برگ سیاه حیات حکومت اسلامی، فاجعه کشتارهای تابستان ۶۷ است.

جدا از افشاگریها، مصاحبه ها و تحقیقات زیادی که پیرامون این جنایت انجام شده و برنامه های حماسی و مستندهایی که ساخته شده اند، این نوشته کوتاه سعی دارد نگاهی کلی به این واقعه بیندازد.

### آغاز جنایت

اعدامهای تابستان ۶۷ پیش زمینه‌هایی تاریخی داشت، اما از نظر عملی بسیار ناگهانی آغاز شد و زندانیان به هیچ وجه از جزییات آن خبر نداشتند. در تهران، در ماه مرداد زندانیان مجاهد (طرفداران سازمان مجاهدین خلق) اعدام شدند و در ماه شهریور، زندانیان کمونیست و چپ. روندی که تدارک اعدامها و انجام آنها در تهران و زندانهای گوهردشت و اوین بر اساس آن انجام شد، با پروسه‌ای مشابه در شهرستانهای دیگر نیز تکرار شد.

قتل عام زندانیان سیاسی، یک اقدام سراسری از پیش طراحی شده در بالاترین سطح حکومت بود که از چند سال پیش در پی اجرای آن بودند. پرونده سازی و دسته بندی زندانیان بر اساس هویت سیاسی و عقیدتی و کیفیت مقاومت آنها دستکم از یک سال پیش آغاز شده بود و در اوایل بهار همان سال، بسیاری زندانیان شهرستانها از جمله زندانیان کرمانشاه و مشهد، برای قتل عام به تهران منتقل شده بودند.

اکثر مراجع روزهای پنجم تا هفتم مرداد را هنگام آغاز اعدامها می دانند. در این روزها در سراسر ایران، رژیم به تدابیر ویژه ای در زندانها دست زد، تلویزیونها و روزنامه ها جمع شد و زندانیان محدود شدند.

آبراهامیان می نویسد: "حصارهای آهنین بر گرد زندانهای اصلی در سرتاسر ایران کشیده شد. دروازه ها بسته و تلفنهای قطع شد. تلویزیونها را از برق کشیدند و از توزیع نامه ها، روزنامه ها و بسته های دارویی خودداری ورزیدند. ساعات ملاقات

منحل شد و بستگان زندانیان را از حول و حوش زندانها پراکنده ساختند. به زندانیان دستور داده شد که در سلولهای خود باقی بمانند و از صحبت با نگهبانان و کارگران افغانی خودداری کنند. رفت و آمد به مکانهای عمومی مانند درمانگاهها، کارگاه ها، قرائت خانهها، تالارهای تدریس و حیاطها ممنوع شد."

به دستور خمینی، کمیسیونی متشکل از مصطفی پورمحمدی، نماینده وزارت اطلاعات، حسینعلی نیری، قاضی شرع و مرتضی اشراقی، دادستان برای به اصطلاح محاکمه دو باره زندانیان سیاسی تشکیل شد. راس این گروه حسینعلی نیری بود. آنها دوبار در هفته بین زندانهای اوین و گوهردشت رفت و آمد می کردند. این آدمکشان، "کمیتة یا کمیسیون مرگ" نام گرفته اند. کمیسیون در تاریخ ۸ مرداد در زندان گوهر دشت مستقر شده و کشتار را با محاکمه های مسخره ای با یک سوال از گرایش سیاسی زندانیان آغاز کرد و در ابتدا هم سراغ زنان زندانی رفت.

### روند ارتکاب قتل

بنا بر گزارشهای متعدد شاهدان و سازمانهای اپوزیسیون، زندانیان مجاهدی که گرایش خود را "مجاهدین" اعلام می کردند، درجا اعدام می شدند. ذکر نام "مجاهدین" به معنی موافقت با آنان و "پافشاری بر نفاق" گرفته می شد و کسانی که پاسخ داده بودند "منافقین"، با سوالهای دیگری روبرو می شدند، مانند:

"آیا حاضرید در مصاحبه تلویزیونی منافقین را محکوم کنید؟ آیا حاضرید طناب دار را به گردن یک عضو فعال منافقین بیندازید؟ آیا حاضرید میدانهای مین گذاری شده را برای ارتش اسلام پاکسازی کنید؟"

پاسخ منفی به هر یک از این سوالات به معنی محکومیت به اعدام بود.

همین روند چند روز زودتر در اوین نیز شروع شده بود. در گوهردشت، زندانیان می توانستند چهره بازجویان خود را ببینند، ولی در اوین آنها را با چشم بسته به بازجویی می بردند. کسانی که پاسخهای نامطلوب می دادند یا حاضر به زبان آوردن واژه "منافقین" نبودند، بی درنگ به اتاق ویژه ای هدایت می شدند. در آنجا وسایل شان ضبط و به آنها گفته می شد که وصیت نامه نهایی خود را بنویسید. آنگاه آنها را به سوی چوبه های دار که پنهانی، هم در تالار سخنرانی گوهردشت و هم در حسینیه اوین برپا شده بود، می بردند و در گروههای ۶ نفری به دار می آویختند.

جان دادن بعضی از زندانیان تا ۱۵ دقیقه به طول می انجامید، چون به جای این که دریچه ای زیر پایشان خالی شود و آنها را به زیر بیفکند، به شیوه قدیمی حلق آویز می شدند. پس از گذشت چند روز، ماموران اعدام که بیش از حد خسته شده بودند، تقاضا کردند که محکومان تیرباران شوند، ولی با این تقاضا، زیر این عنوان که طبق حکم شرع مرتدان و دشمنان خدا باید حلق آویز شوند، مخالفت شد. البته این بهانه ای بیش نبود. چون طی یک دهه پیش از آن، محکومان به وسیله جوخه های آتش اعدام شده بودند. دلیل اصلی دار زدن، حفظ سکوت و پنهان کاری کامل، هم در قبال دنیای خارج و هم در برابر بخشهای دیگر همان زندان بود.

به زندانیان چپ که هنوز نوبت شان نرسیده بود، گفته شد که مجاهدین به زندانهای دیگر انتقال یافته اند، اما بعضی از زندانیان با مشاهده کامیونهای مجهز به سردخانه و پاسداران ماسک به صورت که به آمفی تئاتر رفت و آمد داشتند، جریان داشتن اتفاقات مشکوکی را حدس زدند. با وجود این، آنها نمی دانستند که علت استفاده از ماسک توسط پاسداران این است که دستگاههای "فریزر" در مرده شویخانه زندان از کار افتاده است. یکی از پاسداران ادعا کرده بود که آنها فقط مشغول تمیز کردن سلولها هستند.

شهریور ماه زمان اعدام زندانیان سازمانها و گروههای چپ بود. بنا به گفته شاهدان و سازمان عفو بین الملل، تنها یک جواب غلط به سوالها می توانست به اعدام شخص مربوطه منتهی شود؛ به خصوص سوال آخر یعنی "تو مسلمانی یا نه؟" که جواب "نه" به آن به معنی اعدام بود، زیرا بر "ارتداد" زندانی تاکید می کرد. اگر کسی بر مسلمان بودن خود تاکید می کرد اما می گفت نماز نخوانده است، تنها به شلاق محکوم می شد. برای هر وعده نماز، ۱۰ ضربه و روزی حداکثر ۵۰ ضربه. در مورد زنان چپ، حکم شرع زندانی به اصطلاح مرتد "توبه یا مرگ زیر شلاق" بود! بازجویی ها سه ماه ادامه داشت. کسانی که جوابهای شان پذیرفتنی بود، به سوی راست تالار دادگاه و آنها که پاسخهای شان غیر قابل قبول بود، به سمت

چپ تالار هدایت می شدند، دسته نخست را به بندهای خود بازمی گرداندند و به آنها دستور نماز خواندن می دادند. اگر زندانی از خواندن یک نوبت نماز خودداری می کرد، از بابت آن ده ضربه شلاق به او می زدند و مجازات کسی که در روز از به جا آوردن هر پنج نوبت نماز خودداری می ورزید، پنجاه ضربه شلاق بود. آنهایی که نتوانسته بودند با موفقیت به پرسشها پاسخ گویند و مردود شناخته شده بودند، بعد از یک وقفه کوتاه برای تحویل مایملک مختصر و نوشتن آخرین وصایای خود، به سوی چوبه‌های دار برده می شدند.

## شمار قربانیان

تعداد دقیق زندانیانی که در کشتارهای سال ۱۳۶۷ کشته شده اند هنوز معلوم نیست. آیت‌الله حسینعلی منتظری در کتاب خاطرات خود شمار کشته شدگان را با تردید از دو هزار و ۸۰۰ تن تا سه هزار و ۸۰۰ تن ذکر کرده است.

سایت اینترنتی "عصر نو" نام و مشخصات چهار هزار و ۴۸۵ تن از قربانیان را با ذکر وابستگی سازمانی آنها منتشر کرده است که وابستگی سازمانی بیشتر آنها مجاهدین خلق بوده است. باقی قربانیان نیز از گروههای مختلف چپ یا گروههای کرد بوده اند.

اما سازمان مجاهدین خلق که اعضا و هواداران آن هدف اصلی این کشتارها بودند و بسیاری از افراد و گروههای اپوزیسیون و سازمانهای مدافع حقوق بشر، رقم کشته شدگان را بسیار بیش از این می دانند.

بهزاد نظیری، عضو شورای ملی مقاومت، در این باره به "راديو فردا" می‌گوید: "این لیست یک بار در سال ۲۰۰۱ با سه هزار و ۲۰۸ نام و یکسال بعد با بیش از چهار هزار و ۲۰۰ نفر منتشر شد. ولی باید بگویم در همین لیست حدود ۸۰ درصد آمار مربوط به زندانهای تهران مانند اوین، قزل حصار و گوهردشت است، در حالی که تعداد قربانیان کشتار سال ۶۷ بیش از ۳۰ هزار نفر برآورد می شود. این نکته را در نظر بگیرید که از نظر مکانی و زمانی، این قتل عامها نه به ماههای مرداد و شهریور محدود بود و نه به شهر تهران."

آقای نظیری ادامه می دهد: "سازمان عفو بین الملل در گزارش خود می‌گوید، از مرداد ماه تا آخر سال میلادی در زندان اصفهان به طور متوسط روزی ۱۰ نفر زندانی سیاسی اعدام شده اند که اگر محاسبه کنید، یکهزار و ۶۰۰ نفر فقط متعلق به زندان دستجرد اصفهان می شود."

اعتراف تکان دهنده یکی از عمال سابق رژیم اما در این باره از هر اظهار نظر دیگر موثق تر است. در یک نوار ویدیویی که در سال ۱۳۸۷ منتشر شد، معاون تحقیق و بررسی وزارت اطلاعات در دوران فلاحیان، برای اولین بار اعتراف کرد: "... رژیم در جریان قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷، ۳۳ هزار و ۷۰۰ نفر را اعدام کرده است. اعدام شدگان در گورهای جمعی دفن شدند."

وی، رضا ملک، یکی از همکاران سعید امامی، که در جریان افشای قتل‌های زنجیره‌ای و درگیریهای بانندی و جناحی رژیم دستگیر و در بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات نگهداری می شد، در سال ۱۳۸۷، پس از هفت سال تحمل سلولهای انفرادی وزارت اطلاعات، در یک نوار ویدیویی خطاب به دبیرکل ملل متحد به جنایاتی که توسط وزارت اطلاعات رژیم صورت می گرفت، ادعان کرد. بخشهایی از این اعترافها که خطاب به دبیرکل ملل متحد ضبط شده است، در زیر می آید:

"... عالیجناب! بند ۲۰۹ با بیش از یکصد سلول مدتی است وسعت پیدا کرده، تعدادی سلول جدید و بیغوله ساخته اند، دو اتاق ساختند و تعدادی از سلولهای قدیم را دو تا یکی کردند. اتاقهای شکنجه آکوستیک حتی درهائش ایزوله است. مگر سیاهچالی وحشتناک زیر ساختمان که در و دیوارش آکوستیک است، صدا بیرون نیاید و این تازه یک نمونه کوچکی در اوین است! ساواما بیش از یکصد زندان مخفی و اقماری در تهران دارد.

آری عالیجناب این سیاهچالها را در کل کشور هم چون سلاخ خانه های سنتی اداره می کنند. عالیجناب اگر شما به دنبال نسل کشی و جنایتکاران می گردید، این جنایتها به دست همین انسان نماها که شعار دروغین اسلام و انقلاب و صدور آن به دنیا را می دهند انجام می پذیرد، بله به دست همین آخوندهای فریبکار و مستبد صورت می گیرد.

عالیجناب، جنایت این رژیم به حدی است که در طی چند شب در سال ۶۷، بیش از ۳۳ هزار و ۷۰۰ نفر زندانیان دارای حکم پنج سال، دو سال، یکسال، اعدام گشته و در گورهای دسته جمعی توسط کانتینرها و بلدوزرها به خاک سپرده شدند. و در مقابل این رژیم سفاک و ملایان فریبکار و جنایت پیشه بسیار مظلومانه به خاک سپرده شدند. این است ثمره حکومت ولایت مطلقه فقیه. همه چیز انسان را به کام مرگ و آتش کشیده است."

### با پیکرها چه کردند؟

قربانیان را در گودالها و گورهای دسته جمعی در نقاط مختلف ایران دفن کردند. در این مورد هم از زبان رضا ملک در همان نوار ویدیویی می شنویم: "در ایران بیش از ۱۷۰ تا ۱۹۰ شاید هم بیشتر، گور دسته جمعی وجود دارد ... آنها را خالی از جنازه تحویل خانواده ها داده اند. توضیح بیشتر بدهم. عالیجناب! در بعضی از آنها لباس را زیر مقداری بتون آماده مدفون کردند و سنگ روی آن گذاردند که خانواده حتی نتواند نبش قبر کند. اجساد این گورهای عمومی به طور دسته جمعی در عمق زمین مفقود گشتند. جوانان و نوجوانانی که از یازده و دوازده ساله به بالا و البته زنان باردار را نیز شامل می شود." شناخته شده ترین مکان، گورستان خاوران در جنوب شرقی تهران در ابتدای جاده خراسان است که شمار نامعلومی از زندانیان اعدام شده را در دو گور دسته جمعی زیر خاک پنهان کردند. تصاویر معروف از خاک بیرون ماندن قسمتهایی از پیکر بعضی از شهیدان، از یادها پاک نمی شود.

### اعتراض از درون

آیت الله حسینعلی منتظری در اعتراض به این اعدامها دو بار به تاریخ ۹ و ۱۳ مرداد به خمینی نامه نوشت و خمینی در تاریخ ۱۵ مرداد به او پاسخ داد. خمینی در نامه عزل منتظری نوشت: "در همین دفاعیه شما از منافقین تعداد بسیار معدودی که در جنگ مسلحانه علیه اسلام و انقلاب محکوم به اعدام شده بودند را منافقین از دهان و قلم شما به آلف و الوف رساندند و می بینید که چه خدمت ارزنده ای به استکبار کرده اید!"

میرحسین موسوی، نخست وزیر وقت، نه در آن زمان بل که در تاریخ ۱۵ شهریور ۱۳۶۷ استعفا داد که با مخالفت شدید علی خامنه ای و خمینی مواجه شد. گرچه او در استعفا نامه خود اختلاف با مجلس بر سر وزرای پیشنهادی را عامل استعفا عنوان کرد، اما امیر ارجمند، سخنگوی موسوی، بی اطلاع گذاشتن او از موضوع اعدامها را عامل استعفا می شمارد و ادعا می کند موسوی خواهان تشکیل هیات تحقیق در این مورد شده بود. شخص موسوی هرگز از آن اعدامها اعلام برائت نکرد و همواره در مقابل آن سکوت نموده است.

موسوی اردبیلی، رییس شورای عالی قضایی و رییس دیوان عالی کشور در سال ۶۷، نیز بعدها مدعی شد با این اعدامها مخالف بوده و در مخالفت، سه بار به خمینی نامه نوشته است، او می گوید خمینی گفت: "که اینها دروغ می گویند و سر موضع هستند"، من عرض کردم: "من به این مطلب نرسیدم"، فرمودند: "ما رسیده ایم!"

### پس از اعدامها

به خانواده های قربانیان تا قبل از ۴ آذر ماه هیچ اطلاعی درباره اعدامها داده نشد. بعضی از آنها با تلفن، به کمیته ها و معدودی نیز به خود زندان اوین احضار شدند تا اثاثیه شخصی و یا آخرین وصیتنامه های اعدام شدگان را (در مواردی که این وصیتنامه ها بی زبان تشخیص داده شده بود) تحویل بگیرند. برای آنکه از ازدحام جلوگیری شود، آنها را جدا از هم و طی چندین هفته به مراکز مورد نظر فراخواندند. به بستگان اعدام شدگان به صراحت اعلام شد که حق برگزاری مراسم چهلمین روز درگذشت اعدام شدگان و گرد آمدن در گورستانها را ندارند. در گورستان خاوران، مارکسیستها را به این عنوان که "نجس" هستند، جدا از دیگران به خاک سپرده بودند. به این ترتیب احکام مربوط به ارتداد درباره کشته شدگان نیز به مرحله اجرا گذاشته شد.

## یک دهه و دو دهه بعد

تا چند سال کسی از محل دفن اعدام شدگان خبر نداشت و کسانی هم که خبر داشتند، اجازه نداشتند در محل‌های کشف شده حضور یابند. اما از اواخر دهه ۷۰ به بعد، در ماه شهریور خانواده‌ها و دوستان اعدام شدگان، و برخی از فعالان سیاسی و دانشجویی و کارگری برای گرامیداشت یاد اعدام شدگان در گورستان خاوران جمع می‌شوند و به سخنرانی و خواندن سرود می‌پردازند.

در سال ۱۳۸۴ تعدادی از خانواده‌های اعدام شدگان به شهرداری تهران اجازه دادند که اقدام به ساماندهی گورستان خاوران کند، اما شماری دیگر اعلام کرده‌اند که تنها در صورتی با ساماندهی موافقت خواهند کرد که چگونگی و زمان اعدام مدفون شدگان و محل دفن تک تک اعدام شدگان مشخص شود.

در سال ۱۳۸۷ عده‌ای از اعضای خانواده‌های دفن شدگان در گورستان خاوران از خاک برداری گسترده با بولدوزر و کاشت درخت در محوطه گورستان خبر دادند. سازمان عفو بین‌الملل از حکومت ایران خواست تا فوراً به تخریب گورهای انفرادی و دسته‌جمعی در گورستان خاوران پایان دهد.

## دستاویزی مظلوم / رقابتی کثیف

پس از نزدیک به سه دهه، در کوران حملات متقابل دو ساله اخیر جناح‌های قدرت در رژیم جمهوری اسلامی و درست در زمانی که باند ولی فقیه با حربه‌هایی چون ضعف در مدیریت برجام و وا دادن در برابر حریف خارجی، حقوق‌های نجومی مدیران و وزیران، لغو کنسرت‌های موسیقی و پروانه‌های نمایش فیلم، مشغول قدرت‌نمایی و تو سری زدن به دولت کلید دار است، فایل صوتی گفته‌های آقای منتظری در خصوص جنایت ۶۷، درست چند روز پس از اعدام‌های گروهی اهل تسنن و بقیه، در شبکه مجازی همه‌گیر شد. جناح حاکم با فریاد "واما" و توجیه وقیحانه این کشتار یا جمله‌هایی چون "امام توجهی به قضاوت تاریخ نداشت" و یا "امام تکلیف مدار بود"، به این افشاگری واکنش داد. رقبای اصلاحی و اعتدالی هم فرصتی برای لگدپرانی متقابل فراهم دیدند تا جایی که کسی چون تاجزاده، مانند دایه مهربان‌تر از مادر، موضوع عذرخواهی حاکمیت از خانواده‌های قربانیان را به میان می‌آورد، اما جرات نمی‌کند از آمران و عاملان جنایت نامی ببرد.

## برآمد

تا پیش از وقوع کشتار در کوزوو، از قتل عام زندانیان سیاسی ایران در اواسط تابستان ۶۷ به عنوان بزرگترین جنایت ضدبشری بعد از جنگ جهانی دوم یاد می‌شد؛ جنایتی که تمام جناح‌های این رژیم در آن شریک و سهیم‌اند؛ جویی از خون که خمینی تمام رژیمش را با آن غسل تعمید داد.

اما فتوای خمینی که "هرکس از آنها سر موضع باشد را اعدام کنید" تنها یک سکه حقیقت است. روی دیگرش به نام و نشان و یاد قهرمانانی آذین شده که بر هویت سیاسی و عقیدتی خود پای فشردند و پیروزمندان سیاسی و آرمانی و تاریخی این صحنه شدند.

قهرمانانی که در راهروهای پشت اتاقهای مرگ، بر نیمکتهای انتظار، بی‌تاب لحظه‌آزمون کارنامه و سرشت خود بودند تا با شوق و اشتیاق به استقبال طناب دار روند و "حق انتخاب آزاد" و "حق آزادی اندیشه" را برای خلق و آینده مردم شان مَهر کنند، سازندگان حقیقی و پردازندگان تاریخی تابلو ایران آزاد فردا هستند.

منابع:

۱- دویچه وله

۲- همبستگی ملی

۳- ویکی‌پدیا

۴- ایران گلوبال



## اهمیت پخش گفتگوی منتظری برای جنبش دادخواهی

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر آدینه ۲۲ مرداد

در سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی، پخش نوار گفتگوی منتظری با اعضای هیات مرگ در روز ۲۴ مرداد ۱۳۶۷، کنش و واکنش‌های متفاوتی را ایجاد کرده است. این گفتگو که پس از ۲۸ سال علنی شده به شکل بی سابقه پوشش رسانه ای داشته و بازتاب گسترده ای پیدا کرده است.

خانواده های هزاران تن از قربانیان کشتار جمعی در سال ۶۷ و زندانیان بازمانده از آن دوره سیاه، مهمترین سند برای ثبت آن قتل عام بوده و شاهدان بیرحمی خمینی و دیگر پایوران رژیم هستند. اهمیت پخش این گفتگو به خاطر آن است که این سند می تواند سلاخی در دست



خانواده های قتل عام شدگان، جنبش دادخواهی و تمام فعالان حقوق بشر برای به دادگاه کشاندن تمام کسانی که مستقیم و یا غیر مستقیم در این کشتار جمعی نقش داشتند، باشد. اعتراف به جنایت در حال انجام و مشخص کردن آمران و عاملان جنایت از زبان جانشین وقت خمینی، سند محکمی برای به محاکمه کشاندن آمران و عاملان قتل عام زندان سیاسی است.

در این نوار حکم معروف خمینی برای قتل عام، وجود هیات مرگ، اعضای هیات مرگ و مخالفت منتظری با این جنایت مشخص می شود. نامه منتظری به خمینی که نتیجه آن مورد غضب گرفتن وی بود، به میزان زیادی از تاریکخانه ولایت فقیه به بیرون درز پیدا کرده بود. بنابراین این گفتگو از نظر محتوا تازگی ندارد و اهمیت آن در حقانیت جنبش دادخواهی است.

در شرایط تداوم جنبش دادخواهی، فراگیر شدن شعار «نه می بخشیم و نه فراموش می کنیم» و مهمتر از همه وضعیت بحرانی قدرت حاکمه و پاره پاره گی نظم دیکتاتوری ولایت فقیه، این گفتگو می تواند ابعاد جنایت را برای افکار عمومی جهان مشخص کند.

محمد علی انصاری از اعضای دفتر خمینی در واکنش به پخش صدای منتظری، وی را «ساده لوح» و پخش نوار جلسه را ناقص و تحریف شده اعلام کرد و اشاره ای هم به لطافت خمینی و «رافت و رحمت اسلامی» او در مورد زندانیان سیاسی کرد.

منتظری می گوید: «به نظر من بزرگترین جنایت که در جمهوری اسلامی شده و در تاریخ، ما رو محکوم می کنه به دست شما انجام شده و شما را در آینده جزو جنایتکاران توی تاریخ می نویسند.»

بیشمار زنان و مردان آگاه ایران زمین با خون و درد و رنج خود، این پیش بینی منتظری را با مبارزه و افشاگری به ثبت رسانده اند. با این حال اعتراف به حقیقت تلخ کشتار هر چند تمام حقیقت را در بر نگیرد، وقتی از زیان منتظری و در حضور عاملان جنایت بیان می شود، اهمیت بسیار دارد.

## بیهوده تور نیندازید، این غول سال ۶۷ از شیشه رها شد

منصور امان

فراسوی خبر... سه شنبه ۲۶ مرداد

تبهکاران و قاتلان زیر فشار خُردکننده سند افشا شده از جنایات خود دست و پا می زنند. درماندگی آنها در برابر بازتاب گسترده نوار منتشر شده را هیچ نشانه ای روشن تر از تلاش برای انتقام گیری و ساکت کردن مُنتشر کننده آن، آقای احمد مُنتظری، مُستند نمی کند.

احضار آقای احمد مُنتظری به یک ارگان سرکوب ویژه به نام "دادگاه ویژه روحانیت" بی تردید آخرین کوششی نخواهد ماند که مُتهمان جنایت تکان دهنده در تابستان ۶۷ برای فرار از پاسُگویی، داوری سخت جامعه و کیفر به آن دست می



زنند. با این حال، تدبیر خفه کردن پیام رسان خبر بد به همان اندازه عقلانی و کارساز است که دستور حذف یک فایل صوتی که هزاران بار تکثیر گردیده و اینترنت آن را به حافظه پاک نشدنی خود سپرده است.

رژیم ولایت فقیه این راهکار را به گونه ناکامی در مورد آیت الله مُنتظری آزموده است. برکناری و سپس زندانی کردن او در خانه نتوانست حتی یک مورد قتل و یک قطره خون را از کارنامه "نظام" و همچنین یاد تاریخی جامعه بشوید و قلم فراموشی بر آن بکشد. آنچه که جنایت آقای خُمینی در آن تابستان خونین را بخشش ناپذیر و فراموش ناشدنی می سازد، شهادت آیت الله مُنتظری بر ارتکاب آن نیست، بلکه خود این جنایت فجیع است که همچون زخمی عمیق بر تن و روان جامعه نشسته است.

اگرچه فایل نشست آقای مُنتظری با جلادان مامور شده از سوی آیت الله خُمینی بی نیاز به تفسیر و توضیح، هویت آمران و عاملان کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی و انگیزه سیاسی این جنایت را آشکار می سازد، اما حتی اگر تاکنون چهره اینان برای کسی ناشناس مانده بود، واکنشهای هیستریک و سراسیمه ای که در سطح حکومت علیه انتشار مُفاد نشست مزبور شکل گرفته، نقش خود به مثابه کارت شناسایی را به خوبی ایفا می کند.

هراس از قرار گرفتن دوباره دستهای خونین زیر پرتو اطلاع رسانی و آگاهی اجتماعی، سه طیف مُختلف از "نظام" تبهکار، مُتشکل از مُتهمان جنایت، سود برندگان از آن و مُدافعان اش را در یک جبهه مُتحد روی یک نیمکت نشانده است: نُخست و پیش از همه، نظم دینی ولایت فقیهی که از اقتدار خویش و مُجوز شرعی برای اعمال آن به هر قیمت و حتی در شکل رد شدن از روی جسد هزاران اسیر دفاع می کند و این حق را برای خود در همه دوره ها محفوظ می داند.

سپس، جلادان و آدمکشانی که به گونه بی واسطه در قتل بی رحمانه هزاران تن از فرزندان این کشور نقش داشته اند. و در انتها، میراث خواران سیاسی یا ژنتیک آیت الله خُمینی که تنها سرمایه آنها برای شراکت در خوان یغمای قُدرت و ثروت را یک گور مُجلل و اشرافی و چسبندگی به هژمونی زوال یافته بُنیانگذار جمهوری اسلامی تشکیل می دهد. غول آگاهی و دادخواهی سال ۶۷ از شیشه رها شد، برای همیشه! قصابان و سُفره چینهای آنها امروز بیهوده تور می اندازند.



## بیانیه مادرانه در محکومیت اعدامهای پیاپی و بدون محاکمه

منبع: صفحه فیس بوک شعله پاکروان

دوشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۹۵

سالهاست که ایران داغدار است. هنوز زخم روییدن هزاران لاله ی گلگون بر تن سرزمین ما باقی ست. اعدامهای پیاپی،



بدون محاکمه، بدون حضور وکیل، بدون رعایت آیین دادرسی یا قوانین استاندارد و بین المللی باعث از دست رفتن بهترین فرزندانمان شد. زنان بسیاری در دهه های گذشته به سوگ فرزندان اعدام شده شان نشستند. در تاریکی و تنهایی، بی آنکه دستی اشکهای شان را پاک کند، بی آنکه کسی تسلی بخش خاطرشان باشد، بی آنکه بتوانند برای شقایقهای پرپر شده شان مراسمی بگیرند، بی آنکه نشانه ای از قبری داشته باشند تا در غروبهای دلتنگی بر آن مویه کنند و اشک ببارند.

آنان مجبور شدند در بیابانها به دنبال تن مجروح و بی جان پاره های تن شان بگردند. همچنان که ما به دنبال مصطفی و امیر ارشد و صدها فرزندمان گشتیم. بسیاری از این مادران و همسران مجبور به تحمل رنجهای مضاعفی شدند. از پرداخت پول تیر تا دیدن جوانکی با جعبه شیرینی که خود را داماد خانواده شان معرفی می کرد!! ما نیز همچون خیل عظیم توده های مردم از این سوگ سراسری بی خبر بودیم.

در شهرهای مان دسته دسته گل پرپر می شد و خبر

نداشتیم. سرها تبر می خوردند و خبر نداشتیم. تیر آهه های بسیاری به آسمان روانه می شد و خبر نداشتیم. حاصل آن بی خبریها برپا شدن چوبه های دار در میدانها و کوچه ها و بازارهاست. حاصل آن بی خبریها رتبه اول عمل نفرت انگیز اعدام است. حاصل آن بی خبریها گشوده شدن راههای غارت خزانه ملی است. برآمدن دستهای حریص اختلاس و دزدی در روز روشن و تحت حمایت قانون.

اکنون ما زنان می دانیم رنج از دست دادن فرزند با تیر یا طناب، بی پایان است و با گذر زمان کمرنگ نمی شود. ما مادران می دانیم معنای کابوسهای شب و روز را، می دانیم معنای عمیق دلتنگی برای پاره تنی که زیر خاک مدفون است. نمی توانیم در کنار بازماندگان گلهای دشت شقایق نباشیم.

ما با قلبی خونین و تنی زخم خورده در کنار مادران و همسران و خواهران جوانان اعدام شده از دهه های گذشته تا کنون ایستاده و همراه با آنان سرود دادخواهی می خوانیم. بدیهی است برای جبران بی خبریهای مان، خواستار برچیدن چوبه های دار از سراسر ایران و همچنین محاکمه عاملان مرگ شکوفه های پرپر شده ی باغ سوخته ی هزاران مادر هستیم.

در پایان به روح پاک و آزاد جوانان اعدام شده درود می فرستیم. به خون سیاوش سوگند که تا آخرین لحظه زندگی مان در جاده ی دادخواهی گام خواهیم زد. چرا که ما، مادریم و حافظ زندگی. زنیم و بیزار از زشتی و سیاهی و مرگ.

زنده باد زندگی. زنده باد داد ستاندن از بیداد.

اعضای مادرانه

## با جنجال رسانه ای، "برجام" تک مرحله ای نمی شود

منصور امان

چگونگی پیشبرد "برجام"، مضمون و نیروی محرک جدالی را در دستگاه قدرت جمهوری اسلامی تشکیل می دهد که تابلوی تداوم ریاست جمهوری آقای روحانی یا یک دوره ای شدن وی را بر سر دارد. اگرچه نزاع باندها و دسته بندیهای قدرت بر سر منافع خود و محورهای مرتبط واقعیتی روتین در ساختار سیاسی رژیم ولایت فقیه به شمار می آید، اما یک ویژگی منحصربه فرد، جدال مورد اشاره را از انواع دیگر خود متمایز می کند و آن جریان داشتن آن در دو میدان متفاوت است که یکی ساختگی و نمایشی و دیگری واقعی و زنده است.

### دو میدان

در میدان نخست، پایوران ارشد حکومت از هر دو جناح اصلی دیده می شوند که در کنار یکدیگر به گونه غیرعادی و زودرس در باره نتیجه انتخابات دور بعدی ریاست جمهوری به گمانه زنی مشترک می پردازند. آنها خطابه های خود در این باره را در حالی ایراد می کنند که به شدت از سوی دستگاه تبلیغاتی حکومت و رسانه های رسمی برای رساندن و بازتاب دادن آن پشتیبانی می شوند.

در میدان دوم، همان بازیگران را می توان دید که این بار "رهبر" نیز به جمع شان پیوسته است. در این جا آنها نه فقط یکدیگر را هل می دهند، بلکه همچون مدل بالا به مشاجره نیز اکتفا نمی کنند و به گونه فعال علیه یکدیگر به دسیسه چینی مشغولند و دست به اقدام می زنند.

شاید در نگاه نخست این پیچیدگی نتیجه یک طرح اندیشه شده و مورد توافق در سطح حاکمیت باشد. اما واقعیت آن است که مناسبات متناقض جنگ و همدستی باندهای قدرت، شاخه ای رویداده بر اندام یک ناهمگونی کلی تر است که رژیم ولایت فقیه را پس از شکست خردکننده در زورآزمایی خارجی اینگونه در گرداب سرگیجه آور خود فرو برده است. از همان هنگام که آشکار گردید برخلاف پندارهای متوهمانه رهبران و کارگزاران حکومت، توافق هسته ای و مشوقهای "برجام"، شاهراه شش بانده ای برای حرکت به موازات نظم بین المللی طرفهای خارجی آنها و تقسیم کار جهانی غرب نیست، زمزمه "تک دوره ای شدن روحانی" نیز آغاز گردید. اعضای باند ولایت به مثابه رقبای شناخته شده جناح میانه حکومت، آغازگر طرح این ترم بودند که اندکی بعد با سوار شدن جناح میانه و زایده های "اصلاح طلب" اش بر آن، ترکیب بازیگران صحنه شکل داده شده بر اساس آن تکمیل گردید.

### زمینه ها

از آغاز سال جدید (۱۳۹۵) و در حالی که یک فاصله به نسبت طولانی ۱۵ ماهه "نظام" را از انتخابات ریاست جمهوری مَلاها جدا می کرد، دستگاههای سیاسی و تبلیغاتی حکومت به گونه عملی روی رقابتهای انتخاباتی متمرکز و کوک شدند. بحث و جدلی که توسط خط رسمی به جریان انداخته شده بود، در سطحهای پایین تر جذب و به گونه پُر حرارتی پی گرفته شد. در این مقطع آشکار گردیده بود که تحریمهای مرتبط با فعالیتهای تروریستی - موشکی و تنش آفرین رژیم مَلاها در منطقه خاورمیانه، باوجود به سامان رسیدن توافق هسته ای بر سر جای خود باقی می مانند. این به مفهوم دسترسی نداشتن "نظام" به بانکهای آمریکایی و نبود امکان معامله با دلار، واحد پول رسمی بازارهای جهانی و مُعلق بودن ریسک پولشویی و حمایت مالی و تجهیزاتی بر فراز گلیه داد و ستدهای آن بود.

فراتر از آن، ناتوانی حکومت در تعریف جدیدی از جایگاه خود در نظم بین المللی غرب پس از کنار گذاشتن یک محور مهم بحران زا در مناسبات با آن، جمهوری اسلامی را همچنان فاقد پیش شرطها و جاذبه های لازم برای سرمایه گذاری خارجی و نیز انتقال تکنولوژی بر جا می گذاشت؛ دو فاکتوری که برای رژیم مَلاها با توجه زیرساختهای ویران، بحران اقتصادی و پیامدهای اجتماعی اش، حیاتی به شمار می رود.

گرچه تحریمهای مرتبط با فعالیتهای تروریستی و پایداری حقوق بشر هیچگاه موضوع مذاکره هسته ای نبود، اما آقای خامنه ای و کارگزاران هسته ای اش از یکسو امیدوار بودند که اعتبار کنار گذاشتن پروژه بُمب برای نادیده گرفتن این دسته از تحریمها نیز کفایت کند و از سوی دیگر، درک روشنی از تاثیرات آنها در دوره "برجام" نداشتند.

## شوک

روبرو شدن با این شرایط، شوک غیرمنتظره ای بود که از راس تا بدنه حکومت را در بر گرفت و ایده تولید فشار سیاسی و به بیان دقیق تر، باجگیری سیاسی را جرقه زد. بر این اساس، "نظام" باید به طرفهای خارجی خود این پیام را ارسال می کرد که در صورت برآورده نشدن انتظاراتش و معامله با آن در چارچوب تحریمهای غیر مرتبط با بحران هسته ای و ادامه فشار برای گذار به برجامهای بعدی، از قطار توافق پیاده شده و سوار مرکب پیشین اش، قطار بی دنده و ترمز خواهد شد. در راستای باورپذیر ساختن این تهدید، آشکارترین نشانه ای که "نظام" می توانست ارسال کند، تغییر تیم مذاکره کننده و طرفهای گفتگو با آمریکا و اروپا است. هیچ چیز بهتر و قوی تر از تغییر مجریان و کارگزاران یک سیاست، تغییر آن به طور کلی را نمادینه نمی کند. این به معنای بیرون رانده شدن طرفهای مورد اعتماد غرب، باند آقایان رفسنجانی - روحانی، از دایره تاثیر گذاری و تصمیم گیری است.

"نظام" از این فرض دُرست حرکت می کند که آقای روحانی و همکاران او، در واشنگتن و پایتختهای اروپایی به عنوان نمایندگان جناح مُدره و میانه رو رژیم مُلاها ارزیابی می شوند و از این رو مایل به تضعیف یا حذف احتمالی آنها نیستند، زیرا نه تنها شانس پیشرفت مُناسبات را از بین رفته خواهند دید، بلکه شاهد با قُدرت گیری هزینه ساز "تندروها" نیز می شوند.

این بازی را در گذشته نیز باند ولی فقیه با غرب با توپ یک دولت "میانه رو" دیگر به گونه موفقیت آمیزی پیش برده است. آقای خامنه ای از دولت حُجت الاسلام خاتمی و اصلاحات وعده داده شده وی به مثابه ابزار فشاری برای به دست آوردن امتیازهای گوناگون از پُشتیبانان خارجی آن و سفت کردن چیرگی سیاسی و اقتصادی خود بهره برد. باند حاکم در ازای سکه نقد خارجی، به "مُدِره ها" در داخل میدان مانور می داد تا آنها سراب "تحوُّل از راه تبادل" را برای سُرکای غربی شان سر پا نگه دارند.

به حرکت در آمدن به سمت دستیابی به بُمب هسته ای یکی از دستاوردهای این دوره است که فقط در سایه ارزیابی خوش بینانه غرب از "اصلاح طلبان" و توانایی آنها برای تاثیرگذاری در سیاستهای کلان جمهوری اسلامی میسر گردید. بنابراین، آقای روحانی به صورت دوفاکتو در جایگاه گروگان نشانده می شود تا از غرب و به گونه مُشخص آمریکا، برچیده شدن یا دستکم نادیده گرفتن تحریمهای موجود و تغییر سیاست اخذی گردد. جناح میانه حکومت از آنجا که نه توانایی و نه اراده لازم را برای عقب راندن باند حاکم و گسترش "برجام" بر دیگر پهنه های بحرانی دارد، بنابراین دارای هیچ کارت مُستقلی هم در این بازی در برابر طرفهای خارجی نیست و از این رو، ساده ترین و کم هزینه ترین راه یعنی پیوستن به بازی حریف را گزیده است.

## تاکتیکها

زمان کوتاهی پس از آنکه باند ولی فقیه به گونه همه جانبه و در قالبهای نرم و سخت با این تاکتیک پا به میدان گذاشت، جناح میانه حکومت نیز به هم آوایی با آن از طریق قرار گرفتن در نقش مُقابله کننده پرداخت. رسانه های دو طرف مملو از اظهار نظرات مُهره های ریز و دُرشت باندهای حکومتی گردید که تا هم اکنون، گمانه "تک دوره ای شدن روحانی" را دست به دست دوره می گردانند.

کمی بعد این فضا سازی شاهد ابتکار تکمیلی جناح میانه شد که چنین می نمود نه فقط مایل است بر آب و رنگ آن بیافزاید، بلکه خواهان آن است که خود نیز نقش مُستقلی در پروژه داشته باشد. در این رابطه ابتدا شُماری از بُلندگوهای شناخته شده این جناح در قالب تحلیل و ارزیابی توصیه کردند که آقای روحانی در اعتراض به فشارها و کارشکنیها در دور

بعدی کاندیدا نشود. همزمان، تعداد دیگری از جارچیان نیز به اطلاع رساندند که حُجت الاسلام قهر کرده و خود تمایلی به نامزد شدن ندارد.

خلق پرسوناژهای حقیقی برای جایگزینی خیالی آقای روحانی، گام اجتناب ناپذیر بعدی در این مسیر بود که ابتدا با به میان آوردن نام معاون اول وی، آقای اسحاق جهانگیری، مادی شد. رسانه های جناح میانه خبر می دادند که "به گفته برخی منابع"، "پروژه یک مرحله ای شدن ریاست جمهوری حسن روحانی قطعی است". آنها سپس به آگاهی می رساندند که آقای جهانگیری "مُحتمل ترین فرد" برای اجرایی شدن پروژه مزبور است "چرا که هم اصلاح طلبان او را از خود می دانند و هم اصولگرایان با او تعارض جدی ندارند".

بی چفت و بست و سطحی بودن این سناریو، نمی توانست گُمکی به باور پذیر کردن پروژه برای مخاطبان خارجی اش بکند، به همین دلیل نیز عُمر بازی بر اساس آن بسیار کوتاه بود. اما این ناکامی اولیه نمی توانست به معنای چشم پوشی از چیدن سوی خالی صحنه ای که طرف دیگرش با آقای روحانی پُر شده بود، باشد.

جُستجو خیلی زود در نشانی آقای احمدی نژاد به پایان رسید. مزیت‌هایی که او را در میان سایر نامزدهای نمایش برجسته می کرد، انکارناپذیر بود. او نماد و تابلوی بیرونی همه بی خردی، جُنون و بلاهت خطرناک سیاستی است که در یک دوره پُر تنش و بُحرانی، از لبه پرتگاه، جهان را به تصادم روبرو با "قطار بی دنده و ترمز" تهدید می کرد. شُهرت بی گفتمگوی او به بدنامی، تاثیر مطلوب بین المللی ای که "نظام" از طرح پروژه یک مرحله ای شدن انتظار دارد را برآورده می کند.

## برآمد

یک هدف مُشترک، دو باند اصلی قُدرت را در جنجال رسانه ای تک دوره ای شدن به یکدیگر پیوند می دهد و آن کسب امتیازات هر چه بیشتر و هر چه رایگان از توافق هسته ای برای برون رفت از بُحران اقتصادی - اجتماعی است که پیامد امنیتی آن برای ثبات "نظام"، فاجعه بار خواهد بود. همزمان، هر دو دسته انگیزه ویژه و ضرورتهای جُداگانه خود را در این بازی دارند.

جناح میانه حُکومت پُشت این سیاست می رود چون هرچه دستاوردهای آن به عنوان طرف مذاکره با غرب توجه پذیرتر باشد، به همان اندازه دستش در برابر باند رقیب پُر تر و موقعیت آن در هیرارشی قُدرت مُستحکم تر خواهد گردید.

انگیزه درازمُدت باند ولی فقیه را لُزوم دست زدن به اقداماتی پیشگیرانه برای جلوگیری از "برجامهای ۱ و ۲ و ۳ و غیره" شکل می دهد. آقای خامنه ای و شُرکا امیدوارند با اخاذی از طرفهای خارجی، ابزاری برای دفع این خطر، حفاظت از موقعیت انحصاری خود در دستگاه قُدرت و کُنترُل باند رقیب به دست بیاورند

با این حال، هیچ کس بهتر از دستگاه قُدرت جمهوری اسلامی با همه دسته بندیها و گرایشهایش نمی داند که تحت دوران توافق وین و برآمد عینی آن "برجام"، هیچ گزینة سیاسی دیگری جُز "نرمش قهرمانانه" و سازواره تشکیلاتی مُنطبق با آن وجود ندارد.

آقای خامنه ای و همدستان نظامی و امنیتی اش بنا به اراده آزاد و تصمیم مُستقل خود حاضر به اسقاط قطار هسته ای و بُتن ریزی دودکش "حق مُسلم" نشدند که امروز به همان ترتیب و از موضعی مُستقل پروژه دستیابی به جنگ افزار هسته ای را دوباره از سر بگیرند.

همان فاکتورهایی که آنان را به عقب نشینی وادار کرد، همان فشارهایی که موجب نرم شدن "قهرمانانه" کمر "نظام" برای خم شدن و تعظیم به طرفهای خارجی اش شد، حاکمیت را امروز نیز در پنجه و زیر اختیار خود دارد. از هنگام گردن گذاشتن آقای خامنه ای و شُرکا به عقب نشینی هسته ای در وین تاکنون، تنها چیزی که در این مُعادله تغییر کرده، زایل شدن توهم رهبران "نظام" نسبت به حجم و دامنه هزینه ای است که باید پردازند و پادشاهی است که برایش کیسه دوخته بودند.



## کلید روحانی به سود رانت خواران و به زیان نیروی کار

زینت میرهاشمی

نقش کلید حسن روحانی در گذر زمان و در پس طرحها و لوایح دولت، خود را نشان می دهد. قرار بود این کلید با گشایش فضای کسب و کار، راههای برون رفت از بحران اقتصادی را طی کند. در عمل طرحهای دولت قانون را دور زد. بازیگران، تصمیم گیرندگان و صاحبان زر و زور همچون صحنه سیاست، در اقتصاد هم آنچه را که به نفع خود می بینند فرای قانون انجام می دهند.

سه جانبه گرایی یکی از اصول سازمان جهانی کار است که در قانون کار جمهوری اسلامی هم موجود است. پایوارن رژیم علیرغم عضویت در سازمان جهانی کار حتا به الزامات این اصل قانونی در تنظیم رابطه بین نیروی کار، کارفرمایان و دولت تن نداده و این حکومت است که در اتحادی تنگاتنگ با سرمایه داران، روابط کار را به زیان کارگران تنظیم می کند. در سه جانبه گرایی رژیم، یک جانب آن یعنی کارگران و مزدبگیران و تشکلهای مستقل آنان کاملا غایب است. بر خلاف مقوله نامه های سازمان جهانی کار، حضور کارگران از جانب عروسکانی در خدمت قدرت پر می شود که در انتها بر نقش دوجانبه گرایی رابطه کار و سرمایه مهر تاکید می گذارند.

خارج کردن کارگاههای زیر ۵ کارکن و بعد از آن زیر ۱۰ کارکن از شمول قانون کار، طرح استاد- شاگردی، رشد قارچ گونه مناطق آزاد تجاری و مناطق ویژه اقتصادی، عدم رعایت چارچوبهای تعیین شده در قانون در مورد افزایش حقوق پایه، فقدان حق اعتصاب و اعتراض به شرایط کار، پیگرد، بازداشت، شکنجه، زندان و شلاق در مورد نیروی کار و... مسایلی است که فرصت پرداختن به آن در این نوشته کوتاه نیست.

تمامی موارد بالا در تقابل با کنوانسیونها و مقوله نامه های سازمان جهانی کار است.

### ارزان سازی نیروی کار

مدتها بحث تغییر قانون کار در جهت ارزان سازی نیروی کار به بهانه حل بحران اقتصادی مطرح است. سیاستهای تعدیل اقتصادی به شمول خصوصی سازی و حذف یارانه ها برای تشویق سرمایه داران و جذب سرمایه برون مرزی، از جمله ضرباتی مهم است که دیکتاتوری ولایت فقیه به کارگران وارد کرده و بالاخره اقتصاد مقاومتی تمامی اقدامات ضد کارگری را در خود جمع کرده است. این سیاستها بعد از برجام با شتاب پیش می رود. پایوران رژیم می خواهند قانون کار را به نحوی تغییر دهند که اخراجها آسان تر شود.

پایین نگاه داشتن حداقل مزد و ناخوانانی آن با تورم در عمل سهم دستمزد در قیمت تمام شده کالا را تقلیل می دهد. پایین بودن سطح دستمزد و فاصله فاحش درآمد با هزینه زندگی مزدبگیران به گسترده شدن فاصله طبقاتی منجر شده است. اما صاحبان سرمایه با اشتباهی سیری ناپذیر برای چپاول ته مانده سفره کارگران کمین کرده اند.

علیرغم اعتراضهای گسترده ای که به ارزان سازی نیروی کار به ویژه در دوره پسابرجام شده است، مدیر کل توسعه و اشتغال و سیاستگزاری بازار کار، بر سیاست دولت روحانی در ارزان سازی نیروی کار تاکید کرد.

این پایور رژیم به عنوان نماینده دولت، در روز ۱۳ مرداد امسال، در نشست «تخصصی نقش سیاستهای حداقل دستمزد کارآفرین در صنایع کوچک و متوسط» راهیابی به «اشتغالزایی و مبارزه با بیکاری» را در ارزان سازی نیروی کار و «تعیین دستمزد بر اساس بهره وری» دانست. محمدرضا کارگر که از همخوانی با حقوق کارگران فقط اسم فامیلش «کارگر» شده گفت: «دولت آماده است پتانسیل ارزان سازی کارگران را در اختیار کارفرمایان بگذارد.»

پرداخت دستمزد نسبت به کار مفید یا بهره وری کار، عمق نگاه استثمارگرانه این کارگزار رژیم را مشخص می کند. در حکومتی فاسد، شلاق و حبس برای فعالان کارگری، بدون حق اعتصاب و اعتراض، بدون تشکلهای مستقل کارگری و تنیدگی منافع کارفرمایان با حکومتیان، چگونه می شود مفید بودن کار را ارزیابی و چه نهادی صلاحیت چوب خط گذاشتن بر کار کارگران را دارد. وی «هزینه نیروی کار» برای دولت را بالا و در نتیجه ارزان سازی نیروی کار را توصیه می

کند. در حقیقت وی ارزش نیروی کار را همچون یک رانت و امتیاز به کارفرمایان نوید می دهد. این امر به فقیرتر کردن نیروی کار و ثروتمند کردن کارفرمایان و دولت و حکومت در جایگاه بزرگ سرمایه دار کشیده خواهد شد. ارزان سازی نیروی کار برای جلب سرمایه و اشتغالزایی در شرایط فعلی سود اصلی را به جیب رانت خواران داخلی می ریزد. زیرا ناموفق بودن در جلب سرمایه گذاران خارجی تنها به این موضوع ربط ندارد بلکه شرایط نامن برای سرمایه، دخالت تروریستی رژیم در منطقه و دامن زدن به جنگ و بحران در کشورهای دیگر از جمله عواملی برای عدم استقبال سرمایه گذاران خارجی است که دولت روحانی می خواهد از مایه گذاشتن نیروی کار آن را جبران کند.

### اشتغالزایی

روند تعطیلی واحدهای تولیدی و افزایش آمار بیکاری با توجه به این که یک ساعت در هفته «شاغل» به حساب می آید، نشان دهنده ناموفق بودن سیاستهای پایوران رژیم است. خبرهای اخیر مبنی بر تعطیلی تعداد زیادی از معادن و ورشکستگی کارخانه ذوب آهن اصفهان به عنوان بزرگترین شرکت تولید فولاد با سابقه ۶۰ سال فعالیت اقتصادی، در ردیف «مبارزه با بیکاری» حکومت فاسد است.

معاون امور معادن و صنایع معدنی وزارت صنعت، معدن و تجارت از تعطیلی «حداکثر ۵۰ تا ۶۰ معدن سنگ آهن» طی چند ماه گذشته خبر داد. (ایلنا ۱۹ مرداد ۹۵) همین منبع از «بیکاری ۵ هزار نفر از شاغلان معادن سنگ آهن کشور» خبر می دهد. عباس پاپی زاده یکی از مجلس نشینان در گفتگویی با تسنیم در روز شنبه ۴ اردیبهشت امسال گفت: «بر پایه آمارها ۶۰ درصد واحدهای تولیدی در ایران به حال تعطیل یا نیمه تعطیلی درآمده اند.»

گسترش مناطق آزاد تجاری و ویژه اقتصادی که از جمله سیاستهای راهبردی دولت روحانی جهت اشتغالزایی است که بنا بر اعتراف کارگزار دولت روحانی، جایی برای سودآوری هر چه بیشتر تاجران، وارد کنندگان و برادران قاچاقچی است. وزیر صنعت معدن و تجارت دولت روحانی این مناطق را «به عنوان یکی از گلوگاههای واردات و قاچاق به ایران» عنوان کرده است. (رادپو فردا، ۳۱ مرداد ۹۵). وی گفت: «این که مردم کالایی را به عنوان سوغاتی از این مناطق وارد کنند، مساله ای نیست. اما وقتی برخی افراد نیشان را پر می کنند و تریلیهای مملو از کالا را روانه سرزمین اصلی می کنند، دیگر روشن است که هدف واردات و به عبارت دیگر قاچاق کالا است...» (همان منبع) بر این منظر گسترش این مناطق خودمختار اقتصادی از جمله فواید برجام و پولهای آزاد شده برای بخش واردات و قاچاق کالا است که نتیجه آن نه اشتغالزایی و فضای کسب و کار که بیکاری بیشتر نیروی کار و نابود شدن صنایع تولیدی است.

### منتشر شد

## زیر محک زمان

قطعهنامه های سه اجلاس شورای عالی سچفخا

(۱۳۸۸ - ۱۳۹۱ - ۱۳۹۳)

ناشر: سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

چاپ اول: ۱۳۹۴

چاپ و صحافی: چاپخانه باقر مرتضوی، آلمان - کلن

برای دریافت این کتاب با آدرس زیر مکاتبه کنید

NABARD/ B.P. 77 / 91130 Ris orangis/ France

می توانید با آدرس ای میل زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

بهای کتاب ۷ یورو، هزینه پستی ۲ یورو



## خشونت و مبارزه طبقاتی

لیلا جدیدی

در این شماره می خوانید:

سوسیالیستها در باره خشونت چه می گویند؟  
تروتسکی و اخلاق: اخلاق آنها و اخلاق ما  
ر فورم یا انقلاب

A four-day conference of socialist politics, discussion and entertainment

**SOCIALISM2016**

July 1-4 ★ Chicago



به دعوت "سازمان بین المللی سوسیالیست"، کنفرانس سالانه سوسیالیسم طی روزهای یک تا چهارم ژوئیه، برابر با ۱۱ تا ۱۴ تیر ماه در شهر شیکاگو - آمریکا برگزار شد.

در این کنفرانس که در سال جاری با شرکت نزدیک به ۱۴۰۰ تن از فعالان چپ و کمونیست از سراسر آمریکا و نیز میهمانان خارجی برگزار گردید، مهمترین مسایل نظری و تجربیات عملی در جنبش کمونیستی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

آشنایی با دیدگاههای مختلف و نظرگاههای جدید، بخش دیگری از دستور کار کنفرانس سوسیالیسم بود. امسال نیز مانند سالهای گذشته من به نمایندگی از طرف سازمان چریکهای فدایی خلق ایران همراه فعالان دیگری از سازمان در شیکاگو در این کنفرانس شرکت داشتیم.

امسال کنفرانس سوسیالیسم ۲۰۱۶ حال و هوایی دیگری داشت. اگرچه فعالان و سازماندهندگان این کنفرانس خود را برای گفتگو در باره رویدادها و مبارزات کنونی مردم جهان و همچنین بحث پیرامون تئوریهها و تجربه های پیشوایان مارکسیسم و انقلابهای بزرگ توده ای آماده کرده بودند، با این حال سوسیالیسم، یک مبحث قدیمی که این بار به طور وسیع در سطح جامعه از سوی کمپین "برنی سندرز" برای ریاست جمهوری مطرح گردیده، موضوع بسیاری از سخنرانیها بود.

برای اولین بار پس از چندین دهه، سوسیالیسم در سراسر آمریکا در سطح جامعه مورد بحث قرار گرفته است. سخنرانان اگر چه از این مساله به عنوان امری مفید یاد می کردند، همزمان تفاوت سوسیالیسمی که برنی سندرز از حزب دمکرات مطرح می کند با سوسیالیسم توده ای را روشن می کردند. بخش قابل توجهی از ۱۴۰ سخنرانی، بدین مبحث اختصاص داده شده بود.

در همین زمینه دو سوال محوری مطرح می شد: چگونه واژه "سوسیالیسم" در آمریکا به یک واژه زشت تبدیل شد؟ آیا هنوز فضای این کشور از مک کارتیسم مسموم است؟

پرسش دیگر نمونه سوئد بود که برنی سندرز از سوسیال دمکراسی در این کشور یاد کرده بود. در این رابطه نیز تفاوتهای سوسیال دمکراسی سوئد با سوسیالیسم بررسی گردید.

برای آشنایی با دیدگاههای این بخش از چپ جهانی، در این نوشتار به چند نمونه از بحثهایی که بی ارتباط با مبارزات مردم سرزمین ما نیز نیست، اشاره می شود.

## سوسیالیستها در باره خشونت چه می گویند؟

آیا انقلاب حتما دارای یک پروسه خشونت آمیز است؟ چرا سوسیالیستها مخالف پاسیفیسم به عنوان یک استراتژی برای هرگونه شرایط هستند؟ تفاوت بین خشونت ستمگر و خشونت ستمکش چیست؟

"آماندا آچین" و "جولین گوئرو" در باره خشونت و به کارگیری ابزار قهر صحبت کردند

آماندا آچین، عضو سازمان بین المللی سوسیالیسم شعبه بوستن ایالت ماساچوست، صحبت‌های خود را اینگونه آغاز کرد: "ما اکنون در یکی از خشونت آمیزترین دوره های تاریخ انسانی زندگی می کنیم. در همین کشور در سال جاری ۱۵۰ کارگر به خاطر عدم ایمنی در محل کار جان خود را از دست دادند. از هر ۵ زن، یک نفر تجربه تجاوز را دارد. در سال ۲۰۱۶ بیش از ۵۰۰ نفر که اکثر آنان سیاهپوست هستند، توسط پلیس کشته شده اند. بیش از ۱۰۰ میلیون انسان در قرن بیستم کشته شده اند که اکثر آنان غیر نظامی بودند. این در حالیست که طبقه حاکمه به ما می گوید خشونت امری طبیعی و ابدیست، همیشه بوده و هست. برای نمونه اوباما در سفر خود به ژاپن در مراسمی برای قربانیان هیروشیما بر این امر تاکید کرد و خشونت را امری تا ابد رایج خواند.

اما این واقعیت ندارد، زیرا خشونت امری کاملا طبقاتی است. خشونت در جامعه پدیده ای است که تحت سیستم سرمایه داری دو جلوه در هیات دو طبقه دارد؛ طبقه سرمایه دار که همه امکانات را متعلق به خودش می داند و طبقه کارگر که برای طبقه سرمایه دار ثروت می سازد.

ما برای سرمایه داران با کار و زحمت و مشقت ثروت می سازیم و آنها آن را علیه ما به کار می گیرند، زیرا برای حفظ سلطه به سازمان قهر نیاز دارند. پلیس، دادگاه، زندان و ارتش، سازمان قهر آنها برای حفظ منافع شان علیه ماست. نمونه می آورم از شهر "بالتیمور" و طغیانهای مردم این شهر. بیش از ۱۶ هزار خانه خالی در این شهر وجود دارد و با این وجود ۳۰ هزار نفر در همین شهر بی خانمان هستند. مردم بی خانمان و بی مسکن به طور دایم مورد آزار و مزاحمت پلیس قرار می گیرند. ما مردم گرسنه داریم و مغازه ها پر از مواد غذایی هستند، اما اگر گرسنگان به خوراکیها دست دراز کنند، مجرم به حساب می آیند.

خشونت پلیس تنها برای ساکت کردن گرسنگان نیست، بلکه در اصل برای ایجاد ترس و رویارویی با تهدید مبارزه و مقاومت است.

رسانه ها عناوین خشن و کریه روی معترضان می گذارند. اما هنگامی که ما تظاهرات مسالمت آمیز داریم، شهر صحنه مانور ارتش و پلیس می شود. وقتی فلسطینیها در تویتر به تظاهر کنندگان می گویند چطور با گاز اشک آور مقابله کنند، بر آن نام ترویج خشونت گذاشته می شود.

چطور قانون شما به یک فرد گرسنه که از مغازه خوراکی بر می دارد هجوم می برد، اما از کنار روسای کمپانیهای بزرگ مانند "وال مارت" که میلیاردها دلار از ما می دزدند، به سادگی رد می شود؟

از این رو ما هر نوع خشونتی را رد نمی کنیم؛ ما خشونت طبقه حاکمه مدافع سرمایه داران را رد می کنیم. ما از اینکه ستمکشان مسلح شوند، حمایت می کنیم. از فلسطینیها علیه آپارتاید اسرائیل تا "بلک پنتر" در این کشور که به مبارزه مسلحانه پیوست. ما از به کارگیری همه ابزارهای مبارزه حمایت می کنیم. البته این در بین بخشی از چپ به ویژه پاسیفیستها مورد قبول نیست. بله ما از مبارزه مسلحانه به عنوان یک تاکتیک و نه پرنسیپ دفاع می کنیم.

سوسیالیستها خواهان دنیایی هستند و برایش مبارزه می کنند که در آن هیچگونه خشونتی وجود نداشته باشد. اگر همه افراد جامعه خوراک، پوشاک و زندگی راحت داشته باشند، جنگ نباشد و محیط زیست تخریب نشود، خشونتی هم وجود نخواهد داشت.

باید بدانیم طبقه حاکم از امتیازات سرمایه داری هرگز دست نمی کشد و برای حفظ آن هرگز سلاحش را که میلیاردها دلار هزینه اش کرده به زمین نمی گذارد. از این رو ما باید پیش از هر چه نخست مسلح به نیروی توده ها باشیم و برای آن سازماندهی کنیم."



## آلترناتیوی برای تروریسم مداوم طبقه حاکم

جولین گوئرو، عضو دیگر سازمان بین المللی سوسیالیسم، سخنران دیگر در باره مساله خشونت بود. وی گفت: "هرگز دستگاههای سیاسی به ریشه ها و علل تیراندازیهای که در مراکز عمومی و خیابانها می شود، نمی پردازند. لئون تروتسکی، انقلابی سوسیالیست روسی، مقاله های متعددی در باره ریشه ترور نوشته است. او در آغاز پلمیک خود در این باره، با افرادی که دست به ترور می زنند ابراز همبستگی می کند. این بدین خاطر است که در زمان او افرادی ترور می شدند که دست در اعمال ستمگرانه، قتل و آزار و تحقیر کارگران داشتند. او می دانست که شرایط جامعه تحت سرمایه داری سخت و طاقت فرسا است. اما در دوران ما اعمال ترور تقریبا همگی علل راست گرایانه داشته و محصول نگرش تنفر آلود نسبت به زنان، سیاهپوستان، مهاجران، مسلمانان و هم جنس گرایان است."

وی در ادامه گفت: "اگر رجوع کنیم به واژه نامه و معنای "ترور"، می بینم که اینگونه تعریف شده است: "استفاده از خشونت، تهدید و وحشت پراکنی، بیشتر برای مقاصد سیاسی". اگر این تعریف را قبول داشته باشیم، سیاست طبقه حاکمه علیه طبقه کارگر را "تروریسم مداوم" باید خواند. وی گفت: "ما سوسیالیستها معتقد نیستیم که رفتار خشونت آمیز می تواند ما را از ستم جمعی که به عنوان یک طبقه متحمل می شویم، رها سازد. ما مخالف ترور فردی به عنوان یک تاکتیک که بخشی از چپ به آن معتقد است، هستیم."

جولین توضیح داد: "سوسیالیستهای تخیلی تصور می کردند می توان جامعه ای بی نقص و در کنار سرمایه داری که به طور سریع در حال رشد بود، ساخت. اما سرآخر آنها با این حقیقت تلخ روبرو شدند که سرمایه داری به همه گوشه و کنار جهان رخنه می کند. سوسیالیستهای تخیلی بر این باور بودند که انسانها محصول محیط خود هستند، اما مارکس و انگلس آمدند و این ایده را بسط داده و گفتند که در همان پروسه ای که انسانها تلاش می کنند محیط خودشان را تغییر دهند، خود نیز تغییر می کنند. آنها در یک پلمیک مشهور علیه سوسیالیستهای تخیلی (کتاب ایدیولوژی آلمانی) استدلال کردند: "برای ایجاد آگاهی کمونیستی در سطح گسترده و برای پیروزی و به ثمر رسیدن هدف نهایی، تغییر انسانها در این پروسه جنبش عملی لازم است."

بنابراین نه به این دلیل که طبقه حاکمه نمی تواند از راههای دیگر سرنگون شود، بلکه به این خاطر که از میان بردن طبقه حاکم تنها زمانی می تواند موفقیت آمیز باشد که طبقه کارگر بتواند خود را در این پروسه از آنچه طی سالها در او نفوذ کرده و وی را شکل داده، رها کند و خود را صیقل دهد تا جایگاه مناسبی در جامعه جدید داشته باشد، گذار از این پروسه ضروری است. این تغییر را ما خودمان در پروسه فعالیتهای مان تجربه کرده ایم.

پس برای پاسخ به این سوال که آیا انقلاب باید حتما خشونت آمیز باشد، پاسخ این است که لزوما نه! انقلاب سوسیالیستی انقلابی است که توده مردم از آن حمایت می کنند، زیرا به عنوان یک طبقه منافع مشترک دارند. آنها در برابر خشونت آلترناتیوی ایجاد می کنند.

اما همچنین این ساده لوحانه است اگر فکر کنیم دستگاههای سیاسی به آسانی کنار می روند و این نهادهای عظیم خشونت مانند پلیس و میلیاردها دلاری که خرج ارتش و غیره کرده اند را بی استفاده می گذرانند. اما ما نخست باید مسلح به جنبش عظیم توده ها باشیم."

در خاتمه او یادی از "جورج اورول" کرد که در کتاب "درود بر کاتالونیا" تجربه خود را از شهر بارسلونا هنگامی که به دست طبقه کارگر و زحمتکشانش در هنگام مبارزه علیه فاشیسم افتاده بود، شرح داده است.

"جورج اورول می نویسد: "وقتی وارد این شهر شدم، متوجه شدم هیچکس به دیگری "آقا" و یا "خانم" نمی گوید. حتی "شما" هم خطاب نمی کند. همه یکدیگر را "رفیق" صدا می کردند. به جای "روزخوش" به هم "درود" می گفتند. انعام دادن منع شده بود. هیچ ماشین خصوصی و شخصی نبود. به همه تاکسیها و وسایل نقلیه و بسیاری دیگر رنگ سیاه و قرمز زده شده بود. همه جا پوسترهای انقلابی به چشم می خورد که از دیوارها به رنگهای زرد و آبی برافراشته شده بودند. از بلندگوهای "رامبرلاس" تمام روز صدای سرودهای انقلابی می آمد. به غیر از تعداد کمی از زنان و خارجیها، هیچکس لباس فاخر نپوشیده بود. تقریبا همه لباس کار به تن داشتند یا لباس کارگری آبی و برخی اونیفورم چریکی. چیزهای بود

که درک نکردم چیست و یا برخی را خوشم نیامد اما یک چیز سریع را درک کردم، چیزی در جریان بود که ارزش جنگیدن برایش را داشت." اگر سوسیالیستها آموزشهای متفکران انقلابی گذشته را مد نظر گیرند، خود را مسلح به تئوری و استراتژی سوسیالیسم انقلابی کنند، سازماندهی خود را همراه با سطح آمادگی جامعه کرده و یک مبارزه هماهنگ علیه سرمایه داری براه بیندازند، انسانیت در نهایت می تواند شاهد جامعه جدید باشد که در آن خشونت جایی ندارد. این جامعه گهواره رشد و توسعه پتانسیلهای انسانی خواهد بود؛ این جامعه ای است که ارزش جنگیدن برایش را دارد."

### تروتسکی و اخلاق: اخلاق آنها و اخلاق ما

نوشته تروتسکی با عنوان "اخلاق آنها و اخلاق ما" یک دفاع کلاسیک از شرح اخلاق طبقاتی، از انقلاب و مارکسیسم است. تروتسکی در دوران خود با پرسشهای اخلاقی مردمی که قصد داشتند جهان را دگرگون کنند برخورد داشت و امروزه نیز همین پرسشها مطرح هستند.

"دنی کچ"، مقاله نویس و نویسنده چندین کتاب از جمله "سوسیالیسم... جدی" سخنرانی خود را در این زمینه ارایه داد. وی گفت: "ما نمی خواهیم بگوییم به اخلاق معتقد نیستیم، بلکه می گوییم به اخلاق بورژوایی معتقد نیستیم. اخلاق امری طبقاتی است. اخلاق بورژوایی بر جامعه ما کاملاً تسلط پیدا کرده، ما با این اخلاق بزرگ شده ایم و دیگر تبدیل به فرهنگ جامعه شده است. از آنجا که اخلاق سوسیالیستها با این نرُم همخوانی ندارد و از آن پیروی نمی کند، گفته می شود که آنها به اخلاق اعتقاد ندارند. اما باید بینیم اخلاق سوسیالیستی چیست؟

در کتاب مسیحیها آمده است "کسی نباید قتل کند" و "کسی نباید دزدی کند". ما هم موافقیم. تنها مشکل اینجاست که عده ای که بر ما حکومت می کنند معتقد هستند یک استثنایی اینجا وجود دارد و این دستورات امری نسبی است. آنها می گویند این بستگی دارد چه نوع لباس و یا اونیفورمی پوشیده باشی. اگر لباس پلیس یا زندانبان و قاضیان و غیره را به تن داشته باشی، آنگاه قتل اشکال ندارد.

در مقابل مارکسیسم هم به ما می گوید، بنابراین آنها هم نمی توانند برای کارگرانی که برای انقلاب مبارزه می کنند تا از زیر یوغ ستم خارج شوند، تعیین کنند که چه ابزاری باید به کار ببرند.

امپریالیسم و سرمایه داری برای ما یک لیست طولانی از جنایت به بار آورده اند. جهان ما مملو از خشونت، درد و رنج است، اما مبارزه با این بربریت زیر سووال می رود و خشونت محسوب می شود. این در حالیست که خصلت رفتار طبقه کارگر انسانی است، زیرا این شرط و لازمه همبستگی برای پیشبرد مبارزه اش است.

سرمایه داری به ما می گوید انسانها به طور ذاتی قاتل، حریص، دزد، حيله گر، تنبل و غیره هستند و دست به کارهای خطا می زنند. آنها قبول ندارند که ما در این شرایط و این جامعه متولد شده و رشد کرده ایم. آنها همواره این بحث کهنه را پیش می کشند که انسانها به طور طبیعی خودخواه هستند.

اخلاقیات سرمایه داری به طور کلی دروغی بیش نیست. آنها با در دست داشتن رسانه ها و انواع ابزار ارتباطات، اطلاع رسانی و روابط عمومی، به طور مدام به مردم دروغ می گویند.

تروتسکی در این رابطه می گوید: "اخلاق بیشتر از هر فرم دیگری از ایدئولوژی، کاراکتر طبقاتی دارد. ما هرگونه هنجارهای اخلاقی طبقه غالب را رد می کنیم."

انگلس نیز می گوید: "اخلاق همواره طبقاتی بوده است؛ یا در دست منافع طبقه حاکمه و برای تسلط بر کارگر و یا در اختیار طبقه ستمکش برای شکستن سد راهش."

لنین می گوید: "طبقه حاکمه به اخلاقی نیاز دارد که بردگی و اطاعت را به توده ها و نیروهای کار بیاموزد." دو منبع پیشنهادی در این زمینه جهت آموزش پیرامون چارچوبی روشنی که مارکسیسم به ما نشان می دهد و پاسخ به سوالاتی که پیش روی ما هستند، نوشته "اخلاق آنها و اخلاق ما" و "تروریسم و کمونیسم"، پلمیک تروتسکی در سال ۱۹۲۰ با کائوتسکی است. همچنین از انگلس، لینن و نوواک نیز نوشته های مفیدی در این زمینه وجود دارد.

## رفورم یا انقلاب

"شارون سمیت"، نویسنده "آتش زیر زمینی: تاریخ رادیکالیسم کارگری در ایالات متحده آمریکا و نویسنده"، "زن و سوسیالیسم"، همچنین از نویسندگان نشریه "کارگر سوسیالیست" و "بررسی سوسیالیستی بین المللی" است.

وی در سخنرانی خود پیرامون گزینه رفورم یا انقلاب گفت: "بباید این طور تصور کنیم، بسا در حقیقت خواب ببینیم، برای چند لحظه که برنی سندرز در این کشور رییس جمهور شده. البته بگویم دلیل محبوبیت او بین جوانان و زحمتکشان



این جامعه به این دلیل بود که برای اولین بار کسی آمد و آشکارا معضلات جامعه را مطرح کرد. حالا برنی رییس جمهور شده، اولین تاثیر، لال شدن ترامپ است که چه خوشبختی از این بالاتر! اما اگر فکر می کنید الان مشکل داریم، پس صبر کنید برنی رییس جمهور شود تا ببینید که چه خبر خواهد شد! سندرز می گوید تحصیلات مجانی شود، آنهم با پول مالیات ثروتمندان! خب، سیاستمداران ترجیح می دهند بمیرند تا این را قبول کنند. اوباما برای نمونه چه

کرد که بهداشت و سلامت را قابل دسترسی کند (که البته چندین برابر آن را بدتر و گران تر کرد)، اما باز همان را هم دیدیم که کنگره چه بلایی بر سرش آورد.

برنی سندرز می گوید سوسیالیسم به سبک کشورهای اسکاندیناوی. توجه کنید که الان مثل دهه هفتاد نیست. همین سوئد شتابان در حال سقوط به سمت راست است. کمکهای پایه ای اجتماعی به تدریج حذف می شوند. الان شرکت IKA که ادعای کاربرد روش سوسیالیستی می کرد نیز مانند "وال مارت" ضد اتحادیه های کارگری موضع گرفته است. اتحادیه ها دیگر آزاد نیستند.

ما می دانیم که سوسیالیسم یک استراتژی است که سیستم سرمایه داری را نابود می کند.

اما چرا سوئد شکست خورد؟ برای اینکه به قلب سیستم سرمایه داری نزد. کمپانیهای بزرگ سوئدی رفتند فراملی شدند. در واقع ما در آمریکا بالاترین تفاوت طبقاتی را داریم و سوئد در دومین رده است. اینگونه باید نگاه کرد که آیا سیستم طور هست که کسی بتواند مزد دزدی کند یا نه؟ این اصل مارکسیسم تا به حال به این اندازه واقعیت نداشته است. سوسیالیسم با انتخابات به دست نمی آید؛ سوسیالیسم از پایین به بالا ساخته می شود. ما از رفورم باید حمایت کنیم؛ اما رفورم به انقلاب و سوسیالیسم نمی انجامد.

توجه کنید که امروز از هر یک دلار، ۴۰ درصد آن صرف هزینه های نظامی می شود. اما از هر دلار فقط ۱۹ سنت برای بهداشت و درمان خرج می شود.

"رودلف واگنر"، مهندس سوسیال دمکراسی سوئد، می گوید: "چرا مدل سوئدی سوسیالیسم شکست خورد، زیرا جنبش قوی کارگران از دست آنها خارج شد و به دست سرمایه افتاد. کمپانیها فراملی شدند. سوئد وارد سیستم گلوبال شد، چون یک کشور نمی تواند سوسیالیستی باشد، وقتی با سرمایه داری محاصره شده.

سوسیال دموکراسی با انتخابات محقق می شود، اما مارکسیسم به ما می گوید سوسیالیسم فقط از پایین به بالا ممکن است و این تفاوت انقلاب سیاسی با انقلاب سوسیالیستی است. البته که مارکسیسم انتخابات و رفورم را رد نمی کند، ولی اگر بخواهیم واقعا به سوسیالیسم برسیم، فقط با انقلاب سوسیالیستی ممکن است."

شارون سمیت بر اینکه جنبش اعتصاب بهترین نوع اعتراض است تاکید بسیار کرد و نمونه های از آن را یادآور شد. او در خاتمه سخنانش گفت که مارکسیسم یک علم است و نه یک باور مذهبی و برای انقلاب سوسیالیستی باید آن را آموخت.

## با دروغ و ریانی نمی توان جامعه را رام کرد

مهدی سامع

روز دوشنبه ۱۱ مرداد سال جاری خامنه ای به دروغ «مشکلات معیشتی مردم را دغدغه عمیق و مستمر» خود اعلام کرد و در مورد برجام نیز با ریاکاری به گونه ای صحبت کرد که گویا یک ناظر بی طرف بوده و تنها توصیه هایی به مذاکره کنندگان ارایه می داده است.

آیا مشکلات معیشتی مردم به راستی از «دغدغه عمیق و مستمر» خامنه ای است؟ باید توجه داشت این حرف را کسی می زند که نهادهای تحت امر با صدها میلیارد دلار سرمایه و دارایی نه فقط در جهت بهبود وضعیت فلاکتبار مردم اقدام موثری انجام نمی دهند و تنها دغدغه آنان چگونگی چپاول مردم و کشور است، حتی به دولتی که یکی از اجزای ولایت اش است مالیات بر درآمد پرداخت نمی کنند و کارکرد این نهادهای بزرگ اقتصادی غیرشفاف است. خامنه ای که در مورد تضاد بین فیلم سازان اروپایی با هالیوود هم نظر می دهد، آسمان و ریسمان را به هم می بافت تا با لاپوشانی مسئولیت خود در مورد فجایعی که مردم ایران با آن درگیر هستند، نقش مدافع مردم را بازی کند. برای مثال او در مورد به هدر رفتن حدود هزار میلیارد دلار درآمد ارزی در دوران صدارت محمود احمدی نژاد سکوت می کند. اما مردمی که فقر و بی خانمانی را بر دوش خود حس می کنند می دانند که مسئول اول و بدون رقیب این وضعیت فلاکتبار و چپاول میلیاردها دلار درآمد ارزی کسی جز ولی فقیه نیست.

اگر حساب و کتاب نهادهای تحت امر خامنه ای به شمول بنیاد تعاون و قرارگاه خاتم الانبیاء سپاه از پرده برون افتد، سیه روی می شود مقام معظم که مردم ایران را به چنین فلاکتی گرفتار کرده است. اگر واردکنندگان اصلی شکر و پارچه و کالاهای بُنجُل چینی و .... معرفی شوند، معلوم می شود خامنه ای پشتیبان کسانی است که اقتصاد و تولید کشور را نابود کرده اند. اگر کانالهای اصلی قاچاق معرفی شوند، مشت مدافع اقتصاد مقاومتی باز می شود.

اگر مجموعه پولهایی که برای صدور ترور و مداخله در سوریه، عراق، یمن، لبنان، فلسطین و..... هزینه می شود اعلام شود، معلوم می شود که «دغدغه» اصلی خامنه ای نه مردم که تضمین بقای ولایت اش است. اگر.....

مقام معظم در مورد برجام برخوردی ریاکارانه دارد. در همین سخنرانی وی گفت: «برجام، به عنوان یک تجربه، بی نتیجه بودن مذاکره با آمریکاییها، بدعهدی آنها و ضرورت بی اعتمادی به وعده های آمریکا را بار دیگر ثابت کرد..... امروز مسئولین دستگاه دیپلماسی خود ما و همان کسانی که در همین مذاکرات از اول تا آخر حضور داشتند، همینها می گویند آمریکا نقض عهد کرده است..... البته بنده از یکسال پیش، یک سال و نیم پیش هی تکرار کردم که به آمریکاییها نمی شود اعتماد کرد، بعضیها سخت شون بود قبول کنند..... خوب، برجام اصلاً برای برداشتن تحریمها بود، دیگه مگر غیر از این بود؟ برای اینکه تحریمهای ظالمانه برداشته بشود، خوب برداشته نشده» است و با گذشت شش ماه از برجام «هیچ تأثیر ملموسی در زندگی مردم دیده نمی شود». (سایت خامنه ای) در همین چند جمله چندین دروغ و یک ریاکاری چندش آور وجود دارد. کارگزاران رژیم بارها به طور شفاف و صریح اعلام کرده اند که ولی فقیه در جریان تمامی مذاکرات از اول تا امضای برجام بوده است. بنابراین این شخص خامنه ای بوده که برجام را تأیید نهایی کرده و پس از آن هیات مذاکره کننده تفاهم را اعلام کرد. هرچند در مناسبات دیپلماتیک «اعتماد» نقش مهمی ندارد، اما اگر در برجام مساله اعتماد مطرح بوده، این مقام معظم بوده که برای خلاصی از تحریمها به طرفهای خارجی اعتماد کرده است. بدون تأیید خامنه ای نه مذاکره جدی صورت می گرفت و نه توافقی امضا می شد. بنابراین پیش کشیدن موضوع «اعتماد» از جانب خامنه ای چیزی جز ریاکاری نیست. اما در مورد دروغهای مقام معظم به موارد زیادی می شود اشاره کرد.

نکته اول این که تحریمهای مربوط به پروژه هسته ای در کل و جزء برداشته شده و در برجام ماده ای در مورد لغو تحریمهای مربوط به حقوق بشر و حمایت رژیم ایران از تروریسم وجود ندارد.

نکته دوم این که اکنون رژیم ایران حدود ۲ میلیون بشکه نفت صادر می کند و وارد بسیاری از مناسبات اقتصادی با کشورهای بزرگ شده که در شرایط تحریم امکان پذیر نبود. یکی از مهمترین تحریمها که در کنار تحریم بانکی نقش تعیین کننده داشت، تحریم نفتی بود و این تحریم اکنون وجود ندارد.



نکته سوم که خامنه ای از آن گزیده شده، موضوع موانع در مناسبات بانکی است. براساس یک قرار داد جهانی عملکرد بانکها باید شفاف بوده و فاقد عملکردهایی مثل پولشویی و حمایت مالی از تروریسم باشد. نهاد جهانی کنترل کننده بانکها باید به «تراکنشهای مالی» جمهوری اسلامی دسترسی داشته باشد. گرچه چندین ماه قبل، این نهاد بین المللی برای مامشات با رژیم ایران، سقف ادامه سخت گیری بر بانکها را برای یک سال متوقف کرد، با این حال بدون شفافیت بانکهای رژیم این نهاد نمی تواند حکم قطعی در مورد ادامه مناسبات بانکی با رژیم ایران را صادر کند و این ربطی به برجام ندارد. موضوع معامله دلاری در مناسبات بانکی هم به آمریکا و کنگره این کشور مربوط است که این نیز در برجام پیش بینی شده است. خامنه ای می خواهد با برجام چند لویی میل کند. هم دلار دریافت کند، هم بدون کنترل جهانی دلارهای دریافتی را از طریق شبکه بانکی برای تروریسم و بنیادگرایی هزینه کند و لابد انتظار دارد همه مقامات کشورهای طرف قرارداد با حجاب اسلامی به دستبوسی مقام معظم شرفیاب شوند.

نکته چهارم این که فقدان «تاثیر ملموس در زندگی مردم» ربطی به تحریم یا عدم تحریم و برجام ندارد. همانطور که در بالا نوشتم با حدود یک هزار میلیارد دلار درآمد ارزی طی سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲، زندگی مردم به فلاکت کشیده شد. بنابراین دل سوزی برای مردم از جانب خامنه ای هیچ کس را فریب نمی دهد. وضعیت فاجعه بار اقتصادی ایران ناشی از شرایط زیربنایی (ساخت اقتصادی) و روبنایی (استبداد مذهبی) است. برای تغییر ملموس در زندگی مردم در گام اول باید روبنای موجود یعنی استبداد سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه تغییر کند. در غیر این صورت زندگی اکثریت مردم با هر میزان درآمد ارزی روز به روز بدتر و بدتر و جامعه تباه تر خواهد شد.

وقتی ۳۰ درصد مردم ایران حتی نان برای خوردن ندارند، انتظار این که مردم سهمی از برجام ببرند، انتظاری بیهوده است. علی اکبر سیاری، معاون وزیر بهداشت در یک جلسه حکومتی اعتراف کرد که «۳۰ درصد مردم ایران نان خوردن ندارند و گرسنه اند...» و ۲۵ درصد جمعیت شهری در کشور حاشیه نشین هستند». (راديو فردا به نقل از مهر، ۲۸ مرداد ۱۳۹۵) وی با گفتن این که «آمارهای وزارت بهداشت از آسیبهای اجتماعی در ایران محرمانه است» به عمق فاجعه مهر تایید زد. سخنان روز دوشنبه ۱۱ مرداد ولی فقیه، بلافاصله با پاسخ حسن روحانی روبرو شد.

تلویزیون شبکه خبر در همان روز حرفهای روحانی را پوشش داد. وی در مورد برجام و تحریمها گفت: «در فضای تحریم شما همه اش باید دستت تون به سوی دیگران دراز باشه...میگن زورگویی نبود خوب پس چرا نمی فروختی اگر زورگویی نبود...وقتی تحریم بود، عزت نبود، برجام چی برای ما آورده، اول عزت. در فضای تحریم ما یک چیزی می خواستیم بخریم ناچار بودیم از یکی دو تا کشور برویم بخریم، به هر قیمتی گفتن، با هر شرایطی گفتن، با هر کیفیتی گفتن، برجام یعنی شما آزادید به جای دو کشور، در برابر دهها کشور حق انتخاب داشته باشی...» روحانی در جایی هم با طعنه به خامنه ای گفت که نمی توان «در برابر قدرتهای بزرگ با شعارهایی که گاهی تو خالی است» ایستاد.

این سخنان که به طور آشکار در تقابل با ولی فقیه بود با انبوهی از حملات از جانب ایادی خامنه ای روبرو شد. علم الهدا، امام جمعه مشهد و از سوگلیهای دربار خامنه ای در حمله به روحانی گفت: «این آقای ساده لوح می گوید ما با برجام عزت پیدا کردیم! چه عزتی؟». (عصر ایران، جمعه ۱۵ مرداد ۱۳۹۵)

یک جعل نگار تاریخ، حسن روحانی را به خیانت متهم کرد. حمید حسینی روحانی (زیارتی) گفت: «خطر بزرگ برای ایران، نه آمریکا و نه اسرائیل است، بلکه آقای دکتر روحانی و تفکرات این چنین است. آقای روحانی آگاهانه به صحنه آمده تا اصلتهای اسلامی را از بین ببرد... آن روزی که رهبری فرمودند من مذاکره را بیهوده می دانم، عمر و عاص های امروز رهبری را مجبور به مذاکره کردند... ما امروز رسوایی مذاکره و برجام را دیدیم... اینها برای هر سخنرانی رهبری دهن کجی نشان می دهند و باید مجازات شوند... روحانی به جرم خیانت به کشور و دروغ و دوری از ولایت باید محاکمه شود.» (تابناک به نقل از زیتون تبریز، جمعه ۱۵ مرداد ۱۳۹۵)

سعید جلیلی بند ۳۷ برجام را «اهرم فشار بالای سر» رژیم می داند و نمی گوید که خامنه ای با آگاهی به همین بند که در مورد حل و فصل اختلاف بین دو طرف است، برجام را تایید کرد.

در مقابل هاشمی رفسنجانی حرفها و اقدامات مخالفان روحانی را «مانع تراشیهایی متحجران» دانست و گفت کسانی که «مبارزه را با تعبیری چون "مشت به سندان کوبیدن" و "آب غربال کردن"، به سخره می گرفتند و با قیافه ی حق به جانب می گفتند "جواب این خونها را چه کسی می دهد؟".... همین جماعت در سالهای اخیر چنان ادعای انقلابیگری دارند که اگر جامعه سوابق سکوت آنان در مقابل چپاولهای استبداد و استعمار را در تاریخ ثبت نمی کرد، امروز ادعای پیشتازی با امام و مبارزین را داشتند.» (ایرنا، دوشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۹۵)

پس از سخنان خامنه ای این سوال مطرح شده که آیا خامنه ای از «نرمش قهرمانانه» و به بیان بهتر «عقب نشینی ذلیلانه» پشیمان شده و به دنبال تجدید نظر در برجام است؟

با توجه به شرایط متحول جهانی و منطقه ای و نیز وجود بحران انقلابی (بحران غیرقانونی) در ایران، نمی توان یک پاسخ قاطع و بی بُرو برگرد به این سوال داد و باید بر بیشترین احتمال دست گذاشت. به گمان من اگر شرایط به همین گونه پیش رود که طی دو سال گذشته جریان داشته، خامنه ای هرگز جرعت دبه درآوردن نخواهد داشت. خود او هم می داند که بر اساس متن برجام طرفهای خارجی به تعهدات خود عمل کرده و حتی در مواردی امتیازات زیادی به رژیم داده اند. همچنین خامنه ای می داند که برگرد از عقب نشینی هزینه های گزافی برای ولایت او خواهد داشت. بنابراین او مجبور است هم به روند اجرایی برجام تن دهد و هم برای روحیه دادن به مزدوران خود ساز مخالف کوک کند و هم چماقی را بالای سر باند رفسنجانی نگهدارد و از این طریق روحانی را به گرنش مداوم وادارد تا کلید روحانی فقط برای قفلهای دلوپسان کارایی داشته باشد.

محصول چنین شرایطی تشدید تضاد در درون هرم قدرت و افزایش چشم گیر حرکتهای اعتراضی مردم است، مردمی که حق خود را طلب می کنند.



## اعدام گروهی زندانیان اهل سنت، جنایت جدید ولی فقیه

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر چهارشنبه ۱۳ مرداد

بامداد سه شنبه ۱۲ مرداد، تعداد زیادی از زندانیان عقیدتی توسط مرتجعان حاکم بر ایران اعدام شدند. اعدام جمعی زندانیان اهل سنت، جنایتی ضدبشری و محکوم است. تمامی نگاهبانان این نظام پوسیده ارتجاعی و حامیان آن در هر کجای جهان و ایران، در برابر این گونه جنایتها مسئول و شریک هستند.

در سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی دهه ۶۰، اعدام گروهی این زندانیان آن چنان فجیع و هولناک است که خود رژیم تعداد اعدام شدگان را اعلام نکرد. بر اساس گزارشهای منتشر شده، ماموران به خانواده های ۲۱ زندانی اطلاع دادند که برای گرفتن اجساد فرزندان شان مراجعه کنند. گزارشها تاکنون از اعدام ۱۰ نفر در بامداد سه شنبه حکایت دارد. اعتراض به احکام اعدام دهها تن از زندانیان اهل سنت، از طرف مدافعان حقوق بشر، مخالفان حکم اعدام و نهادهای حقوق بشری تاثیری در جلوگیری از اجرای این جنایت ضد بشری نگذاشت. رژیم در برابر اعتراضهای گسترده به احکام اعدام این زندانیان، در ماه گذشته اقدام به انتشار فیلمی در «صدا و سیمای» ارتجاع با عنوان «در عمق تاریکی» کرد. در این فیلم زیر فشار و تهدید از زندانیان زیر اعدام اعتراف گرفته شده تا محکومان به جرمهای مورد دلخواه شکنجه گران اعتراف کنند. این گونه مصاحبه ها در زیر داغ و درفش جلادان هیچگونه اعتباری نداشته و ادامه توابع سازی و محکوم است.

ضمن محکوم کردن اعدام جنایتکارانه تعدادی از هموطنان، همراه با مادران زندانیان اعدام شده، اعلام می کنیم «زنده باد داد ستاندن از بیداد». مادران زندانیان اعدام شده در بیانیه خود در سالگرد قتل عام زندانیان در دهه ۶۰، به درستی نوشته اند که «در کنار مادران و همسران و خواهران جوانان اعدام شده از دهه های گذشته تا کنون ایستاده و همراه با آنان سرود دادخواهی می خوانیم.»

## نه به اعدام، دیدار با مادران شهدا در کردستان

شعله پاکروان

نزدیک غروب بود که به خانه دایه سلطنه رفتیم. کردها به مادر دایه می‌گویند. من نیز به مادر بزرگم که ریحانه در کنارش خفته، دایه می‌گفتم. زنی که بیش از فرزندانش، من به او شباهت دارم. خلق و خویم دیگران را به یاد دایه می‌اندازد. دایه سلطنه زنی که راست می‌ایستد. بدون کوچکترین خمیدگی. با این‌که دلش خون است اما هیچ کس نمی‌تواند او را به زانو درآورد. او سلطان احساسات خویش است. از او در باره نداشتن گوری برای تخلیه‌ی اندوهش پرسیدم. جوابش حیرت‌انگیز بود. راهی برای هزاران نفر که سنگی بر گوری ندارند. هزاران بی‌نام و نشان که یا در میدان جنگ هشت ساله



با عراق مفقود شدند یا در میدان اعدام. برای هزاران زن که در آتش فقدان عزیزان شان می‌سوزند. دایه با دستش روی سینه‌اش زد و گفت قبر فرزند من اینجاست. فرزند توی دل میلیون‌ها ایرانی است. راست می‌گفت. وقتی کسی را توی قلبت حمل می‌کنی هیچکس نمی‌تواند از تو بگیردش. تا ابد در رگهایت جاری می‌شود. گاهی ممکن است تو را احضار کنند و بگویند فلان کار را بکن یا نکن تا نشانی قبر عزیزت را به تو بدهیم. تو پاسخ می‌دهی من نیازی به یک گودال ندارم که تو نشانم بدهی یا ندهی. عزیز من توی تنم جاری است. همین باعث می‌شود به هزار چون خود پیوند بخورم. از پیش از خاوران تا کنون. این همان بند ناف نامریبی است که از آن زنجیره‌ی ساخته می‌شود به طول سراسر ایران.

از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب. از تاثیر اعدام فرزندش گفت. از زنجیره‌ی انسانی از خانه‌اش در کامیاران تا مدرسه‌ای که فرزند معلم آن بود. از کوچ اجباری‌اش به سنندج. از خوابهای شیرین و لبریز از رویای فرزند.

فرزاد، معلمی که کمان‌دانش را به دست گرفته و تیر آگاهی و سواد را برای مبارزه‌اش انتخاب کرده بود. کمانگری که هنوز نامش با آموزش به کودکان کرد عجین است. برای دایه‌گفتم که چند روز پس از اعدام فرزند و همراهانش، ریحان چیزی را که از مأموران شنیده بود برایم گفت. شیرین علم‌هولی در بند نسوان اوین بود. وقتی از میدان اعدام بازنگشت، ریحان شروع به پرس و جو کرد. مأموری برایش گفته بود که هنگام اعدام، فرزند شروع به بحث درباره‌ی شرایط پرونده‌شان می‌کند. سر و صداها بالا می‌رود. شیرین فریاد می‌زند ساکت باشید. رو به همراهانش می‌کند و می‌گوید این اعدام انجام می‌شود. پس جر و بحث نکنید و با آرامش روی سکو بروید. سرود می‌خوانند و طناب به گردن می‌گیرند. مأمور به

ریحان گفته بود اول زیر پای شیرین خالی شد. وقتی ریحان گفته ها و پیگیریهایش را برایم می گفت نمی دانستم نداشتن سنگ قبر چه اهمیتی دارد. به حرفهایش درباره ی پیگیریهایی که می کرد تا نشانی از محل دفن بداند توجهی نمی کردم. اما نشانه هایی از بهشت زهرا را به او داده بودند.

خوشحال بودم که دایه سلطنه قوی تر از آن است که با ندانستن نشان فرزندش به زانو درآید. او نیز چون مادرانی که عزیزان شان اعدام شده و بی نام و نشان در جایی از ایران دفن شده اند، ایستاده بود. روی پاهایی که مثل کوه بود. خودش کوه بود. پیر مثل زاگرس. کوهی که عاشقانه های شیرینی در دل دارد. بی اغراق می گویم که از او نیرو گرفتیم. دایه ها، کوههای پشتیبان جوانترها هستند. وقتی از خانه اش بیرون آمدم احساس کردم فرزند و شیرین و فرهاد و همه ی اعدامیان بی نام و نشان و حتی مفقودان جنگ در قلب من نیز جایی دارند. مدفون در اعماق قلبم. تنشان در گوشه یی از این سرزمین خاک شده اما جانشان با وجودم عجین شده است.

به خانه ی شهرام بازگشتیم. با خانواده های دیگری قرار داشتیم که به دیدارشان برویم. اما گویا نگرانی شان بیشتر از آن بود که تصورش را می کردند. شنو آمد و خبر داد که خانواده ها عذرخواهی کرده اند. آنان نگران پسران باقیمانده شان بودند. زنان محافظان زندگی هستند. من و شهناز درک می کردیم. تصمیم گرفتیم سندیج را ترک کنیم. از خانواده احمدی خداحافظی کرده و باز به جاده زدیم. در راه به این فکر می کردیم که کجای دنیا، این که کسی بخواهد به دیدارت بیاید تا در غم از دست دادن جوانت شریک شود، ترس آور است؟

اما پاسخمان آشنا بود. ترس در جان ایران رخنه کرده. از بس زخم بر تن دارد. از بس داغ لاله هایش بر تنش نشسته. جاده می پیچید. مثل رگ در تن. هوا تاریک شده بود که به کرمانشاه رسیدیم. اقوام فریدون میزبانمان شدند. به طاق بستان رفتیم و تا دیروقت شاهد مردمی بودیم که بی خبر از دردی به نام اعدام؛ بی آن که بدانند این دیو چقدر به خانه های شان نزدیک است در رفت و آمد بودند. چراغهای روشن، زیبایی شهری بزرگ و تاریخی را در شب، صد چندان کرده بود. پلهای بزرگی که برای مونو ریل زده بودند مثل هزار پایی غول آسا در اصلی ترین خیابانهای کرمانشاه می دوید. شب برایم بی پایان بود. در ایوان خانه نشستیم و با دوستی صحبت کردم. ساعتها. سپیده زد که خوابم برد.

ظهر به دیدار خانواده ی دو جانبخته ی ۸۸ رفتیم. کیانوش آسا و صانع ژاله. ساعتی گفتگو اندوه سالها قبل را در وجود شهناز زنده کرد. شهناز زنی که به دیدار بازماندگان کشته گان دشت بلا می رفت. با کوششی ستودنی. اکنون نیز در کنار یکدیگریم برای دیدار با بازماندگان اعدام. زنی که دوستش دارم. دوستی که مرگ عزیزانمان باعث آشناییمان شد. می گویم: شهناز! کاش در شرایط دیگری با هم آشنا می شدیم. کاش شادی و سرور باعث دوستیمان می شد. ناگفته هایش را از چشمها و لبخند همیشگی اش می خوانم که می گوید فرزندان جانبخته این مرز و بوم، هر کدام شاهرهای به سوی آزادی و آبادی اند. و ما، بازماندگان، ادامه ی آن شاهرهاییم.

عصر از کرمانشاه خارج شدیم و به سوی تهران بازگشتیم. بین راه از همدیگر عکس انداختیم. عکسهایی به عنوان یادگار از این سفر فشرده اما پربار. هر کدام در دل چیزی برای گفتن داشتیم که عکسها نماد آن گفته ها ست. شهناز از مصطفایش که چشمهایش آسمان را در خود جای می دهد و من که چشم در چشم دیو اعدام ایستاده ام. بی آشتی. زخم اعدام ریحانم هنوز تازه است. با هر اعدام تازه تر می شود.

تهران. مرکز سرزمینی که مقام اول در عمل نفرت انگیز اعدام را دارد به نسبت جمعیتش. تهران. شهری که همیشه در تب و تاب است. تب و تابی دوگانه. یا چنان بی خیال است نسبت به سرنوشت مردان سرزمینش و یا تا پای کهریزک می رود. تهران. شهری آشنا. شهری پر از داغ و درد و خاطره. تهران پیش رویمان بود. سپیده زده بود که در خانه بودیم. آن قدر خسته بودم که بیهوش شدم. وقتی بیدار شدم دانستم فردا خانواده شهرام راهی تهرانند برای ساماندهی به مزارش. برای تجدید دیدار. برای آغازی با یاد شهرام. برای برخاستن از زمین. برای تمرین زندگی بی شهرام.

منبع: فیس بوک شعله پاکروان



## تاریخ اسلام سیاسی در ترکیه

ایلکر آتاچ/ گروندریسه

برگردان: بابک

(نوشته حاضر بخشی از یک تحلیل جامع است که در سال ۲۰۰۹ انتشار یافت و از نظرگاه تاریخی و پیش بینیهای مرتبط، سندیت و تازگی خود را حفظ کرده است)

"حزب نظام ملی" (Milli Nizam Partisi, MNP) به عنوان نخستین حزب نماینده اسلام سیاسی، در سال ۱۹۷۰ بنیان نهاده شد. پس از ممنوعیت، حزب جانشین آن به نام "حزب سلامت ملی" (Milli Selamet Partisi, MSP) تاسیس شد. این حزب در اولین حضور خود در انتخابات پارلمان در اکتبر ۱۹۷۳، ۱۱٫۸ درصد آرا و ۴۸ کرسی پارلمان را به دست آورد و به جایگاه سومین حزب بزرگ ترکیه دست یافت. براساس برنامه آن، این حزب مدافع صنعتی سازی متعادل و محلی به عنوان جایگزینی برای سیاست واردات و مونتاژ بود تا به این وسیله بر عقب ماندگی کشور غلبه شود. حزب سلامت ملی کنار زدن اولویت دهی به مراکز صنعتی محلی را هدف گرفته بود و از هژمونی سیاست توسعه مبتنی بر بلوک

متشکل از سرمایه صنعتی و بازرگانی انتقاد می کرد. این حزب توانست جبهه ای متشکل از کسب و کارهای کوچک آناتولی (بخش آسیایی ترکیه در شرق این کشور) را با حمایت جریانهای سنتی مذهبی علیه ترکیب قدرت در مرکز ایجاد کند.

در سال ۱۹۸۳ برای سومین بار با مشارکت "نجم الدین اربکان" یک حزب اسلامی، "حزب رفاه" (Refah Partisi, RP)، تاسیس



شد. حزب مزبور در دهه ۹۰ با برنامه آلترناتیو خود و یک ساختار سازماندهی کارآمد توانست به خوبی رشد کند. حزب رفاه در انتخابات پارلمانی ۱۹۹۵ به قوی ترین جریان سیاسی ترکیه بدل شد و ۱۵۸ کرسی از مجموع ۵۵۰ کرسی پارلمان را از آن خود کرد. پس از مذاکرات طولانی و تلاش ناموفق برای تشکیل دولت ائتلافی، سرانجام این حزب با "حزب راه راست" (Doğru Yol Partisi, DYP) به توافق رسید و دولتی را تشکیل داد که چند ماه بعد در ۲۸ فوریه ۱۹۹۷ در پی صدور بیانیه شورای امنیت ملی منحل شد. خود حزب رفاه نیز در ۱۲ ژانویه ۱۹۹۸ بنا به رای دادگاه قانون اساسی ترکیه ممنوع شد. دادگاه مزبور رای خود را اینگونه مدلل کرد که رهبران حزب به گونه آشکار جاری کردن دوباره شریعت و همچنین ایجاد حکومتی بر پایه اسلام را تبلیغ کرده اند و بدینوسیله بنیان لاییک جمهوری ترکیه را مورد تهدید قرار داده اند. در جریان دادگاه، "حزب فضیلت" (Fazilet Partisi, FP) به عنوان جانشین حزب مزبور تاسیس شد و توانست در انتخابات ۱۹۹۹ شرکت کند و سومین حزب قدرتمند کشور شود.

برخلاف حزب سلامت ملی در دهه هفتاد، حزب رفاه توانست در دهه نود پایه های اجتماعی خود را توسعه دهد. در این دوران به رای دهندگان سنتی آن، دو گروه اجتماعی مهم دیگر نیز که پایه آن را تشکیل دادند، افزوده شدند. از یکسو آن دسته گروههای اجتماعی به حمایت از حزب رفاه پرداختند که به ویژه در شهرها در نتیجه دگرگونی ساختاری اقتصاد ترکیه به حاشیه جامعه رانده شده بودند. حزب رفاه قادر شد با برنامه اش زیر نام "نظم عادلانه"، خود را به عنوان یک حزب آلترناتیو به آنها معرفی کند. حزب رفاه به ویژه در سطحهای محلی شهری و روستایی از طریق حمایت مادی از فقیران و نیز در اختیار قرار دادن کمکهای گوناگون برای نیازمندان، جایگاهی سیاسی رفاهی کسب کرد.

از سوی دیگر، این حزب منافع یک طبقه متوسط جدید و بورژوازی سنت مدار را نمایندگی می کرد. هر دوی این قشرها در پی تحولات دهه ۸۰، از پلکان طبقاتی جامعه بالا رفته بودند. آنها خواهان یک هویت اسلامی در جامعه بودند که با ارزشهای سکولار جمهوری همخوانی نداشت. حزب رفاه با تاکید بر سبک زندگی اسلامی آنها را جذب کرد.

در نهایت پایه اجتماعی حزب رفاه اما از گروههای حاشیه ای شکل گرفت که خارج از مکانیزمهای اجتماعی و فرهنگی سیستم حاکم زیست داشتند؛ زیان دیدگان لیبرالیزه سازی، آنها که بیرون از مرزهای حمایتی دولت قرار گرفته بودند و همچنین طبقه متوسط و بورژوازی در حال رشد که در خارج از مکانیزمهای شناسایی قشر ممتاز دولتی بسر می بردند. حزب رفاه از دیگر احزاب موجود به ویژه از این نظر متمایز می شد که در بسیج رای دهندگان و نیز در دولت استراتژیهای غیر متعارفی را تعقیب می کرد. حزب اهمیت زیادی به سازمانهای پایه و بسیج در سطح محلی می داد. در همان زمان که تعداد اعضای احزاب رسمی کاهش می یافت، حزب رفاه به ویژه در شهرهای بزرگ مانند استانبول و آنکارا با موفقیت ساختار سازمانی خود را بنا می کرد.

شکل کارآمد سازماندهی که بیش از همه بر جذب اعضای جدید و اشکال جدید مبارزه انتخاباتی تمرکز داشت، باعث آن شد که این حزب در مدت کوتاهی بیشترین تعداد اعضا را در میان احزاب دیگر داشته باشد.

ویژگی حزب رفاه در دهه نود آن بود که در گفتمان خود توانست اسلام را به مساله دموکراسی، عدالت اجتماعی و خواست هویت فرهنگی ربط دهد. حزب رفاه نقش حزب اعتراضی را بازی می کرد و با زبان اسلام به ایجاد شبکه هایی موثر برای گسترش موقعیت قدرت سیاسی خدمت می کرد. به این وسیله از یکطرف منافع قشرهای حاشیه اقتصادی - اجتماعی و از طرف دیگر منافع قشر متوسط در حال رشد را نمایندگی می کرد. حزب رفاه همزمان با آنکه بازندگان نو - لیبرالیسم (مانند مهاجران ساکن در حاشیه شهرها) که از سوسیال دموکراسی سرخورده شده بودند را مخاطب قرار می داد، به بورژوازی سنت مدار و تحصیل کرده های اسلامی نیز وعده دست یافتن به جایگاه های ممتاز را می داد.

### حزب عدالت و توسعه

برآمدن "حزب عدالت و توسعه" (Adalet ve Kalkınma Partisi - AKP) در چارچوب بحران مالی سال ۲۰۰۱ و نیز پروسه رفرم شکل گرفت. بحران مالی در فوریه ۲۰۰۱ بزرگترین بحران اقتصادی تاریخ ترکیه را رقم زد. پیامدهای اجتماعی بحران، بیکاری و نابرابری فزاینده همراه با توزیع درآمد به زیان بخش کارورز و فقیر جامعه بود.



همچون بحران مالی ۱۹۹۴، بحران ۲۰۰۱ هم به عقبگرد روشن و پایدار سطح دستمزد در ترکیه راه برد. دستمزدها پس از بحران به طور پیوسته در بخش صنایع پردازش کننده تا سال ۲۰۰۶ کاهش یافت. طی دوره شش ساله عقبگرد، میزان کاهش دستمزدها از ۱۷ درصد اولیه، در مجموع به ۳۰٫۲ درصد رسید. با بحران ۲۰۰۱ نه فقط فاز بهبود آهسته سطح دستمزد پس از ۱۹۹۴ قطع شد، بلکه نسبت دستمزد در سال ۲۰۰۶ زیر

سطح ۱۹۹۴ رفت و در مقایسه با سطح دستمزد در سال ۱۹۷۹، یک عقبگرد تاریخی ۵۹٫۴ درصدی را به نمایش می گذاشت.

این بحران، راه را برای تجدید ساختار همه جانبه سیاست و اقتصاد ترکیه را هموار کرد. علت بی ثباتی اقتصاد ترکیه در دو عامل دیده می شد: کسری بودجه بخشهای دولتی و بی ثباتی ساختارهای مالی. براساس این ریشه یابی، در مرکز برنامه های برون رفت سه عنصر قرار گرفتند:

ابتدا سیاست اقتصادی با تعیین قوانین نهادینه شد. گام اول در این زمینه ایجاد انضباط مالی و نیز استقرار یک سیاست پولی که بر پایه ثبات قیمتها قرار داشت، بود. سپس، مناسبات بین سیاست و اقتصاد از طریق تجدید ساختار دستگاه دولت از نو تنظیم شد و گام سوم، تجدید ساختار بخش بانکی بود.

واکنش دولت به بحران، تغییر شیوه تنظیمات بود. به اینگونه که از یکسواشکال مداخله دولتی تغییر یافت و از سوی دیگر، ساختار دولت تجدید طراحی شد. همزمان قوانین جدیدی برای بخش مالی به منظور بین المللی کردن آن وضع گردید. برنامه وسیع مزبور می بایست اعتبار بانکی اقتصاد ترکیه را در چارچوب ارزش گذاری ریسک بازارهای مالی افزایش می داد.

هم بحران مالی و هم بازسازی پس از آن با هزینه اجتماعی هنگفتی همراه بود. تحت این چارچوب، نارضایتی مردم رشد کرد. شکست احزاب رسمی در پیشبرد یک رشد اقتصادی پایدار و همچنین تاثیرات اجتماعی بحران مالی و ذهنیت عمومی پیرامون فساد به عنوان علت آن که در احزاب رسمی هویت می یافت، در جمع به موفقیت حزب عدالت و توسعه (از این پس "ع.ت") انجامید. این حزب توانست با وجود ریشه های اسلامی و ادغام با حزب رفاه، خود را به عنوان یک نیروی جدید سیاسی (حزب اعتراضی) معرفی کند. "ع.ت" در این مرحله به طور روشن از اشتباهات یک اپوزیسیون قوی چپ بهره برد.

با آنکه "ع.ت" در پی بحران به قدرت رسید، با این حال پس از عهده دار شدن دولت، سیاست نو - لیبرال را تقویت کرد. حزب مزبور از سال ۲۰۰۲ دست به خصوصی سازی گسترده بنگاههای دولتی زد و سیاست اقتصادی را به طور دقیق با معیارهای بانک جهانی هماهنگ ساخت. در این مرحله به منظور ایجاد جذابیت برای سرمایه گذاران خارجی، رابطه اقتصاد و سیاست تجدید سازمان داده شد.

رویکرد نو - لیبرال و بازار گرا با این هدف توجیه می شد که ترکیه را به یک "علامت تجاری بین المللی" تبدیل کند. ارجحیتهای رفرمهای نو - لیبرال خود را در تدابیر در بخش مدیریت عمومی نیز نشان می داد. لایحه پیرامون اصلاحات در بخش مدیریت عمومی تلاش دولت حزب رفاه و توسعه برای تغییرات گسترده در بخش مدیریت عمومی به وسیله خصوصی سازی و تمرکز زدایی در سطحهای محلی دولتی را به نمایش می گذاشت.

"ع.ت" در بسیاری از بحثها به عنوان جریانی معرفی می شد که دموکراتیزه سازی را به پیش می برد. پارلمان ترکیه نیز در این مسیر بسیاری از قوانین را تغییر داد. در این رابطه تامین شرایط کپنهاگ (شرایطی که شورای اروپا در سال ۱۹۹۳ در نشست خود در کپنهاک برای عضویت اعضای جدید تعیین کرد - نبرد خلق) با هدف آغاز مذاکرات با اتحادیه اروپا یک رل تعیین کننده ایفا کرد. حقوق بشر گسترش داده شد و نفوذ ارتش بر شورای امنیت ملی کاهش یافت.

افزون براین، مجوز راه اندازی کلاسهای خصوصی برای آموزش زبان کردی صادر شد و همچنین امکان پخش برنامه های تلویزیونی به زبان کردی در فرستنده های دولتی و خصوصی فراهم گردید و به وضعیت فوق العاده در استانهای کردی خاتمه داده شد. در مقابل، عملی سازی موقعیت تغییر یافته قانونی با موفقیت زیادی همراه نبود. تدابیر اصلاحی در برخورد به "مساله کرد" با مقاومت روبرو شد، چه در داخل حزب و چه از جانب ارتش. لیبرالیزه سازی و تدابیر دموکراسی سازی در انتها موفق نبودند. تحت دولت حزب عدالت و توسعه بیش از همه بلوکه کردن گشایش کانالهای دموکراتیک در مساله کرد و نیز ادامه میلیتاریزه سازی مشاهده شد.

### چشم انداز

در مباحثات حاضر "ع.ت" به عنوان نیرویی مورد گفتگو قرار می گیرد که دموکراتیزه سازی را پیش می برد. اما نهادینه سازی رژیم پس از کودتای نظامی، به تمرکز قدرت سیاسی منجر شده است. سیستم سیاسی خودمحور نهادهای پارلمانی را تضعیف و نهادهای دولتی را تقویت می کند.

سیستم سیاسی یک حزب سیاسی را تولید کرده است که بیش از ۷۰ درصد کرسیهای پارلمانی را در اختیار دارد؛ یک جایگاه قوی در درون دستگاه دولت. "ع.ت" از قدرت بهره می برد و سهم آن در دموکراتیزه سازی سیستم سیاسی در دوران صدارتش ناچیز است. بحث و جدلها بین کمالیستهای ممتاز و حزب مزبور را باید از این زاویه دید.

از موضع تئوری دموکراسی مشکل در این جا نیست که "ع.ت" جریانی خطرناک است زیرا یک برنامه پنهانی برای اسلامی کردن کشور دارد. بسا بیشتر از آن خطر برای دموکراسی در این است که کنترل ارتش و دستگاه بوروکراتیک خودمحور توسط یک دولت تک حزبی قوی صورت می گیرد که قدرتش را تقسیم نمی کند. "ع.ت" انتظارات لایه های مختلف اجتماعی که خواهان تحول سیستم سیاسی و اقتصادی هستند را در خورد متحد می کند. لایه های مزبور از نیروهای محافظه کار و لیبرالی تشکیل شده اند که برای ارتقای جایگاه اجتماعی خود تلاش می کنند، خواهان ثبات اقتصادی و از این رو به ثبات سیاسی در نتیجه حاکمیت حزب عدالت و توسعه امید بسته اند. کلید موفقیت "ع.ت" در این است که می تواند اقشار گوناگون را زیر پرورژه هژمونی خود متحد کند.

در درون این حزب، فرهنگ مذهبی، اقتصاد لیبرالی و نیروهای سیاسی اقتدارگرا حاکمیت دارند. دولت حزب عدالت و توسعه نو - لیبرالیزه سازی به هزینه کارورزان را با گسترش و ژرفش محافظه کاری گره زده است.

**برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید**  
[nabard@iran-nabard.com](mailto:nabard@iran-nabard.com)

## زنان در مسیر رهایی

اسد طاهری

### پیگیری پرداخت "حق آرایش" به پرستاران بیمارستانهای خصوصی

سازمان نظام پرستاری، ۳ مرداد - دبیر شورای عالی سازمان نظام پرستاری از پیگیری ماجرای پرداخت پول آرایش به پرستاران در بیمارستانهای خصوصی خبر داد.

حمید چراغی به درخواست این سازمان از دو سایت خبری منتشر کننده این خبر برای ارائه مستندات لازم اشاره کرد و گفت: "سازمان نظام پرستاری از طریق واحد حقوقی نظام پرستاری تهران، این موضوع را پیگیری کرد و از این دو سایت که این گزارش را کار کرده بودند، مستنداتی را درخواست کرد."

چراغی تاکید کرد: "اگر این روند ادامه پیدا کند موضوع را از طریق مراجع قضایی برای حفظ حرمت و شان جایگاه پرستاری پیگیری می کنیم." وی با این حال گفت: "ممکن است بیمارستانهای خصوصی از لحاظ ظاهری توقعاتی از کارکنان داشته باشند، اما اینکه بخواهند ردیفی به عنوان حق آرایش به حقوق پرستاران اضافه کنند، وجود ندارد."

### ممنوعیت دوچرخه سواری بانوان در شهر مریوان و اعتراض ۱۴۰۰ شهروند

موکریان / رادیو فرانسه، ۶ مرداد - در شهر مریوان هر هفته در روز "سه شنبه بدون خودرو" عده ای از شهروندان با دوچرخه اقدام به تردد می کنند. اما روز گذشته ماموران نیروی انتظامی از دوچرخه سواری بانوان جلوگیری کردند.

یکی از شهروندان مریوان با اعلام این خبر گفت: ماموران انتظامی دوچرخه چندین نفر از خانمها و آقایان همراه شان را توقیف کردند و از تعدادی نیز تعهد گرفتند."

ماموران نیروی انتظامی در پاسخ به اعتراض شهروندان از





"حرام" بودن و "غیرقانونی" بودن دوچرخه سواری بانوان سخن گفتند، در حالی که منع قانونی برای دوچرخه سواری بانوان وجود ندارد.

ماموستا مصطفی شیرزادی، امام جمعه مسجد جامع شهر مریوان، در نماز جمعه هشتم مرداد در واکنش به دوچرخه سواری زنان در سطح شهر گفت: "دوچرخه سواری برای زنان در ملا عام گناه است و لازم است مسوولان و اداره ورزش و جوانان فضای مناسب و سرپوشیده برای خانمها فراهم کنند."

در اعتراض به این اقدام، ۱۴۰۰ تن از شهروندان و فعالان مدنی مریوانی با جمع آوری امضا و انتشار نامه ای سرگشاده خطاب به مسوولان مربوطه، به ممنوعیت دوچرخه سواری بانوان اعتراض کردند. آنان خواستار لغو چنین ممنوعیتی و نگاه برابر به حقوق زنان شدند.

### تقاضای سرمربی تیم منحل شده بانوان ملوان از روحانی



ایسنا، ۹ مرداد - تیم فوتبال دختران ملوان، از پرافتخارترین تیمهای فوتبال زنان ایران، با تصمیم مدیر عامل این باشگاه منحل شد.

مریم ایراندوست، سرمربی سابق تیم فوتبال بانوان ملوان با بیان اینکه از تصمیم انحلال تیم فوتبال ملوان بهت زده است، گفت: "با اتفاقات پیش آمده قطعاً انگیزه در بین زنان ورزشکار از بین می رود، همانطور که من، مریم ایراندوست که جز فوتبال و ورزش چیزی را نمی دیدم و نمی توانستم یک روز را بدون توپ سپری کنم، تصمیم

به کناره گیری از فوتبال گرفتم و تمام اینها به اتفاقات و رفتار هایی که در جامعه با ورزش زنان صورت می گیرد در ارتباط است."

وی افزود: "این تنها مختص رشته فوتبال نیست و بسیاری از رشته ها درگیر این اتفاقات هستند. به عنوان فردی که در ورزش ملی کشور زحمت کشیده ام، از ریاست محترم جمهور تقاضا دارم بیشتر از گذشته به زنان در جامعه توجه شود، چرا که مطمئن هستم جامعه ورزشی سالم، به پیشرفت و پرورش فرزندان موفق و سالم کمک خواهد کرد." ایراندوست به سختیها و تلاشهایی که در چندین سال گذشته برای علاقه خود کرده، اشاره کرد و گفت: "متأسفانه بعد از گذشت سالها و کسب عناوین مختلف، تیم منحل شد و شاهد بالاترین حد بی احترامی بودیم. تصور من بر این است این اتفاق برای جامعه ورزش زنان اتفاق خوبی نیست و ناامیدی بزرگی را به وجود خواهد آورد."

### خودکشی دختر ۱۲ساله برای فرار از ازدواج اجباری

خبرگزاری هرانا، ۱۳ مرداد- یک دختر ۱۲ساله اهل کامیاران روز شنبه ۹ مرداد ۹۵، در پی فشار خانواده برای ازدواج اجباری، به زندگی خود پایان داد.

مهستی اسدی زیر فشار مادر بزرگش برای ازدواج با یک مرد ۲۵ ساله که دارای معلولیت ذهنی و جسمی بود، قرار داشت. وی به دنبال مرگ پدر و ازدواج مادرش، با مادر بزرگش زندگی می کرد. او با استفاده از چادر مادر بزرگش خود را از لوله گاز آویخت و صبح دوشنبه ۱۱ مرداد در بیمارستان بعثت سنندج درگذشت.

به گفته یک منبع محلی، ازدواجهایی از این دست که به طور عمده در برخی از روستاهای مناطق غربی کشور مثل کردستان و کرمانشاه رخ می دهد، معمولاً پس از سن قانونی در دفاتر رسمی ثبت می شوند و تا آن زمان ممکن است برخی دختران ۹ تا ۱۳ ساله به اجبار یا آگاهانه به خانه شوهر بروند.



### ازدواج اجباری دختر شش ساله افغانستانی در ازای یک بز

العربیة، ۲۰ مرداد- یک مرد افغانستانی دختر شش ساله خود را در ازای دریافت یک بز و مواد غذایی مجبور کرد با یک مرد ۵۵ ساله ازدواج کند. به گزارش روزنامه بریتانیایی "دیلی میل"، دو مرد پس از گزارش یکی از نزدیکان توسط پلیس افغانستان دستگیر شدند.

پدر در ازای دریافت "چای، برنج و روغن" به مدت یک ماه برای خانواده فقیرش، دختر ۶ ساله‌اش را به مرد ۵۵ ساله به نام سید عبدالکریم از روستای "اوبه" داده است. این مرد قسم خورده که هیچ رابطه جنسی با دختر تا پیش از ۱۸ سالگی نداشته باشد.

پس از مراسم ازدواج، سید عبدالکریم، دختر را به منزل یکی از نزدیکان خود در شهر فیروز کوه در استان غور برد. صاحب منزل پس از فهمیدن ماجرا، به همراه یکی از دوستان خود، داستان را به دفتر حقوق زنان در غور گزارش داد. دفتر حقوق زنان تلاش خواهد کرد که حقوق پدری این کودک را از پدرش سلب کند. وی هم اکنون به مادرش سپرده شده است. در ویدیویی که منتشر شده، پدر دختر توسط شماری از زنان کتک می‌خورد. بر اساس این گزارش، سید عبدالکریم نیز توسط پلیس دستگیر شده است.

بر اساس قوانین افغانستان، سن ازدواج برای زنان ۱۶ و برای مردان ۱۸ سال تعیین شده است. این در حالی است که بنا به گزارش سازمان ملل، ۴۶ درصد از ازدواج دختران در افغانستان پیش از رسیدن به سن ۱۸ سالگی صورت می‌گیرد

### پوشیدن مایوهای اسلامی در سواحل کن فرانسه ممنوع شد



صدای آمریکا، ۲۳ مرداد- شهردار "کن" پوشیدن "مایوهای اسلامی" برای زنان را در سواحل این شهر بندری واقع در جنوب فرانسه ممنوع اعلام کرد. این مایوها، که به "برکینی" معروف هستند، از سر تا پای زنان را می‌پوشاند. استدلال "دیوید لنارد" این است که کسانی که قصد شنا و استفاده از سواحل کن را دارند، باید به خوش پوشی و نیز اصول سکولاریسم احترام بگذارند.

به گزارش گاردین، شهردار کن با بیان این که امروزه فرانسه و مراکز مذهبی هدف حملات تروریستی هستند، افزود: "پوششهای مخصوص ساحل و دریا که به روشنی گرایشهای مذهبی را نشان می‌دهند، احتمال بر هم خوردن نظم عمومی را بالا می‌برند؛ امری که باید از آن پیشگیری شود." بر اساس بیانیه‌ای که شهردار کن در این زمینه منتشر کرده، افرادی که از این قانون سرپیچی کنند، مبلغ ۳۸ یورو (معادل ۴۲ دلار و ۵۰ سنت) جریمه خواهند شد.

پیشتر نیز در فرانسه که از حملات تروریستی سال گذشته تا کنون در وضعیت اضطراری به سر می‌برد، برخی محدودیتها در مورد پوششهای اسلامی وضع شده بود؛ مانند استفاده از برقع یا روبنده در اماکن عمومی.

این کشور اروپایی از سال گذشته تاکنون شاهد چندین حمله تروریستی از سوی بنیادگرایان اسلامی و عوامل وابسته به داعش بوده است و در آخرین مورد، دو نفر که با رهبر داعش اعلام بیعت کرده بودند، با حمله به یک کلیسا، ضمن گروگان گرفتن افراد حاضر در آن، یک کشیش ۸۶ ساله را نیز گردن زدند.

### اعتراض گسترده مردم پرو به خشونت علیه زنان

ایسنا، ۲۸ مرداد- گروهی از مردم پرو در اعتراض به خشونت علیه زنان در چندین شهر دست به تظاهرات زدند. بیش از ۵۰ هزار نفر از مردم پرو در پایتخت و هشت شهر دیگر آن در اعتراض به خشونت جنسیتی علیه زنان و آنچه تبعیض در سیستم قضایی خوانده می‌شود، تظاهرات کردند.

مقامهای این کشور اظهار داشتند گستردگی تظاهرات علیه خشونت جنسیتی در پرو بی سابقه بوده و به دنبال محکومیت چند مجرم مرد صورت گرفته که به اعتقاد گروههای حامی زنان، حکم آنان با ارفاق صادر شده است.



"ویکتور تیکونا"، رییس دستگاه قضایی پرو، گفت: "سیزدهم ماه اوت در این کشور آغاز فرهنگ جدیدی برای ریشه کن کردن انزوای زنان است که از آن رنج می‌برند. همچنین ما مخالف خشونت علیه تمامی افراد به خصوص زنان و کودکان هستیم.

به گزارش روزنامه گاردین، تظاهرات در پرو به دنبال اعتراضهای مشابه علیه خشونت جنسیتی در دیگر

کشورهای آمریکایی لاتین از جمله آرژانتین و برزیل انجام گرفت.

### یک سوم دولت جدید تونس را زنان تشکیل می‌دهند



ایسنا، ۳۱ مرداد - دولت جدید تونس معرفی شد. در ساختار جدید دولت تونس به ریاست "یوسف الشاهد" که متشکل از ۲۶ وزیر است، هشت زن در پستهای وزارتی و دبیری دولت حضور دارند.

ترکیب دولت جدید تونس با حضور چهره های جوان متمایز شده و در این دولت عرصه گسترده تری به زنان

تونس اختصاص داده شده که از دیرباز نقشی کارآمد در جامعه داشته و عضوی اساسی در عرصه سیاست بوده اند. "لمیاء زربی"، یکی از مقامات پیشین دولتی در حوزه سرمایه‌گذاری و توسعه مالی و رییس سابق بانک دولتی تونس، به‌عنوان اولین زنی که پست وزارت دارایی را برعهده گرفته، احتمالاً مهمترین نقش را در تحقق برابری جنسی و غلبه بر بزرگ ترین چالش پیش روی دولت الشاهد که از زمان انقلاب تونس تاکنون قربانیان بسیاری گرفته است، برعهده خواهد داشت.

همچنین برای نخستین بار در تاریخ تونس یک زن برای تصدی پست امنیتی تعیین شده است. "نجاه جوادی" اولین مدیر امنیتی زن است که ماموریتش هماهنگی منطقه ای در مدیریت کل امنیت ملی است.

به جز این دو، سکنداری وزارت ورزش و جوانان، وزارت بهداشت، وزارت نیرو و معادن، وزارت خانواده و حقوق زنان و کودکان و وزارت گردشگری نیز به زنان سپرده شده است.

در دولت جدید تونس، "حزب ندای تونس" چهار پست وزارتی، "جنبش النهضه" سه پست و "حزب آفاق تونس" دو پست وزارتی دارد.

## چالشهای معلمان در مرداد ماه

فرنگیس بایقره

### تجمع دانش آموزان کهگیلویه و بویراحمد

تسنیم، ۲ مرداد - یک مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش که مانع دانش آموزان از انتخاب رشته تحصیلی دلخواه آنها



می شود، موجب اعتراض دانش آموزان کهگیلویه و بویراحمد و تجمع آنها در برابر استانداری شد.

۲۴ اسفندماه سال ۹۴ مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش با مبحث "هدایت تحصیلی با هدف شناسایی و شناساندن استعدادها، توانایی، علاقه و ویژگیهای شخصیتی دانش آموزان" به امضای روحانی رسید؛ مصوبه‌ای که دست

دانش آموزان در انتخاب رشته تحصیلی را بست.

دانش آموزان معترض گفتند: "یکی از آرزوهای مان تحصیل در رشته تجربی و رشته های حوزه بهداشت و درمان بوده، ولی هم اکنون در حالی که معدل بالای ۱۹ داریم، به طور اجباری مانع تحصیل در رشته تجربی شده ایم و می گویند تشخیص داده ایم در رشته کودک یاری ادامه تحصیل دهید."

معاون آموزش متوسطه آموزش و پرورش کهگیلویه و بویراحمد در این زمینه گفت: "طبق مصوبه ۹۲۷ شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۰ درصد نظر دانش آموز، ۳۵ درصد عملکرد تحصیلی، ۳۰ درصد نتایج آزمونهای مشاوره ای، ۱۰ درصد نظر معلم، ۵ درصد نظر والدین و ۱۰ درصد نیز نظر مشاور از جمله ملاکهای و عوامل تاثیرگذار در هدایت تحصیلی دانش آموزان است."

ایوب رضایی افزود: "شورای عالی آموزش و پرورش و شورای اشتغال به این نتیجه رسیدند که در صورتی که دانش آموزان را به سمت رشته های مختلف هدایت نکنند، کشور در آینده با چالش روبه رو می شود، به طوری که در برخی رشته ها دانش آموز برای آینده کشور نداریم."

### تجمع اعتراض آمیز دانش آموزان دامغانی

تیتیر یک، ۴ مرداد - تعدادی از والدین و دانش آموزان دامغانی در اداره آموزش و پرورش دامغان تجمع کرده و مخالفت خود را با تحمیل رشته تحصیلی به دانش آموزان نشان دادند.

موضوع از این قرار است که تعدادی از دانش آموزان پایه نهم با مراجعه به مدارس خود و دریافت کارنامه، برگه هدایت تحصیلی و سپس مشاوره تحصیلی، متوجه شدند در رشته ای که می خواهند نمی توانند تحصیل کنند و سیستم امتیازدهی، رشته آنها را مشخص می کند.

پدر یکی از دانش آموزان پایه نهم گفت: "معدل فرزندم ۱۸،۵ شده، اما با این حال اجازه ثبت نام در مدارس نظری و رشته ریاضی را ندارد و باید فرزند خود را در رشته کار و دانش ثبت نام کنم. من از مسوولان می پرسم که آیا ممکن است دانش آموزی با معدل بالا به رشته کار و دانش برود؟" معترضان همچنین با نوشتن طوماری به مدیر کل آموزش و پرورش استان خواستار پیگیری شدند



## تجمعات اعتراضی دانش‌آموزان و اولیایشان

ایسنا، ۵ مرداد - این روزها دانش‌آموزان دوره متوسطه با سردرگمی ناشی از اجبار مسوولان مدارس نسبت به ثبت نام در رشته تحصیلی که مورد علاقه شان نیست، دست و پنجه نرم می‌کنند. این نارضایتی از چنین تصمیماتی در روزهای اخیر اعتراضات و تجمع در مقابل استانداری مرکزی را در پی داشته است.

زهره دانش آموز ناحیه یک اراک که معدل کارنامه اش ۱۹,۷۰ را نشان می‌دهد، با اعلام ناخرسندی از عدم ثبت نام وی توسط مسوولان مدارس در رشته مورد علاقه اش، گفت: زمانی که آزمون هدایت تحصیلی که دارای دو آزمون استعداد و هوش بود در مدرسه انجام می شد، مشاور مدرسه اعلام کرد که معدل چندان مهم نیست و این تستها را با دقت پاسخ دهید، اما آن روز به دلیل بیماری و ناخوش احوالی نتوانستم به خوبی تستها را پاسخ دهم. وی علاقمندی اصلی اش را رشته ریاضی یا تجربی عنوان کرد و گفت: علیرغم علاقمندی شدید من به این رشته ها، مسوولان مدرسه به اجبار می گفتند که باید در گروه فنی و حرفه‌ای که شامل صنعت و کشاورزی و خدمات است ثبت نام کنم.



## اهدای یک باب منزل مسکونی به خانواده معلم فداکار خاشی

حقوق معلم و کارگر، ۹ مرداد - فرهنگیان استان فارس طی یک اقدام خارج از ساختار اداری، یک باب منزل مسکونی به مساحت ۳۵۰ متر مربع و به ارزش یک میلیارد ریال را به پاس قدردانی از اقدام ارزشمند معلم فداکار سیستان و بلوچستان، حمید رضا گنگو زهی، به خانواده وی اهدا کردند.

حمیدرضا گنگو زهی، معلم فداکار سیستان و بلوچستانی، ۱۵ فروردین سال جاری با نجات جان دانش‌آموزان خود از زیر آوار به بهای بذل جان خویش، فداکاری فرهنگیان را به نمایش گذاشت.



## کلاهبرداری میلیاردی اداره آموزش و پرورش گیلان از فرهنگیان

کاسپین، ۱۲ مرداد - جمعی از معلمان آموزش و پرورش گیلان که اینک بیشتر آنها بازنشسته شده اند، بر سر زمینی که قرار بود روزی محل آرامش خود و خانواده شان باشد، تجمع کردند.

۲۲۵ فرهنگی بعد از ۱۳ سال نه تنها خانه دار نشدند، بلکه سرمایه اصلی خود که جان و آرامش خاطر است را با عدم مسوولیت پذیری مسوولان، از دست رفته می بینند. هنوز هیچ مسوولی از آموزش و پرورش گیلان پاسخگوی این وضعیت نیست و جز امیدی تهی از تدبیر حرفی برای گفتن ندارند!

موضوع داستان قطعه زمینی است که قرار بود سرپناه ۲۲۵ فرهنگی باشد؛ خانه ای که تا به امروز ۱۳ سال است صاحبانش جز قطعه زمینهایی فرضی چیزی از آن ندیده اند.

ماجرا از سال ۸۱ شروع شد. آموزش و پرورش گیلان طبق بخشنامه ای مبنی بر اینکه این اداره درصدد خرید زمین و احداث خانه ویژه فرهنگیان است، از معلمان و کارکنان خود درخواست کرد که در ازای مبلغی در این پروژه سهیم شوند.

معلمان و فرهنگیان گیلانی هم به امید خانه دار شدن در آن سال جمعا نزدیک به یک میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان برای خرید زمین به حساب سه نفر که از طریق آموزش و پرورش معرفی شدند واریز کردند. زمین در ازای مبلغ یک میلیارد و ۹۰۰ هزار تومان از پس انداز ۲۲۵ فرهنگی خریداری شد، اما بعد از گذشته ۱۳ سال هنوز سرمایه گذاران این پروژه قطعات زمین شان را فقط بر روی نقشه می تواند ببینند و تاکنون هیچ پیشرفتی نداشته است.

## تجمع دوباره خانواده ها در گرگان

کلاس بیست، ۱۲ مرداد - در حالی که مهلت هدایت تحصیلی روز گذشته به پایان رسید از اولین ساعات وقت اداری روز سه شنبه ۱۲ مرداد، آموزش و پرورش گرگان شاهد تجمع دو باره خانواده بودند. یکی از خانواده ها گفت: با توجه به اینکه سه هفته از صدور برگه هدایت تحصیلی در مدارس گذشته است اما معدل فرزندم ۱۹،۴۵ است و نمی تواند در رشته تجربی شرکت کند.

## تجمع چند روزه مریبان پیش دبستانی مقابل مجلس

مریبان پیش دبستانی طی روزهای ۱۷، ۱۸ و ۲۴ مرداد با تجمع مقابل درب مجلس شورای اسلامی خواستار بررسی خارج از نوبت اصلاحیه تبصره ۱۰ ماده ۱۷ قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق التدریس در مجلس شدند.



تبصره مزبور در مجلس اعلام وصول شده است. تجمع کنندگان از نمایندگان مجلس شورای اسلامی خواستار رسیدگی تعیین تکلیف وضعیت استخدامی خود شدند.

نمایندگان کمیسیون آموزش مجلس به این آموزش دهندگان وعده داده بودند که مطالبات آنها را پیگیری می کنند و بحث جذب به صورت حق التدریس را در صحن علنی مجلس مطرح خواهند کرد.

## تجمع بازنشستگان فرهنگی مقابل وزارت رفاه

ایلنا، ۱۸ مرداد - جمعی از بازنشستگان فرهنگی مقابل وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی تجمع کردند. در این تجمع که مقابل درب اصلی وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی برگزار شد، حدود صد نفر از بازنشستگان فرهنگی شرکت داشتند.

بازنشستگان فرهنگی می گویند: "پس از سالها خدمت در آموزش و پرورش و تدریس در کلاسهای درس، از مشکلات معیشتی رنج می بریم و خواهان افزایش

عادلانه مستمریها و همسان سازی مستمری بازنشستگان هستیم." این بازنشستگان پیش از این نیز تجمعات اعتراضی مختلفی در اعتراض به وضعیت معیشتی خود ترتیب داده اند.

## رسول بداقی تبرئه شد

حقوق معلم و کارگر، ۲۳ مرداد - رسول بداقی که در خرداد ماه ۱۳۹۵ در بیمارستان هزار تختخوابی تهران توسط حراست بیمارستان به توهین به رهبر متهم شده بود، در یک دادگاه آرام و بدون حاشیه توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به علت کافی نبودن مدارک شاکی، بیگناه شناخته شد.





### معلم، شاعر، نویسنده و مترجم کورد اخراج و تبعید شد

جمعیت حقوق بشر کوردستان، ۲۸ مرداد - آقای عزیز ناصری، معلم، شاعر و نویسنده و مترجم کورد و از اعضای انجمن



و

شهر

صنفی معلمان به اتهام "تبلیغ علیه نظام" از تدریس محروم و به شهر سمنان تبعید شد.

در ابلاغیه آموزش و پرورش به وی اعلام شده است که به علت "تبلیغ علیه نظام" و "تبانگی برای برگزاری تجمعات اعتراضی" ادامه کار وی در این وزارتخانه امکان پذیر نبوده حکم مذکور از سوی اداره مرکزی تایید و غیرقابل تغییر است.

سال گذشته عزیز ناصری در تجمعات اعتراضی معلمان گفته بود: "بی توجهی وزیر آموزش و پرورش دولت حسن روحانی به فرهنگیان و تبعیض فراوان در حق معلمان، از عوامل اصلی تجمعات معلمان است."

پیشتر وی بارها بازداشت و تهدید شده بود. بیشترین مدت زمان بازداشت وی در سال ۱۳۸۹ صورت گرفت که توسط نیروهای امنیتی شهر مریوان در اداره آموزش و پرورش آن دستگیر و به مکانی نامعلوم منتقل شده بود.

عزیز ناصری، شاعر و مترجم کورد که همزمان معلم آموزش پرورش بود، در سالهای گذشته ضمن انتشار چندین مجموعه شعر، چندین اثر ادبی شاعران کرد را نیز به زبان فارسی ترجمه کرده است.

### آموزش و پرورش همچنان پول فرهنگیان بازنشسته را نمی دهد

خبرگزاری فارس، ۳۰ مرداد - برخی از فرهنگیان که سال ۹۳ بازنشسته شده اند و همه فرهنگیان بازنشسته سال ۹۴، همچنان چشم انتظار دریافت پاداش پایان خدمت خود هستند.

مسوولان آموزش و پرورش اگرچه هرچند وقت یک بار وعدههایی برای پرداخت این مطالبات می دهند، اما واقعیت ماجرا را معاون پشتیبانی و توسعه مدیریت وزارت آموزش و پرورش اعلام کرد.

سیدمحمد بطحایی با بیان اینکه مطالبات معوقه فرهنگیان هر سال اضافه می شود، که پرداخت نشدن پاداش پایان خدمت ۳ هزار نفر از فرهنگیان بازنشسته سال ۹۳ را تایید کرد. وی وعده داد: "پاداش این گروه از فرهنگیان تا پایان شهریور به حساب شان واریز می شود. در صورت تامین اعتبار هم پاداش پایان خدمت فرهنگیان که سال ۹۴ بازنشسته شده اند، پرداخت می شود."

سال ۹۳ بیش از ۲۵ هزار فرهنگی بازنشسته شدند که پرداخت پاداش پایان خدمت آنها بیش از یک سال و نیم طول کشید. سال گذشته نیز حدود ۳۸ هزار فرهنگی بازنشسته شدند که مسوولان وعده داده اند به سرنوشت ۲۵ هزار بازنشسته سال ۹۳ دچار نشوند و برای پرداخت هرچه سریع تر مطالبات آنها تلاش می کنند.

### تجمع مربیان پیش دبستانی و آموزشیاران نهضت سواد آموزی برای چندمین بار

ایلنا، ۳۱ مرداد - جمعی از آموزشیاران نهضت سواد آموزی و مربیان پیش دبستانی مقابل تجمع کردند. تجمع کنندگان با حضور در مقابل مجلس خواستار تعیین تکلیف وضعیت استخدامی خود و در اولویت قرار گرفتن لایحه اصلاح ماده ۱۷ قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق التدریس شدند.

## دانشگاه در ماهی که گذشت

کامران عالمی نژاد

### ممنوعیت تحصیل دانشجوی - معلمان

مسوولان آموزش و پرورش مدتی است ادامه تحصیل برای معلمانی که همزمان با کار، تحصیل می کنند را ممنوع کرده اند. بر همین اساس، دانشجویان مجبورند درس خود را تمام کنند و سپس استخدام شوند یا اینکه معلمانی که استخدام می شوند، حق ادامه تحصیل ندارند.



دانشجویانی که بعضا نخبه و دارای عناوین و مقامات کشوری هستند، امکان ادامه تحصیل تا ۳ سال بعد از شروع خدمت خود را ندارند و معلوم نیست هدف آموزش و پرورش از تصویب چنین قانونی چیست؟ امنیت شغلی و تحصیلی یکی از موضوعات مورد توجه دانشجویان است، اما برخی تصمیمها مانند ممنوعیت تحصیل

دانشجو - معلمان می تواند موجی از ناامیدی در گرایش دانشجویان و جوانان به سیستم پرورشی کشور ایجاد کند. دانشجویان پس از ۳ سال وقفه و مشغولیت به کار معلمی، اجازه پیدا می کنند دوباره کنکور داده برای ادامه تحصیل وارد دانشگاه شوند و این در حالی است که نه مطالب علمی پس از سه سال یادشان مانده و نه دیگر شوری ادامه تحصیل وجود دارد. (خبرنامه دانشجویان ایران، ۲ مرداد)

### ۹۲ انجمن اسلامی: جو ارباب و تهدید در دانشگاه



بیش از ۹۰ تشکل دانشجویی در نامه ای به حسن روحانی خواستار رسیدگی به مشکلات دانشجویان شدند. این انجمنهای اسلامی ضمن ابراز نگرانی از فضای موجود در دانشگاهها، خواستار رسیدگی به معضلات دانشجویان شدند.

در متن این نامه که به امضای ۹۲ تشکل دانشجویی سراسر کشور رسیده، از جمله آمده است: "جو ارباب و تهدید، کماکان گریبان دانشگاه را گرفته است و به گونه های مختلف احساس می شود.

لغو برنامه های تشکلهای دانشجویی بدون رایبه دلیل و

هماهنگی با وزارت علوم که نافی استقلال این وزارتخانه است، عدم رسیدگی به درخواست تشکیل اتحادیه های دانشجویی و اخلاف در روندهای مربوطه از جمله جلوگیری از برگزاری نشستهای هم اندیشی تشکلهای دانشجویی که منجر به عدم همگرایی در فعالیت تشکها و نارسایی در پیشبرد اهداف کلان و جامع دانشجویی می شود، دخالتهای غیرقانونی و فراقانونی در فرم برگزاری برنامه ها به شکلی که ماهیت برنامه های درخواستی به کلی دگرگون شده و در نهایت، صدور مجوز با تعویق و تعلیق مواجه می شود.

اعمال سلیق شخصی در صدور مجوز برای میهمانان و سخنرانان توسط هیاتهای نظارت که موجب سردرگمی و برهم خوردن برنامه های موردنظر می شود، عدم رایبه دلایل مکتوب مطابق آیین نامه در رد برنامه های درخواستی از سوی تشکلهای، انواع برخوردهای تبعیض آمیز و رفتارهای دوگانه با تشکلهای از اختصاص ناعادلانه بودجه تا فرآیندهای زمانی طولانی در پاسخ به درخواست صدور مجوز توسط مسوولان، ایجاد مشکل برای کنشگران دانشجویی صرفا به بهانه حضور و فعالیت در شبکه های اجتماعی، رصد امور شخصی دانشجویان در فضای مجازی به بهانه های واهی، دامن زدن به نگاه

جنسیتی و اعمال طرحهای تفکیکی در موارد گوناگون و... مشتی از خروار مشکلات دانشجویان در این برهه است که متأسفانه وزارت علوم نیز تاکنون پاسخگوی این حجم عظیم از مشکلات نبوده و با ابراز ناتوانی در حل این مسایل و مامشات در قبال دخالتهای بیرونی، مسوولیت ناپذیری خود را توجیه می کند.

جناب رییس جمهور!

در این سال که منتهی به انتخابات ریاست جمهوری است، فضای دانشگاههای کشور بسیار نگران کننده است. خطر انفعال دانشگاه و تشکلهای دانشجویی به خصوص در انتخابات پیش رو به شدت احساس می شود." (ایلنا، ۶ خرداد)

### صدور مجوز ۲۰ خوابگاه خصوصی در تهران



رییس شورای نظارت بر خوابگاههای غیردولتی در استان تهران گفت: "۲۰ مجوز خوابگاه غیردولتی برای دانشجویان در تهران صادر و همچنین سقف و کف اجاره بهای این خوابگاهها مشخص شد."

حسن به نژاد با بیان اینکه نیاز نیست همه خوابگاهها از ما مجوز دریافت کنند افزود: "تنها خوابگاههایی که دانشجو اسکان می دهند، باید از ما مجوز فعالیت دریافت کنند."

معاون دانشجویی دانشگاه تهران اعتبار مجوزهای خوابگاههای مذکور را یک سال عنوان کرد و افزود: "شهریه خوابگاهها از ماهی ۳۰۰ هزار تومان در برخی مناطق تهران آغاز شده و تا ماهی ۶۰۰ هزار تومان در مناطق شمالی تهران می رسد." (خبرگزاری مهر، ۶ مرداد)

### تجمع دانشجویان معترض به بخشنامه وزارت راه

جمعی از کارشناسان ناپیوسته رشته های مهندسی که با مصوبه وزارت راه و شهرسازی امکان عضویت در سازمان نظام مهندسی را از دست داده اند، در برابر دیوان عدالت اداری تجمع کردند. این دانشجویان که از دوره کارشناسی وارد رشته های مهندسی مرتبط با سازمان نظام مهندسی شده اند، خواستار لغو مصوبه وزارتخانه هستند.

گفته می شود با اجرایی شدن این مصوبه، ۵ هزار نفر از مهندسان ناظر بیکار می شوند. (خبرگزاری دانشجو، ۱۲ مرداد)



### دانشگاهها ملزم به تشکیل کمیته عفاف و حجاب

معاون دانشجویی دانشگاه یزد از ابلاغ بخشنامه صیانت از عفاف و حجاب از سوی وزارت علوم به دانشگاهها خبر داد و گفت: براساس این ابلاغیه دانشگاهها باید کمیته هایی در این زمینه تشکیل دهند.

علی مروتی گفت: "وزارت علوم طرحی با عنوان صیانت از عفاف و حجاب در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور



تدوین کرده و این طرح به تمامی این مراکز ابلاغ شده است." وی افزود: "براساس این ابلاغیه، تمامی دانشگاهها باید کمیته توسعه و صیانت از عفاف و حجاب را تشکیل دهند که اعضای این کمیته ها باید در هیات رییس دانشگاهها نهایی و انتخاب شوند." وی اضافه کرد: "این ابلاغیه تمامی افراد مرتبط با دانشگاهها مانند دانشجویان، کارمندان و اساتید را شامل می شود و باید سه محور آموزش و آگاه سازی، ارشاد، تذکر و برخورد با متخلفان بررسی و برای آنها برنامه ریزی صورت گیرد." مروتی گفت: روسای دانشگاهها و مراکز آموزش عالی باید هر سه ماه یک بار گزارشی از روند فعالیت خود در این حوزه را به دبیرخانه صیانت از عفاف و حجاب در دانشگاهها که در وزارت علوم است ارائه کنند." (خبرگزاری مهر، ۱۷ مرداد)

### ورود بخش خصوصی به تغذیه دانشجویی با رانت دولتی

رییس صندوق رفاه دانشجویان از ورود بخش خصوصی به بحث تغذیه دانشجویی و اختصاص ۴۴۰ میلیارد تومان بودجه برای این کار خبر داد.

مهندس ذوالفقار یزدان مهر از تاسیس "فود کورت" در برخی از دانشگاهها خبر داد و افزود: "در برخی از دانشگاهها مانند دانشگاه صنعتی شریف، فود کورت تاسیس شده که مورد حمایت صندوق رفاه دانشجویان است. از طرف دیگر، صندوق رفاه دانشجویان اعتباری را به صورت یارانه به دانشگاهها اعطا می کند تا دانشگاهها زیرساختهای خود را اصلاح کنند و آماده شوند تا برندهای مختلف بتوانند در داخل دانشگاهها غذا عرضه کنند."

رییس صندوق رفاه دانشجویان ادامه داد: تاکنون نیز برندهای غذایی مختلف وارد فضای دانشگاههای تبریز و اصفهان شده اند. در این راستا دانشگاهها مبلغی را به عنوان یارانه اعطا می کنند تا چنانچه دانشجویان مایل است، از برندهای دیگر در فضای دانشگاه استفاده کند."

یزدان مهر در پایان اظهار کرد: "این اقدام باعث می شود علاوه بر کاهش فشار به سلف سرویسها، کیفیت غذا افزایش پیدا کند و دانشجویان از غذایی که علاقه دارد و از کیفیت خوبی هم برخوردار است، استفاده کنند." (ایسنا، ۲۲ مرداد)

### اعتراض دانشجویان روزانه رشته مدیریت رسانه به پرداخت شهریه اجباری

جمعی از دانشجویان روزانه رشته مدیریت رسانه دانشگاه تهران به پرداخت اجباری شهریه برای بعضی از دروس گذرانده شده، اعتراض کردند.

دلیل این اعتراض اجبار واحد آموزش تحصیلات تکمیلی این دانشکده به دانشجویان روزانه کارشناسی ارشد مدیریت رسانه برای پرداخت شهریه ای معادل پانصد هزار تومان بابت هر درس جبرانی می باشد.

یکی از دانشجویان این رشته گفت: "در طول دوره کارشناسی ارشد ۱۲ واحد (۶ درس) از طرف گروه مدیریت رسانه به عنوان دروس جبرانی مشخص شده است که با اعمال این قانون، دانشجویان روزانه این رشته موظف به پرداخت شهریه ای معادل سه میلیون تومان هستند."

وی افزود: "واحد آموزش این دانشکده تا قبل از پرداخت این وجه و تسویه کامل، اجازه دفاع از پایان نامه را به دانشجویان نمی دهد." این دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت رسانه گفت: "علاوه بر این، شهریه سنوات تحصیلی این رشته نیز مبلغ ۳۰۰ هزار تومان تعیین شده که به دلیل برنامه ریزی ضعیف دانشکده در ارائه واحدها و کمبود اساتید، بیش از ۹۰ درصد دانشجویان این رشته مشمول سنوات تحصیلی خواهند شد."

### دومین تجمع اعتراضی فارغ التحصیلان دانشگاه فرهنگیان سیرجان

دهها تن از دانشجویان دانشگاه فرهنگیان برای دومین بار طی دو هفته اخیر، در اعتراض به نحوه تقسیم محل خدمت شان، دست به تجمع مقابل دفتر امام جمعه و اداره آموزش و پرورش سیرجان زدند.

این دانشجویان که در سال ۹۱ از طریق کنکور سراسری جذب دانشگاه فرهنگیان شده بودند، نسبت به عدم پایبندی آموزش و پرورش به تعهدات خود در قبال محل خدمت شان، اعتراض داشتند. آنها می گویند که آموزش و پرورش در احکام ماموریتی محل خدمت شان متعهد شده است که آنها را در شهر خودشان به کار بگیرد، اما پس از فارغ التحصیلی این دانشجویان، از انجام تعهدات خود سر باز می زند. اکبر محیاپور، مدیر آموزش و پرورش سیرجان، گفت: "این فارغ التحصیلان در سیرجان ۷۰ نفر هستند و منظور از سهمیه منطقه و شهرستان، استان بوده که آموزش و پرورش می تواند در هر جای استان ابلاغ دهد." (سیرجان خبر/ خبرگزاری فارس، ۲۸ مرداد)

### تجمع دو هفته ای دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاه صنعت نفت



جمعی از دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاه صنعت نفت در اعتراض به بدقولی دولت در زمینه استخدام دانشجویان، طی روزهای ۱۷ تا ۳۱ مرداد (لحظه تنظیم این خبر) اعتراضهای مختلفی را در برابر وزارت نفت و مجلس شورای اسلامی سازمان دادند.

این تجمعهای اعتراضی در پی بی پاسخ ماندن پیگیریها و نامه

نگاریهای مطالبات این گروه در باره تعیین تکلیف و حل مشکلات استخدامی به وجود آمده در این وزارتخانه شکل گرفته است. این دانشجویان پیشتر در نامه هایی خطاب به روحانی و معاون وزارت نفت، خواستار بررسی پیگیری موضوع شده بودند.

نماینده تجمع کنندگان توضیح داد: "قانون مصوب وزارت نفت در باره استخدام دانش آموختگان صنعت نفت اجرا نمی شود که این موضوع موجب اعتراض ما شده است."

وی خاطر نشان کرد: "وزارت نفت در زمان انتخاب رشته کنکور و ورود به دانشگاه صنعت نفت، وعده هایی مثل بورسیه و استخدام قطعی در این وزارتخانه بعد از اتمام تحصیل را داده بود که امروز به آن عمل نمی کند و می گویند قوانین عوض شده، در حالی که قوانین جدید عطف به ماسبق نمی شود." (رسانه ها)

### تجمع دانش آموختگان حقوق مقابل مجلس

جمعی از دانش آموختگان حقوق، در اعتراض به کاهش ظرفیت کانون وکلا و انحصار طلبی در کانون وکلا دست به تجمع اعتراضی زدند. آنها در این تجمع خواهان بررسی این وضعیت شدند. امسال سهمیه کانون وکلا برای پذیرش کارآموزان بسیار کم شده و این باعث شد تا بسیاری از فارغ التحصیلان حقوق به این تصمیم کمیسیون مشترک کانون وکلا و دادگستریهای استانی در مقابل مجلس اعتراض کنند. گفتنی است که دانش آموختگان حقوق دانشگاههای کشور در حال جمع آوری امضا به منظور اعتراض به کاهش ظرفیت کانون وکلا هستند. (وکیل ملت، ۳۱ مرداد)



## کارورزان سلامت

امید برهانی

در ماه گذشته مهم ترین اخبار پرستاران شامل اضافه کار اجباری خلاف قانون مشاغل سخت و قانون بهره وری، اصرار وزارت بهداشت به ادامه تربیت کمک پرستاران غیرحرفه ای و مخالفت بدنه پرستاری حرفه ای با این طرح عوام فریبانه و ضد تخصصی و سرانجام طرح مضحک اعطای پروانه صلاحیت حرفه ای به پرستاران به وسیله نظام پزشکی بود؛ طرحی که در اساس و عمل به دنبال کسب اهرم فشار بر پرستاران و محدود کردن هرچه بیشتر آنهاست نه تایید واقعی یا ارتقای صلاحیت آنها. بازار خشونت‌های کلامی و فیزیکی در مورد کادر درمان نیز همچنان گرم است!

### حمله ۱۰۰ چماق به دست به دو تکنسین اورژانس

تابناک، ۱ مرداد - ماموران اورژانس بر خوار اصفهان پس از مرگ جوان ۲۰ ساله، در محاصره دوستان و آشنایان وی قرار گرفتند.

مسوول امور پایگاه اورژانس شهرستان بر خوار در تشریح این رویداد گفت: "به نیروهای اورژانس از بیمارستان غرضی اطلاع داده می‌شود که انفجاری رخ داده و نیروهای اورژانس به همراه سه آمبولانس به محل حادثه اعزام می‌شوند. بررسیها نشان می‌داد پسری ۲۰ ساله که کیفی روی موتورسیکلت حمل می‌کرد و حامل مواد محترقه بوده، با زمین برخورد می‌کند و کیف منفجر می‌شود."

او ادامه داد: "مصدوم به بیمارستان کاشانی اصفهان منتقل می‌شود که در زمان ورود مصدوم به بیمارستان هوشیاری کامل داشته، اما با گذشت دو ساعت از انتقال او به بیمارستان فوت می‌کند. ساعت ۲۳ در تماس دوباره با اورژانس و اعلام تصادفی در یکی از خیابانهای دولت آباد تکنیسینهای اورژانس به محل حادثه اعزام می‌شوند، ولی مشاهده می‌کنند که تصادفی در آن محل رخ نداده و در یک لحظه حدود صد نفر آمبولانس اورژانس را محاصره کرده و به نیروهای اورژانس حمله می‌کنند."

او افزود: "این ضاربان از طرفی با یک خودرو به آمبولانس ضربه وارد کرده و از طرف دیگر، با چوب به تکنیسینهای اورژانس حمله و فحاشی کردند که مشخص شد از بستگان یا دوستان پسری بودند که مواد محترقه حمل کرده بود." وی ادامه داد: در این راستا نیروهای اورژانس از دست ضاربان فرار کرده و جان خود را نجات دادند که حال عمومی آنها مساعد است و تنها آمبولانس به شدت آسیب دیده است، همچنین نیروهای اورژانس پس از این حادثه به کلانتری مراجعه کرده و شکایت کردند."

از ابتدای سال جاری تاکنون ۴ مرتبه توسط بستگان مصدومان حوادث به نیروهای اورژانس حمله شده که یک مورد از آن در شهرضا و سه مورد دیگر در اصفهان بوده است.

### پرستاران را مجبور می‌کنند اضافه کار بمانند

نظام پرستاری، ۲ مرداد - جواد توکلی، عضو هیات مدیره نظام پرستاری مشهد گفت: "پرستاران طبق قانون فقط ۸۰ ساعت مجاز به انجام اضافه کاری هستند، آنها با خواست و رضایت خودشان. اما اغلب آنها از انجام اضافه کاری بالای سقف مجاز گلایه دارند و این مساله را نه تنها به صلاح خود نمی‌دانند، بلکه معتقدند به ضرر دانش آموختگان بیکار حرفه پرستاری است." جواد توکلی افزود: "ما با اضافه کار، خلاء کمبود نیروی پرستار سیستم بیمارستان را به صورت ارزان پر



استان	درصد شاغلانی که اضافه کاری دارند	استان	درصد شاغلانی که اضافه کاری دارند
۱ آذربایجان شرقی	۴۶.۹	۱۷ کهگیلویه و بویراحمد	۳۹.۱
۲ مازندران	۵۱.۹	۱۸ قزوین	۳۸.۴
۳ تهران	۵۰.۳	۱۹ خوزستان	۳۷.۹
۴ زنجان	۴۹.۳	۲۰ سیستان و بلوچستان	۳۷.۸
۵ گیلان	۴۸.۶	۲۱ خراسان شمالی	۳۷.۳
۶ هرمزگان	۴۷.۱	۲۲ آذربایجان غربی	۳۶.۶
۷ بوشهر	۴۶.۹	۲۳ اصفهان	۳۵.۸
۸ آذربایجان شرقی	۴۶	۲۴ مرکزی	۳۵
۹ اردبیل	۴۵.۸	۲۵ سمنان	۳۳.۹
۱۰ چهارمحال و بختیاری	۴۴.۹	۲۶ کردستان	۳۰.۶
۱۱ گلستان	۴۳.۷	۲۷ کرمان	۳۸.۳
۱۲ همدان	۴۲.۵	۲۸ ایلام	۳۷.۴
۱۳ قم	۴۱.۶	۲۹ لرستان	۳۵.۲
۱۴ خراسان رضوی	۴۰.۳	۳۰ یزد	۳۳.۶
۱۵ کرمانشاه	۴۰	۳۱ خراسان جنوبی	۳۲.۲
۱۶ فارس	۳۹.۳		

می کنیم." وی تاکید کرد: "طرحهایی مثل "قاصدک" که به اضافه کار بیشتر به عنوان یک امتیاز نگاه می کند، با قانون ارتقا بهره وری که مصوب مجلس شورای اسلامی است، در تضاد کامل قرار دارد. در بیشتر کشورها پرستاران مرخصی و استراحت اجباری دارند تا با تجدید قوا بتوانند به بهترین نحو به بیماران خدمت رسانی کنند، اما در ایران به رغم وجود چنین قانونی، پرستاران را به اجبار به انجام اضافه کاری وادار می کنند و در صورت استفاده از مرخصی، از مبالغ پرداختی به عنوان کارانه ایشان نیز کم می شود."

### قانون مشاغل سخت و زیان آور لازم الاجرا است

نظام پرستاری، ۳ مرداد - معاون فنی، آموزشی و پژوهشی سازمان نظام پرستاری کشور گفت: "قانون مشاغل سخت و زیان آور یک قانون لازم الاجرا است و در احکام دیوان عدالت اداری که به دنبال شکایت پرستاران صادر شده، به طور شفاف این موضوع تصریح شده است." دکتر ژاله عزتی افزود: "این استدلال که وزارت بهداشت در جایی که نیرو ندارد می تواند حتی افرادی که در شرف بازنشستگی هستند را همچنان فعال نگه دارد، احساس حضور در شرایط بحران و زمان جنگ در را کشور تداعی می کند."

وی همچنین پیرامون خواسته های پرستاران گفت: "آرزوی پرستاران اصلاح فشار کمر شکن طرح تحول نظام سلامت و اضافه کاریهای اجباری با دستمزد در حد کارگری است که برای ۱۷۵ ساعت آن مبلغ هشتصد هزار تومان پرداخت می کنند و البته این طبیعی است که این نحوه بیگاری از جذب پرستار جدید ارزان تر باشد، هرچند این رویکرد بعضاً باعث از هم پاشیدگی بنیان خانواده یک پرستار شود."



### تجمع اعتراضی پرستاران به علت عدم صدور مجوز لغو شد

خبر آزاد، ۵ مرداد - بر اساس گزارشهای دریافتی، تجمع کارکنان علوم پزشکی لرستان با محوریت پرستاران و نظام پرستاری در اعتراض به تاخیر در پرداخت حقوق، پرداخت نشدن معوقات آنها توسط دانشگاه شامل ۷ ماه کارانه و ۴ ماه اضافه کار و تبعیض بین پرسنل صف و ستاد، به دلیل عدم صدور مجوز لغو شد.

بنا بر اطلاعیه هیات مدیره سازمان نظام پرستاری خرم آباد، قرار بود که به علت بی توجهی مسوولان ذیربط در علوم پزشکی به اعتراضات و نشستهای رسمی و اداری منتخبان و نظام پرستاری، این تجمع اعتراضی ساعت ۱۴ روز گذشته در محل ستاد دانشگاه علوم پزشکی لرستان برگزار شود.

هیات مدیره سازمان نظام پرستاری خرم آباد همچنین اعلام کرد: "در این راستا بیانیه آماده شده مطالبات به زودی منتشر و پی گیری لازم در خصوص اضافه کار، کارانه، اصلاح وضع تغذیه بیمارستان، رفاهی و اصلاحات آموزش کمک پرستاری انجام خواهد شد."

### تجمع اعتراضی کمک پرستاران جوان مازندران



شمال نیوز، ۵ مرداد - دهها جوان مازندرانی که دوره آموزشی کمک پرستاری خود را پس از ثبت نام در سایت رسمی مربوطه (وابسته به وزارت بهداشت) در جهاد دانشگاه مازندران گذرانده بودند اما از کار عملی آنها در بیمارستانهای بوعلی سینا، فاطمه زهرا، رازی قائم شهر و امام خمینی ساری جلوگیری شده، مقابل جهاد دانشگاهی مازندران تجمع کردند.

معترضان پس از این تجمع، برای تسلیم شکایت از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی راهی دادگستری مازندران شدند.

این افراد که پس از فراخوان وزارت بهداشت و جهاد دانشگاهی در این دوره شرکت کرده اند، تاکنون نزدیک به ۴۰ میلیون ریال بابت شهریه واریز نموده و اکنون در کمال ناباوری از ادامه دوره که مربوط به کار عملی است، جلوگیری شده است. یکی از این کمک پرستاران گفت: "اعتراض ما به این است که نمی گذارند دوره عملی را در بیمارستانها بگذرانیم و این یعنی پروسه آموزش ما ناتمام می ماند."

وی مشکلات خود و دیگر کمک پرستاران را به همین مقدار محدود ندانست و افزود: "مشکل به اینجا ختم نمی شود، حتی حالا پس از هزینه ۴ میلیون تومانی به ما می گویند شما کمک پرستار نیستید، بلکه کمک بهیار هستید، در حالی که موقع ثبت نام موضوع چیز دیگری بود. وظایف کمک پرستار و کمک بهیار خیلی با هم متفاوت است."

### رعایت نکردن قانون در ایجاد کمک پرستاری و تعیین شرح وظایف آن

نظام پرستاری، ۶ مرداد - دکتر علی محمد آدابی، رییس کل سازمان نظام پرستاری، می گوید: "سازمان نظام پرستاری با تربیت نیرو با شرح وظایف موجود تحت هر نامی اعم از کمک بهیار و یا کمک پرستار مشکلی ندارد، لیکن با تربیت نیروی کمک پرستار که در حال حاضر با ۳۳ شرح وظایف می باشد که تعدادی از این شرح وظایف با وظایف پرستاری تداخل پیدا می کند و ارتباط بین پرستار و بیمار را کم می کند، مخالف است."

دکتر آدابی در باره وجود رده شغلی کمک بهیار در چارت بیمارستانها گفت: "این رده در چارت بیمارستانها تعریف شده است و اگر بنا باشد شغل جدیدی ایجاد شود و یا جایگزین این رده شود، باید مسیر قانونی خود را طی نماید، زیرا ایجاد یک رده شغلی جدید با قانون پنجم توسعه منافات دارد و باعث بزرگتر شدن بدنه دولت می گردد."

وی همچنین خاطر نشان کرد: افرادی که با انگیزه های مالی اقدام به برگزاری دوره های کمک پرستاری یکساله نمودند، به مراجعه کنندگان جهت ثبت نام در این دوره ها، وعده های غیر واقعی و غیر عملی مانند انجام وظایف درمانی در مراکز، پوشیدن لباسهای همانند پرستاران و نام بهیار برای داده شده که با توجه به تناقضات به وجود آمده، موجب اعتراضات گسترده این افراد در شهرهای مختلف از جمله اراک، ساری و ... شده است."

### چماق پزشک سالاری بر سر پرستاری

خبرگزاری مهر، ۱۲ مرداد - وزارت بهداشت با صدور ابلاغیه ای پرستاران را موظف کرده است برای ادامه کار، از طریق شرکت در دوره های بازآموزی و کسب امتیاز یا شرکت در آزمون، پروانه صلاحیت حرفه ای کسب کنند.

دبیرکل خانه پرستار در همین رابطه گفت: "اعطای پروانه صلاحیت حرفه ای پرستاری از سوی وزارت بهداشت، جای نگرانی دارد و برای جامعه پرستاری محدودیتهای بیشتری ایجاد خواهد کرد."

محمد شریفی مقدم با طرح این سووال که وزارت بهداشت چه امتیازی به پرستاران داده که می خواهد محدودیت ایجاد کند، گفت: "آیا اولویت پرستاران، پروانه صلاحیت حرفه ای است. در حالی که قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری ۹ سال است که خاک می خورد؟"

وی افزود: "در جایی که پروانه پزشکان با درآمدهای آنچنانی، به راحتی و در مدت کمتر از چند ساعت از سوی سازمان نظام پزشکی صادر می شود، ولی برای پروانه صلاحیت حرفه ای پرستاری که هیچ استفاده ای ندارد، آنقدر پیچیدگی ایجاد کرده اند که دچار مشکل شود."

دبیرکل خانه پرستار اظهار داشت: "بیم آن می رود که پروانه صلاحیت حرفه ای پرستاری، اهرم فشار بر سر پرستاران کشور باشد، زیرا با توجه به زیرساخت مدیریت بیمارستانها که مدیران پرستاری را روسای بیمارستانها انتخاب می کنند، پروانه صلاحیت حرفه ای می تواند چماقی باشد که به دست سیستم پزشک سالار داده ایم که بر سر جامعه پرستاری فرود آورد."

### بدهی؛ علت اجرا نکردن قانون بازنشستگی پیش از موعد

ایسنا، ۱۷ مرداد - قانون بازنشستگی پیش از موعد پرستاران پس از گذشت ۲۷ سال از زمان تصویب آن، هنوز به درستی اجرا نمی شود؛ قانونی که وزارت بهداشت علت ناهماهنگیها در اجرای آن را کمبود نیرو و اعتبار می خواند و همزمان پرستاران می گویند بعد از ۲۵ سال کارایی لازم را ندارند و با ادامه این روند بیمار آسیب می بیند.

محمد شریفی مقدم، قائم مقام سازمان نظام پرستاری، می گوید: "متاسفانه وزارت بهداشت با بازنشستگی پیش از موعد پرستاران موافقت نمی کند، در حالی که پرستاران بعد از ۲۵ سال کارایی لازم را ندارند و در ادامه این روند بیمار آسیب می بیند، ضمن آنکه وجود بی انگیزگی و کاهش کارایی در سیستم نظام سلامت، خسارت سنگینی برای مردم به دنبال دارد." وی می افزاید: "قانون سخت و زیان آور بودن شغل پرستاری در سال ۱۳۶۸ وضع شده است و در مورد مشمولان قانون خدمات کشوری، یعنی پرستاران بیمارستانهای دولتی قابل اجرا است. به موجب این قانون، پرستاران خانم با ۲۰ سال و آقایان با شرط سنی خاصی، با ۲۵ سال سابقه کار، می توانند با پنج سال بخشودگی و ۳۰ روز حقوق بازنشسته شوند. مشمولین قانون کار یعنی پرستاران شاغل در بخش خصوصی نیز با ۲۰ سال سابقه کار، شامل ۱۰ سال بخشودگی و ۳۰ روز حقوق بازنشسته می شوند."

وی اشاره می کند که قانون ارتقای بهره وری مصوب سال ۱۳۸۹ نیز ضمن کاهش ساعات کاری، بر سخت و زیان آور بودن شغل پرستاری تاکید کرده است.

در همین رابطه یک حقوقدان گفت: "اکثر پرستاران برای استفاده از قانون بازنشستگی پیش از موعد ناچارند از حکم دیوان عدالت برای دستیابی به حقوق خود استفاده کنند. این یک بی حرمتی به شان و جایگاه آنها است."

دکتر علی مندنی پور، رییس سابق اتحادیه سراسری کانونهای وکلای دادگستری ایران (اسکودا) افزود: "قانون استخدامی کشور برای مشاغل سخت و زیانبر تسهیلاتی دارد و وقتی قانونگذار بازنشستگی پیش از موعد را برای پرستاران در نظر گرفته، پس حتما لازم بوده و نمی توان بیشتر از چارچوب قانون از آنها کار کشید چون پرستاران فرسوده می شوند."

وی تاکید کرد: "قانون بازنشستگی پیش از موعد در شغلهای سخت و زیان آور برای همه آحاد جامعه یکسان است، اما اگر وزارت بهداشت در این مورد قانون را دچار مشکل می بیند، می تواند از طریق مجلس برای اصلاح قانون اقدام کند نه اینکه پرستاران را مجبور به کار اضافه کند."



### تجمع پرستاران بیمارستان امام سجاد یاسوج

فارس، ۱۷ مرداد - جمعی از پرستاران بیمارستان امام سجاد در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات ۵ ماهه شان دست به تجمع مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد زدند. یکی از این پرستاران گفت: ۶ تیر ماه سال ۹۲ از طریق آزمون قرار داد معین پذیرفته شدیم و اواخر سال ۹۳ به عنوان نیروی شرکتی جذب بیمارستان امام سجاد یاسوج شدیم. وی تصریح کرد: از زمان جذب در این بیمارستان تاکنون با خون دل حقوق دریافت کردیم و برای دریافت هر بار حقوق و مطالبات خود باید در مقابل استانداری تجمع و شکایت کنیم تا دانشگاه و بیمارستان مطالبات ما را پرداخت کنند. یکی دیگر از پرستار بیمارستان امام سجاد در ادامه گفت: آخرین حقوقی را که دریافت کردیم اسفندماه سال گذشته بود که مبلغی تحت عنوان عیدی و سنوات پرداخت شد اما در سال جاری تاکنون مطالبات ما پرداخت نشده است.

### افزایش ضرب و شتم کادر بیمارستان و شکستگی بینی یک پرستار یاسوجی

ایلنا، ۲۳ مرداد - مدیر بیمارستان بهشتی یاسوج از افزایش ضرب و شتم کادر این بیمارستان خبر داد و اظهار داشت:



"متأسفانه دو هفته پیش، بینی یکی دیگر از پرستاران این بیمارستان توسط همراه یکی از بیماران شکسته شد."

کیا جاوید گفت: "در چهارماهه گذشته شاهد افزایش حضور مراجعه کنندگان به بیمارستان بودیم که به همین دلیل، شاهد افزایش درگیریها و ضرب و شتم کادر بیمارستانی نیز هستیم."

وی اظهار داشت: "دو هفته پیش یکی از پرستاران بیمارستان بنا به

هیچ دلیلی مورد ضرب و شتم یکی از همراهان بیماران قرار گرفت و بینی وی شکست." مدیر بیمارستان بهشتی یاسوج مرکز کهگیلویه و بویراحمد افزود: "ضارب هم اکنون در زندان بسر می‌برد، اما ما نگران روند افزایشی این ضرب و شتمها هستیم."

جاوید تعداد پرستاران بینی شکسته بیمارستان بهشتی یاسوج در چهار ماهه گذشته را دو نفر عنوان و خاطر نشان کرد: "روند کنونی سبب نارضایتی و دغدغه های کادر بیمارستانی شده است."

### تجمع اعتراضی دستیاران مقابل وزارت بهداشت

صدای پزشکان، ۳۱ مرداد - جمعی از دستیاران رشته های مختلف در اعتراض به نحوه برگزاری آزمون گواهینامه و ارتقای تخصصی و تغییرات ایجاد شده در سال ۹۵ در مقابل وزارت بهداشت تجمع کردند. این دستیاران با تجمع در مقابل وزارت بهداشت و آماده کردن نامه ای، از وزیر بهداشت خواستند تا به مشکلات آنها رسیدگی شود. طبق نامه ایشان تغییرات بسیار زیاد ایجاد شده در امتحان ارتقاء سال جاری، باعث ایجاد تنش فراوان در تمامی دانشگاههای سطح کشور شده و موجب بازماندن بسیاری از دستیاران رشته های مختلف از کسب نمره کافی شده است.



## برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در تیر و مرداد ۱۳۹۵

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

### تیرماه، ۱۳۲ حرکت اعتراضی

\*روز چهارشنبه ۲ تیر، کشاورزان سمیرمی در اعتراض به عدم پرداخت حق بیمه کشاورزی خود مقابل فرمانداری تجمع و خواستار رفع هر چه سریع تر این مشکل شدند. به گزارش ایمن، به گفته یکی از این کشاورزان هنوز حق بیمه ای که از سال زراعی گذشته از بیمه طلبکار هستند پرداخت نشده است. کشاورزان این منطقه معتقدند با این شرایط خشکسالی و کم آبی، اگر فکری به حال کشاورزان نشود تا چند سال آینده دیگر خبری از بحث کشاورزی در شهرستان سمیرم نخواهد بود.



\*روز چهارشنبه ۲ تیر، در پی اعتراض کارگران زغال سنگ در کوهبنان نسبت به عدم پرداخت حقوق و مزایا این بار کارگران به داخل شهر کوهبنان رفتند و در فرمانداری و دفتر امام جمعه تجمع کردند. به گزارش صدای زرنند، در روزهای قبل نیز به دلیل عدم پرداخت به موقع حقوق کارگران صنعت زغال سنگ در استان کرمان اعتراضات و تجمعات کارگری متعددی توسط این کارگران صورت پذیرفت.

به گزارش عارف کوهبنان، روز پنجشنبه ۳ تیر، کارگران این معدن برای دومین

روز همزمان با طلوع آفتاب در مقابل معدن و در مسیر جاده کوهبنان به شهرستان زرنند تجمع و راهپیمایی کردند.

\*به گزارش جوان، روز پنجشنبه ۳ تیر، میتینگ دهه هشتادها در پاساژ پروما مشهد برگزار شد. مشابه این گردهمایی قبلاً در تهران در پاساژ کوروش برگزار شده بود. تجمع در مشهد با ترافیک و دخالت نیروی سرکوبگر انتظامی را به همراه داشت. روزنامه خراسان گزارش کرد که؛ ۲ جوان ۱۹ و ۲۰ ساله که از طریق یک کانال تلگرامی در مشهد افرادی را به تجمع مقابل یک مرکز تجاری دعوت کرده بودند با صدور دستورات ویژه قضایی دستگیر شدند.

\*هیات مدیره شرکت تولیدی پارس نئوپان ۱۰۰ تن از کارگرانش را اخراج کرد. این کارگران در پی اطلاع از این تصمیم روز شنبه ۵ تیر دست به تجمع اعتراضی مقابل کارخانه زدند. به گزارش تنکابن ۲۴، یکی از کارگران به نمایندگی از دیگر همکارانش اظهار کرد: از یک سال پیش تاکنون، زمزمه هایی مبنی بر بروز مشکلات مالی در شرکت و در نتیجه اخراج و تعدیل جمعی از کارکنان و کارگران پارس نئوپان به گوش می‌رسید، لذا با توجه به میزان سود سرشار این شرکت در سالهای گذشته و در حالی که خط تولید این کارخانه همه روزه مشغول به تولید و فروش محصولات خود بود، باور این شایعات امری دشوار و غیرممکن به نظر می‌رسید.

\*صبح روز شنبه ۵ تیر تعدادی از کارگران کارخانه دیزل سنگین ایران (دسا) در اعتراض به تعویق حقوق و مزایای خود، دست به اعتصاب زدند و در محوطه بیرونی کارخانه تجمع کردند. به گزارش سفیرهرآز، کارکنان این شرکت در حالی دست به اعتراض زدند که سه ماه حقوق آنها پرداخت نشد و حتی پاداش سال گذشته شان به تعویق افتاد. این اعتصاب توسط یکی از کارکنان زن این شرکت آغاز شد و این زن در اعتراض به تمدید نشدن قراردادش خودرو خود را جلو درب ورودی شرکت متوقف کرد و سایر کارکنان نیز به همراهی وی پرداختند.

\*به گزارش اترک نیوز، روز شنبه ۵ تیر، جمعی از رانندگان اخراج شده سازمان اتوبوسرانی بجنورد برای دومین بار همزمان با برگزاری جلسه رسمی شورای شهر بجنورد در محوطه شورا تجمع کردند و خواستار رسیدگی شورا به درخواست آنان برای بازگشت به کار شدند.

\*روز شنبه ۵ تیر، کارکنان معلق شده موسسه اعتباری ثامن الحجج در مشهد مقابل شعبه مرکزی این موسسه تجمع کردند. به گزارش بانک مردم، حدود ۱۲۰ کارمند ثامن الحجج در چند روز گذشته در مشهد اخراج شدند تا آنها تابستان را با حکم تعلیق آغاز کرده باشند. کارمندان ثامن الحجج در این تجمع در خیابان دانشگاه مشهد خواستار جلوگیری از اقدام خودسرانه مسئولان ثامن الحجج در اخراج پرسنل شدند. آنها اعتقاد دارند بعد از ۸ سال فعالیت نباید به خاطر ساماندهی ثامن الحجج بیکار شوند. یکی از کارمندان ثامن الحجج به بانک مردم گفت؛ موسسه ثامن الحجج برای اینکه مشکلی بابت این اخراجها به وجود نیاید کارمندان را مجبور به امضای استعفا می کند.

\*صبح روز یکشنبه ۶ تیر، بیش از ۲۰۰ کارگر کارخانه پلی اکریل اصفهان در اعتراض به عدم پرداخت مزد و مزایای مزدی سال ۹۵ و بخشی از سال ۹۴ خود مقابل فرمانداری مبارکه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران گفتند که تجمع امروز به نمایندگی از جمعیت ۲ هزار نفری تمامی کارگرانی برپا شده که به صورتهای قراردادی یک ساله، پیمانکاری و شرکتی در کارخانه پلی اکریل مشغول کارند بین ۳ تا ۴ ماه مزد پرداخت نشده طلبکارند. کارگران شرکت پلی اکریل اصفهان تاکید دارند که کارخانه مشکلی از بابت فروش تولیدات خود ندارد اما تاکنون مدیران و سهام داران کارخانه نسبت به پرداخت مطالبات کارگران قراردادی و پیمانکاری شرکت اقدامی نکرده اند.

\*روز یکشنبه ۶ تیر، همزمان با ضیافت افطاری سه هزار نفره شهرداری رشت، آتش نشانان شهرداری رشت با خانواده های خود دست به تجمع زدند و اعتراض شان را نسبت به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق به نمایش گذاشتند. به گزارش خزرآنلاین، در شرایطی که حدود سه ماه از عدم دریافت حقوق توسط کارکنان آتش نشانی شهرداری رشت می گذرد، این زحمتکشان در گوشه ای از مراسم افطاری سه هزار نفره ای که توسط سازمان فرهنگی ورزشی شهرداری رشت برگزار شد تجمع کردند و خواهان رسیدگی به حقوق خود بودند.

\*روز سه شنبه ۸ تیر، بیبش از ۲۰۰ تن از کارگران کارخانه کاشی زرین خراسان در پنجمین روز اعتصاب شان در اعتراض به عدم پرداخت ۷ ماه حقوق و حق بیمه مقابل فرمانداری تربت حیدریه تجمع کردند. به گزارش تابان تربت، یکی از کارگران معترض گفت: ما به مدیران پیشنهاد کردیم که حداقل دو ماه حقوق و مطالبات مان را پرداخت کنند تا به فعالیت خود ادامه دهیم، اما آنها قبول نکردند و لذا از روز جمعه ۴ تیر کارخانه تعطیل شده و تا پرداخت معوقات، کارگران حاضر به ادامه فعالیت نیستند.

\*روز سه شنبه ۸ تیر، تعدادی از کارگران کارخانه فولاد و چدن دورود در اعتراض به عدم پرداخت ۸ ماه حقوق، حق بیمه و عیدی سال ۹۵ مقابل ساختمان شرکت سهامی عام فارس و خوزستان (دفتر مرکزی شرکت پارس خوزستان) واقع در

خیابان چهارم خیابان پاکستان تهران، تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران از آبان سال گذشته تاکنون مزد و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند و حق بیمه همگی آنها از آذر سال گذشته به حساب سازمان تامین اجتماعی واریز نشده است.

\*کارگران کارخانه پارسیلون خرم آباد که قریب به ۳۰ ماه است که حقوقی دریافت نکرده‌اند، روز سه شنبه ۸ تیر برای سومین روز متوالی مقابل استانداری لرستان تجمع کردند اما گوش شنوایی برای شنیدن درد و رنج این کارگران رنجیده وجود ندارد. به گزارش قدس آنلاین، تنها جوابی که این کارگران می‌شنوند کلمه سنگین "واگذاری" است که چون پتکی بر سرشان زده می‌شود، واگذاری پروژه‌هایی که این روزها گریبانگیر دیگر پروژه‌های استان شده است که سرانجامی جز نابودی پروژه نداشته است.

\*ظهر روز سه شنبه ۸ تیر، بیش از ۲۰۰ تن از کارگران کارخانه کاشی زرین خراسان در اعتراض به عدم پرداخت ۷ ماه حقوق و مزایا مقابل فرمانداری تربت حیدریه تجمع کردند. به گزارش مهر، کارگران معترض می‌گویند؛ این چه گشایش پسابرجامی است که هر روز وضعیت معیشتی مردم بدتر می‌شود، بهتر است دولتمردان بازدید از کارخانه‌ها و کارگاههای تعطیلی یا رو به تعطیلی داشته باشند

\*روز سه شنبه ۸ تیر، شماری از کارگران ساختمانی شهر اهواز در اعتراض به آنچه رکود بازار کار، مقابل ساختمان استانداری خوزستان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، بخش زیادی از مشاغل ساختمانی از سوی کارگران ساختمانی غیر مجاز که فاقد کارت مهارت هستند تصاحب شده است.

\*روز چهارشنبه ۹ تیر، تعدادی از کارگران کارخانه شیشه آبگینه قزوین در محل دادگستری الوند تجمع کردند و خواستار وصول مطالبات معوقه خود شدند. به گزارش ایلنا، حدود ۲۰۰ کارگر شاغل و ۸۰ کارگر بازنشسته این کارخانه ۵ ماه بعد از تعطیلی این واحد تولیدی با وجود صدور حکم توقیف اموال کارخانه هنوز نتوانسته‌اند مطالبات معوقه حقوقی و حق سنوات خدمت خود را دریافت کنند.

\*روز شنبه ۱۲ تیر، کارگران ریخته‌گری سدید در اعتراض به عدم پرداخت ماهها مطالبات شان جلوی کارخانه با زدن چادر تحصن کردند. به گزارش تهران نیوز، یکی از کارگران متحصن در جلوی کارخانه می‌گوید: در پی شکایت پرسنل با فرستادن کارشناس و انجام بررسیها اقداماتی صورت گرفته اما فعلاً تا فروش کامل کارخانه باید منتظر بود و این کند بودن روند کار به پرسنل و خانواده‌های آنها فشار زیادی را وارد می‌کند. وی تاکید کرد که؛ کارگران این شرکت بین ۱۰ تا ۱۵ ماه است که حقوق نگرفته و در این مدت چندین مورد طلاق و ترک همسر در بین کارگران اتفاق افتاده است. چادرهای مسافرتی در جلوی درب شرکت برپا شده متعلق به کارگرانی است که روی رفتن به خانه را ندارند در آن زندگی می‌کنند.

\*روز یکشنبه ۱۳ تیر، حدود دویست تن از کارکنان قرارداد مستقیم هما مقابل مجلس رژیم تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارکنان که در فرودگاههای مهرآباد و بین المللی خمینی مشغول به کار هستند، نسبت به پایین بودن دستمزد و مزایای خود اعتراض دارند.

\*روز یکشنبه ۱۳ تیر، اعتصابی که از روز پنجشنبه ۱۰ تیر، توسط کارگران معدن پابدانای جنوبی در دو راهی مسجد ابوالفضل محور زرنند- کوهبنان آغاز شده بود با حضور معاون معدنی صنایع و با پرداخت یک ماه حقوق به طور موقت پایان

پذیرفت. به گزارش صدای زرنده، اعتراضات کارگری معادن خصوصی در استان کرمان در حال تبدیل شدن به امری کاملاً عمومی شده که نشان از یک آرامش قبل از طوفان را تداعی می کند.

\*روز یکشنبه ۱۳ تیر، متقاضیان دریافت مسکن مهر بلکوی یاسوج برای چندمین بار با تجمع جلوی درب استانداری کهگیلویه و بویراحمد نسبت به روند احداث مسکن مهر معترض شدند. به گزارش فارس، احداث مسکن مهر در استان کهگیلویه و بویراحمد قصه پر غصه ای دارد و هرازگاهی باید شاهد تجمع مردم به دلیل تأخیر در ساخت این واحدها و یا تجمع به دلیل مشکلات موجود و نبود برخی زیرساختهای در مسکن مهر باشیم.

\*روز یکشنبه ۱۳ تیر، جمعی از ساکنان مسکن مهر زمان آباد (شهرک الهیه)، در اعتراض به عملکرد شرکت امیدسازه زاگرس در اداره راه و شهرسازی استان اصفهان تجمع کردند. به گزارش چشم برخوار، نایب رییس هیات مدیره شهرک الهیه در این خصوص گفت: با عنایت به اقدام نامناسب و عدم تسویه حساب از سوی پیمانکار و کوتاهی راه و شهرسازی استان، شفاف نبودن مسائل مالی پروژه، عدم تعیین تکلیف در خصوص تسویه حساب، عدم توجه به رفع نواقص و عیوب و کسور ساختمانها، عدم اقدام در خصوص استانداردهای اجباری مانند نصب سیستم اعلام حریق و تکمیل سیستم آتش نشانی (مثل شیلنگ و کپسول آتش نشانی)، تعدادی از اهالی کوی الهیه اقدام به تجمع نموده که پس از مذاکرات ۴ ساعته نتیجه زیادی حاصل نشد.

\*روز یکشنبه ۱۳ تیر، جمعی از کارگران خدماتی و فضای سبز شهرداری آزادشهر در استان گلستان در اعتراض به عدم توجه کارفرما در وصول مطالبات شان، دست از کار کشیده و مقابل ساختمان شهرداری این شهر تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران گفتند: حدود ۱۲۰ نفر هستیم که تحت مسئولیت یک شرکت پیمانکاری در آزادشهر به جمع آوری زباله و رسیدگی به فضای سبز مشغولیم اما در نتیجه بی توجهی مدیران این شرکت بابت ۳ ماه مزد از کارفرما طلبکاریم.

\*روز دوشنبه ۱۴ تیر، جمعی از کارکنان اداره راه و شهرسازی سیستان و بلوچستان در اعتراض نسبت به عدم پرداخت ماهها حقوق و وضعیت استخدامی شان دست به تجمع مقابل اداره کل راه و شهرسازی و دفتر امام جمعه زاهدان زدند. به گزارش ایسنا، در این تجمع جمعی از کارکنان با در دست گرفتن نوشته هایی با مضمون « من شرمنده خانواده خود هستم آقای مسئول!» اعتراض خود را نسبت به عدم پرداختها اعلام و خواستار رسیدگی آن شدند.

\*ظهر روز دوشنبه ۱۴ تیر، بیش از ۲۰۰ تن از شاغلان و بازنشستگان تحت پوشش صندوق حمایت و بازنشستگی آینده ساز در اعتراض به تخلفات این صندوق، مقابل ساختمان مدیریت صنعتی واقع در شهرک والفجر تهران تجمع کردند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان می گویند از نظر ما این صندوق غیر قانونی است و مسئولان سازمان تامین اجتماعی و وزارت کار از همان زمان نباید اجازه این انتقال را می دادند.

\*روز دوشنبه ۱۴ تیر، صیادان هندیجانی در اعتراض به خلف وعده مسئولان مبنی بر حل مشکل ورود به دریا و صید، برای دومین روز متوالی به خیابانهای آمدند و در بندر هندیجان تجمع کردند. به گزارش تسنیم، صیادان با بیان اینکه تنها منبع رزق و روزی شان ماهیگیری است و وعده مسئولان برای حل مشکل ورود به دریا حل نشده، به خلف وعده مسئولان اعتراض کردند.

\*روز دوشنبه ۱۴ تیر، جمعی از کارگران شرکتی فضای سبز در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق شان دست از کار کشیده و مقابل شهرداری نی ریز تجمع کردند. به گزارش نبض نی ریز، کارگران فضای سبز شهرداری نی ریز که از اسفند سال ۹۴ به بعد حقوق خود را دریافت نکرده اند، خواهان رسیدگی و پرداخت به موقع حقوق خود شدند.

\*به گزارش سفیر افلاک، روز سه شنبه ۱۵ تیر، کارگران فضای سبز شهرداری منطقه ۳ خرم آباد، همزمان با حضور استاندار در جلسه شورای شهر خرم آباد، در اعتراض به حقوق پایین تر از حداقل دستمزد رسمی و عدم پرداخت آن به مدت ۷ ماه، مقابل ساختمان شورای شهر تجمع کردند.

\*روز سه شنبه ۱۵ تیر، جمعی از مردم روستای چارقلی در اعتراض به بی آبی در مقابل فرمانداری گمیشان تجمع کردند. به گزارش ساحل گمیشان، یکی از اهالی روستا گفت: کمبود آب شرب مشکلی است که هر ساله با شروع تابستان در چارقلی شروع می شود و این وضعیت تا هنگامی که بارشهای شدید باران شروع می شود ادامه دارد و ما برخی از سالها تا اواخر مهر هم باید با مشکل بی آبی دست و پنجه نرم کنیم.

\*ظهر روز شنبه ۱۹ تیر، تعدادی از رانندگان اتوبوسهای داخل شهری (بخش خصوصی) در اعتراض به گران شدن گازوئیل، مقابل سازمان اتوبوسرانی شهرداری سنندج تجمع کردند و خواستار دریافت گازوئیل به همان نرخ پیشین شدند. به گزارش کردپرس، یکی از رانندگان اظهار داشت: گازوئیل مصرفی اتوبوسهای داخل شهری با مبلغ هر لیتر ۱۵۰ تومان به رانندگان تحویل داده می شد اما اکنون طی نامه ای اعلام کرده اند که طی چند روز آینده هر لیتر گازوئیل به مبلغ ۳۰۰ تومان به رانندگان تحویل داده می شود.

\*صبح روز یکشنبه ۲۰ تیر، کارگران بیکار شده شرکت حفاری نفت شمال در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی مقابل شرکت نفت خزر (کارفرمای اصلی) تجمع کردند. به گزارش ایلنا، هفتاد کارگر شرکت حفاری نفت شمال از چهارم خرداد امسال بیکار شده اند.

\*صبح روز یکشنبه ۲۰ تیر، کارگران پیمانی معدن سه چاهون که زیر نظر شرکت «کاوشگران نصر بافق»، مسئول استخراج معدن سه چاهون کار می کنند در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان دست به تجمع مقابل فرمانداری و اداره کار بافق زدند. به گزارش ایلنا، در حدود ۶۰۰ کارگر معدن سه چاهون در بافق یزد، معوقات مزدی خرداد و مزایای مزدی سالهای ۹۳ و ۹۴ خود را دریافت نکرده اند. این کارگران پس از این تجمع، موفق شدند مزد و مزایای مزدی اردیبهشت خود را دریافت کنند.

\*روز یکشنبه ۲۰ تیر، کارگران بازنشسته کارخانه نازنخ در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان مقابل استانداری قزوین اجتماع کردند. به گزارش صبح قزوین، این کارگران که چند ماهی بازنشسته شده اند، گفتند: هر کدام بین ۵ تا ۶۰ میلیون تومان بابت حقوق و سنوات از شرکت طلبکار هستند و تعداد این افراد هم به ۱۷۰ نفر می رسد.

\*صبح روز یکشنبه ۲۰ تیر، رانندگان تاکسیرانی فاز دو پادادشهر در اقدامی اعتراضی به سیاستهای تاکسیرانی کلانشهر اهواز اعتصاب کردند. به گزارش اهواز نوین، رانندگان با خاموش کردن خودروهای خود و عدم حمل مسافران باعث گره ترافیکی در هسته مرکزی شهر و سردرگمی مسافران شدند.



\*روز یکشنبه ۲۰ تیر، شماری از کسبه شهر بجنورد نسبت به تداوم راه اندازی و افتتاح فروشگاههای زنجیره ای در مرکز خراسان شمالی معترض بوده و مقابل اتاق اصناف استان تجمع کردند. به گزارش فارس، کسبه معترض مرکز خراسان شمالی با تجمع خواستار رسیدگی مسئولان نسبت به افتتاح شعب فروشگاههای زنجیره ای شدند.

\*روز یکشنبه ۲۰ تیر، تعداد کثیری از کاسبان جمعه بازار و سه شنبه بازار قزوین به علت تغییر مکان جمعه بازار از سلامگاه امامزاده حسین به حاشیه بلوار باهنر واقع در نواب جلوی استانداری تجمع کردند. به گزارش صبح قزوین، کسبه مطرح کردند: عوامل شهرداری همکاران ما را تهدید می کنند، اگر اعتراض کنید مجوز شما را باطل می کنیم و نمی گذاریم کاسی کنید.

\*روز یکشنبه ۲۰ تیر، بیش از صد تن از دامداران سیستان که فرآورده های لبنی و گوشتی آنها خریداری نشده، مقابل جهاد کشاورزی زابل تجمع کردند. به گزارش جوان، دامداران معترض ظرفهای حاوی شیر را در مقابل جهاد کشاورزی زابل بر روی زمین ریختند. دامداران به محقق نشدن وعده های جهاد کشاورزی بابت نخریدن شیر اعتراض کردند.

\*روز یکشنبه ۲۰ تیر، کارکنان میراث فرهنگی استان خوزستان در اعتراض به اخراج خود مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، سخنگوی انجمن دوستداران میراث فرهنگی تارینا خوزستان گفت: این کارکنان معوقات مزدی و حقوق قانونی (بیمه و عیدی) خود را از ابتدای مرداد سال ۹۴ دریافت نکرده اند. به گفته وی باتوجه به رقم بالای تعداد محوطه های باستانی در سطح استان (ایذه، اهواز، شوش، شوشتر، بهبهان، دزفول، مسجدسلیمان و...) نگهداری و حفاظت از آنها با تعداد اندک حاضر در سازمان با مشکل مواجه خواهد شد و در واقع کمبود نیروی انسانی در این سازمان مشهود است.

\*صبح روز دوشنبه ۲۱ تیر، کارگران مرکز ۱۱۸ مخابرات کرمان در اعتراض به عدم دریافت ۴ ماه از دستمزد خود، برای دومین روز متوالی مقابل مخابرات مفتاح کرمان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، تعدادی از این کارگران گفتند: در حدود ۸۰ نفر هستیم که در مرکز ۱۱۸ مخابرات کرمان مشغول کاریم و بابت ۴ ماه مزد و مزایای پرداخت نشده طلبکاریم.

\*صبح روز دوشنبه ۲۱ تیر، تعدادی از کارگران فولاد زاگرس به تهران آمدند و در اعتراض به چندین ماه بلاتکلیفی و معوقات مزدی مقابل وزارت کار تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران می گویند؛ در ماههای گذشته مقرر شده بود که مسئولان وزارت کار جهت تعیین تکلیف ما با سهامداران شرکت جلسه ای برگزار کنند که تا کنون چنین جلسه ای برگزار نشده است.

\*صبح روز سه شنبه اول تیر، کارگران خشمگین کارخانه ی چوکا که ماههاست حقوق دریافت نکرده اند در اعتراض به حضور مدیر عامل این کارخانه در شرکت، با تخم مرغ به وی حمله کردند. به گزارش ۸ دی، یکی از شاهدان ماجرا در همین رابطه گفت: مدیر عامل کارخانه، مدیر بخش ماشین آلات را که تنها یک سال به بازنشستگی خود زمان داشت را تغییر داده و یکی از کارکنان معمولی را به عنوان مدیر این بخش قرار داده است. این جابجایی و عدم دریافت ماهها حقوق موجب خشم و عصبانیت کارکنان چوکا شد. ضمن اینکه کارگران مخالف حضور مدیر عامل در کارخانه و خواستار تغییر وی بودند و مدیر عامل نیز تا مدتی در کارخانه حاضر نمی شد.

روز دوشنبه ۷ تیر، کارگران شرکت چوکا برای چندمین بار مقابل درب ورودی این کارخانه تجمع اعتراض آمیز انجام دادند. تجمع کارگران همراه با خانواده های شان بود.

روز سه شنبه ۲۲ تیر، ۱۲ نفر از کارگران معترض با شکایت کارفرمای کارخانه به مراجع قضایی فراخوانده شدند. اجتماعات اعتراضی کارگران شاغل در این کارخانه تولید کننده صنایع چوب از حدود یک ماه پیش آغاز شده بود.

\*صبح روز سه شنبه ۲۲ تیر، تعدادی از جوانان جویای کار در اعتراض به وجود هزاران مرد و زن بیکار در منطقه ماهشهر (قطب مهم پتروشیمی) که مستقیماً زندگی هزاران خانواده را دچار دغدغه و نابسامانی کرده، مقابل فرمانداری شهرستان ماهشهر دست به تجمع زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، جوانان معترض پلاکارد بزرگی در دست داشتند و خواستار توجه و اقدام فوری مسئولان برای معضل بیکاری در منطقه شدند.

\*روز سه شنبه ۲۲ تیر، کارگران شهرداری کهنوج در اعتراض به عدم پرداخت ۱۰ ماه حقوق، برق شهرداری را قطع کرده و در اصلی آت را قفل و زنجیر کردند. به گزارش ایسنا، خواسته کارگران معترض فقط و فقط پرداخت حقوق شان است، زیرا عدم دریافت چندین ماه حقوق، مشکلات زیادی برای آنها به وجود آورده است.

\*صبح روز سه شنبه ۲۲ تیر، جمعی از رانندگان بخش خصوصی سازمان اتوبوسرانی کرج با تجمع در مقابل ساختمان شورای شهر کرج (تالار نژاد فلاح) نسبت به عدم دریافت حقوق قانونی خود اعتراض کردند. به گزارش کمال مهر، این رانندگان، به مدت یکسال است که حقوق خود را دریافت نکرده و یارانه شان نیز دیگر پرداخت نمی شود.

\*روز پنج شنبه ۲۴ تیر، تعدادی از اهالی روستای عظیم شوشتر با تجمع در مقابل ساختمان فرمانداری شوشتر خواستار پیگیری مشکل این روستا از سوی مسئولان شدند. به گزارش ایرنا، اهالی این روستای نسبت به قطع خدمات آب، برق و گاز از سوی شرکت کشت و صنعت کارون شوشتر اعتراض کردند.

\*روز آدینه ۲۵ تیر، مردم شهرک ولایت مرودشت با در دست داشتن دبه های آب در مصلی نماز جمعه تجمع و خواستار رفع کم آبی و بی آبی شدند. به گزارش مرودشت نا، اهالی شهرک ولایت مرودشت پس از پیگیری متعدد در خصوص مشکل کم آبی و بی آبی، تصمیم گرفتند با در دست داشتن دبه و حضور در مصلی نماز جمعه اعتراض خود را نشان دهند.

\*روز شنبه ۲۶ تیر، کارگران کارخانه پارسیلون در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق و حق بیمه مقابل استانداری لرستان تجمع کردند و خواستار رسیدگی به مشکلات شان شدند. به گزارش فارس، یکی از کارگران حاضر در این تجمع گفت: نزدیک به ۶ ماه است که لیست بیمه کارگران پارسیلون به سازمان تامین اجتماعی ارسال نشده و کارگران ۳۰ ماه حقوق طلب دارند و برخی از کارگران قراردادی نیز بین ۶ تا ۷ ماهه حقوقی دریافت نکرده اند.

\*روز شنبه ۲۶ تیر، اهالی روستای «برمامیون» از شهرستان باشت در اعتراض به بی آبی مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مشکلات آب در این روستا شدند. به گزارش مهر، تنش آبی در کهگیلویه و بویراحمد همچنان ادامه دارد و پس از مرکز استان نوبت به باشت رسیده است.

\*روز شنبه ۲۶ تیر، در پی عدم تحقق وعده های مسئولان، کارگران کارخانه پارسیلون خرم آباد برای چندمین بار دست به تجمع اعتراضی مقابل استانداری لرستان زدند. به گزارش تسنیم، در اولین لحظات بامداد یکشنبه ۲۷ تیر، نیروهای آتش نشانی با ریختن آب بر روی کارگران سعی در متفرق کردن آنها کردند که سبب درگیری و زخمی شدن برخی از کارگران شد و برخی از کارگران با دنده شکسته بازداشت شدند.

کارگران کارخانه پارسیلون خرم آباد ۳۰ ماه حقوق معوقه دارند و در راستای مشکلات معیشتی خود بارها در مقابل استانداری لرستان به نشانه اعتراض تجمع کرده اند ولی تاکنون مطالبات آنها پرداخت نشده است.

\*به دنبال اعلام تعطیلی ناگهانی دو واحد استحصال و معدن طلای آق دره از سوی کارفرما، صبح روز یکشنبه ۲۷ تیر، حدود ۸۰۰ کارگر این دو مجموعه برای مشخص شدن وضعیت شغلی شان مقابل فرمانداری و اداره کار شهرستان تکاب تجمع کردند. به گزارش ایلنا، از لحظه توقف فعالیت معدن و کارخانه استحصال طلای آق دره تمامی ۸۰۰ کارگر شاغل در این دو مجموعه بی کار شدند.

\*ظهر روز یکشنبه ۲۷ تیر، تعدادی از کارکنان بانک ثامن الحجج مقابل بانک مرکزی تجمع نموده و خواستار رسیدگی به حقوق از دست رفته خود شدند. به گزارش وکیل ملت، معترضان گفت: مگر ما آدم نیستیم؟ مگر ما ایرانی نیستیم؟ خانواده نداریم؟ چرا هیچکس به فریاد ما نمی رسد؟ کارمندان بانک مگر آدم نیستند؟ ما باید حق و حقوقمان را از که بگیریم؟

\*روز یکشنبه ۲۷ تیر، جمعی از کارگران ساختمانی در اعتراض به وضعیت حق بیمه مقابل مجلس تجمع کردند. به گزارش خبرگزاری مجلس، یکی از کارگران ساختمانی با انتقاد از پرداخت نشدن هیچ هزینه ای در زمان بیماری کارگران از سوی سازمان تامین اجتماعی، گفت: اگر در یک ساختمانی که پروانه کار نداشته باشد، هیچ حمایتی از کارگر صورت نمی گیرد، همچنین تمامی کارگران با ۳۰ سال سابقه پرداخت بیمه و در سن ۵۰ سالگی بازنشسته می شوند، اما متأسفانه کارگران ساختمانی با ۳۵ سال سابقه فعالیت و در سن ۶۵ سالگی بازنشسته می شوند که این تبعیض ها باید رفع شود.

\*روز یکشنبه ۲۷ تیر، جمعی از بازنشستگان فولاد در اعتراض به وضعیت بیمه و حقوق و مزایای خود مقابل درب ورودی مجلس تجمع کردند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان همچنین درخواست آنند که ضریب حقوقی آنها همسان با سایر بازنشستگان کشوری تعیین شود و آن چنان که در برنامه ششم توسعه مورد تاکید قرار گرفته به بازنشستگان فولاد توجه بیشتری صورت گیرد.

\*بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۷ تیر، جمعی از رانندگان در اعتراض به افزایش ۸۰ درصدی ورودی به پایانه دست به تجمع در پایانه باربری استان قزوین زدند. به گزارش فارس، دلیل تجمع رانندگان پایانه باربری در این استان به دلیل افزایش نجومی ورودی به پایانه است که چرا هنوز به کرایه های بار اضافه نشده و ولی ورودی پایانه چند برابر شده است.

\*کارگران کارخانه کاشی میبد در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی به دلیل قرار دادهای یک ماهه و عدم پرداخت حقوق و مزایای خود، از عصر روز شنبه ۲۶ تیر، دست به اعتصاب زدند و خط تولید این کارخانه را تعطیل کردند. به گزارش میبدخبر، کارگران این واحد تولیدی عصر روز یکشنبه ۲۷ تیر به دنبال وعده مدیران شرکت به اعتصاب شان خاتمه دادند و مجدداً خط تولید این کارخانه راه اندازی شد.

\*روز یکشنبه ۲۷ تیر، برخی از مردم طبس که نسبت به جابه جایی ترانس برق پست ۴۰۰ کیلو ولت این شهرستان معترض بودند در مقابل درب فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. به گزارش فارس، هفته گذشته یک دستگاه تریلی اقدام به جابه جایی ترانس برق پست ۴۰۰ کیلو ولت این شهرستان کرده بود که با اعتراض مردم روبرو شد. این دومین روز تجمع مردم طبس بود.

\*روز دوشنبه ۲۸ تیر، اهالی روستای فیازمان نهاوند که مدتی است به دلیل آلودگی آب آشامیدنی روستا معترض هستند در مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. به گزارش گرو، مدیرکل آب و فاضلاب روستایی همدان در جمع مردم روستای فیازمان نهاوند گفت: برای حل مشکل آب آشامیدنی این روستا به طول ۲ کیلومتر از مسیر مجتمع آب رسانی گاماسیاب تا روستا لوله کشی خواهد شد.

\*روز دوشنبه ۲۸ تیر، متقاضیان مسکن مهر فولاد شهر در اعتراض به تاخیر در واگذاری مقابل شرکت عمران تجمع کردند. به گزارش لنجانا، این اولین باری نیست که متقاضیان واحدهای مسکن مهر به دلیل تاخیر در واگذاری واحدهای مسکونی خود روبه روی شرکت عمران فولادشهر تجمع می کنند.

\*به گزارش روز سه شنبه ۲۹ تیر قدس آنلاین، چندین شبانه روز زباله ها از سطح خیابانها و معابر شهر صالح آباد جمع آوری و تخلیه نشده و با توجه به فصل گرما افزون بر اینکه زباله ها چهره شهر را زشت و مخدوش کرده، انتشار و سرایت بیماریهای عفونی و میکروبی و حشرات ناقل آن نیز سلامت شهروندان را به شدت تهدید کرده است.

\*صبح روز سه شنبه ۲۹ تیر، جمعی از کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز در اعتراض به وضعیت نامعلوم شغلی و تعویق مطالبات مزدی مقابل ساختمان استانداری اهواز تجمع کردند. به گزارش ایلنا، در کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز ۴۱ نفر کارگر رسمی فعالیت دارند که از اسفند ماه حقوق نگرفته اند. علاوه بر آن عیدی سال ۹۴ کارگران هنوز پرداخت نشده است. کارخانه قند اهواز چهار سال است بانکهای ملی و ملت به عنوان مالکان اصلی، کارخانه را رها کرده و هم اکنون حدود ۳۳ کارگران باقی مانده آن به عنوان نگهبان و کارکنان بخش اداری تنها در محل کار خود حضور دارند.

\*روز سه شنبه ۲۹ تیر، کارگران کارخانه «روپا پلاستیک» واقع در شهرک صنعتی شماره ۱ سنندج در اعتراض به دستمزدهای پایین و نصب دوربین های مدار بسته در نقاط این واحد تولیدی، اعتصاب کردند. به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، کارگران معترض دو شیفت کاری کارخانه را تعطیل کرده و خواستار افزایش حقوق و برداشته شدن دوربینها شدند. در پی این اعتصاب، دوربینهای محل سرویس بهداشتی و رختکن کارگران برداشته شد.

\*روز سه شنبه ۲۹ تیر، اهالی شهر بلداجی در چهارمحال و بختیاری در اعتراض به انتقال آب سبزه کوه به منطقه بروجن و سفید دشت تجمع کردند. به گزارش جوان، در حمله نیروهای انتظامی به تجمع کنندگان یک تن کشته، ۱۸۰ تن زخمی و دهها تن بازداشت شدند. پروژه انتقال آب سبزه کوه یکی از پروژه های انتقال آب است که آب را از رودخانه سبزه کوه به منطقه بروجن و منطقه سفید دشت در استان چهارمحال و بختیاری انتقال می دهد. آب مورد نیاز صنایع در منطقه سفید دشت قرار است از طریق این پروژه تامین شود. شهر بلداجی از توابع شهرستان بروجن بوده و در ۶۰ کیلومتری مرکز استان چهارمحال و بختیاری واقع شده است.

\*ظهر روز سه شنبه ۲۹ تیر، تعدادی از زنان در اعتراض به قطع چند اصله درخت جلوی شهرداری ساری تجمع کردند. به گزارش جوان، این بانوان فعال محیط زیست، پلاکاردهایی با مضامین حفظ منابع طبیعی در دست داشتند. ۵ روز قبل از این نیز تعداد دیگری از اهالی خیابان مازیار در اعتراض به قطع درختان این منطقه تجمع کردند.

\*کارکنان پتروشیمی پردیس عسلویه، بعد از بی توجهی مدیران این شرکت به محتوای نامه شان و عدم ارائه دلیل منطقی برای تغییر رویه کار در این مجتمع از روز دوشنبه ۲۸ تیر خوردن غذای محل کارشان را تحریم کردند. به گزارش نفت ما،



مدیران پتروشیمی پردیس سعی در تغییر رویه کار در مناطق جنوبی کرده اند. روز چهارشنبه ۳۰ تیر، اعتصاب (تحریم غذای محل کار) کارگران پتروشیمی پردیس سه روزه شد.

\*کارگران کارخانه کارتن سازی ایران پس از ۳ روز تحریم خوردن غذای کارخانه، از روز سه شنبه ۲۹ تیر در اعتراض به بی توجهی کارفرما به مطالبات شان دست از کار کشیده و در محوطه کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، دلیل این تجمع اعتراضی خودداری کارفرما از درج واقعی عناوین شغلی در احکام شغلی ۳۸۰ کارگری است که از سالهای قبل در این واحد مشغول کارند. روز چهارشنبه ۳۰ تیر، کارگران کارخانه کارتن سازی ایران ضمن خودداری از رفتن برسرکارشان در محوطه این واحد تولیدی تجمع کردند.

\*روز چهارشنبه ۳۰ تیر، شماری از کارگران بازنشسته کارخانه ریخته‌گری ماشین سازی تبریز با تجمع مقابل ساختمان اداره کار این شهر خواستار دریافت سنوات پایان خدمت خود شدند. به گزارش ایلنا، مجموع مطالبات سنواتی این کارگران به حدود یک میلیارد ۵۰۰ میلیون تومان می‌رسد که به صورت مشخص میزان طلب هر یک از کارگران حدود ۳۰ میلیون تومان می‌شود.

\*روز چهارشنبه ۳۰ تیر، بیش از ۱۰۰ کارگر گلریس ابهر، در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق معوقه ۹ ماهه خود برای بیستمین بار متوالی جلو این کارخانه تجمع کردند. به گزارش ابهر ۲۴، کارخانه گلریس ابهر یکی از کارخانجات مجتمع صنعتی نورین بوده و از لحاظ موقعیت جغرافیایی در ۹ کیلومتری جاده ترانزیت ابهر - تاکستان واقع شده است.

\*روز پنجشنبه ۳۱ تیر، کارکنان شرکت مخابرات لرستان در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت شغلی خود، همزمان با سفر وزیر کار به لرستان، مقابل شرکت و استانداری لرستان تجمع کردند. به گزارش برنا، تعداد زیادی از نیروهای خصوصی شرکت مخابرات لرستان سابقه ۵ تا ۱۵ سال کار در این شرکت دارند، ولی مطالبات شان تاکنون پرداخت نشده است.

\*روز پنجشنبه ۳۱ تیر، جمعی از اهالی روستا دهچاه از توابع بخش پشتکوه با تجمع در فرمانداری نی ریز خواستار رسیدگی به معضل آب شرب در روستای دهچاه شدند. به گزارش نبض نی ریز، اهالی روستای دهچاه بیش از شش ماه است که با مشکل حاد آب روبرو هستند و بچه‌های شان مریض شده و دو هفته است حمام نرفته‌اند.

\*روز پنجشنبه ۳۱ تیر، اعتصاب کارگران کشت و صنعت مه‌باد هشتمین روز خود را پشت سر گذاشت. به گزارش کرد پرس، کارگران واحد‌های کشت و صنعت مه‌باد به دلیل پرداخت نشدن حقوق و مزایا و معوقات دست از کار کشیده و اقدام به اعتصابی سراسری نمودند. شرکت کشت و صنعت مه‌باد دارای واحدهای سردخانه، نهالستان، باغات و کشتارگاههای مرغ و گاو و گوسفند است.

### مرداد ماه، ۱۰۹ حرکت اعتراضی

\*روز شنبه ۲ مرداد، کارگران مجتمع آلومینیوم المهدی و هرمز آل در اعتراض به اخراج از کار مقابل استانداری هرمزگان در بندرعباس تجمع کردند. به گزارش جوان، نماینده کارگران در این تجمع گفت: از چند روز پیش علی محمدی مدیریت کارخانه به این کارگران که استخدام این شرکت هستند و در بخش اداری و تولید کار می‌کنند اعلام کرده است تا برای تسویه مراجعه کنند. وی افزود: در فهرست اخراجی افرادی باسابقه دو تا هجده سال حضور دارند. در همین روز نماینده کارگران اخراج شد.

\*صبح روز شنبه ۲ مرداد، حدود ۴۰۰ معدنکار معدن همکار لباس کار نپوشیدند و دست به اعتصاب زدند. به گزارش کاروانسرا، این معدنکاران که تمام کارگران شیفت یک قسمتهای استخراج، تونلی و دفتری بودند به دلیل عدم پرداخت حقوق ماههای اردیبهشت، خرداد و تیر خود دست به این اعتصاب زدند.

\*روز شنبه ۲ مرداد، جمعی از کارگران فضای سبز و خدماتی منطقه ۲ شهرداری آبادان در اعتراض به عدم پرداخت چند ماه حقوق، حق بیمه و دیگر مطالبات شان، دست به تجمع مقابل خانه بهارستان نشین در آبادان زدند. به گزارش ایرنا، یکی از این کارگران گفت: ما در بخشهای مختلف شهری نظیر فضای سبز و خدمات شهری منطقه ۲ آبادان فعالیت می کنیم و با وجود اینکه هم اکنون نیز مشغول به کار هستیم، از دی ماه گذشته تاکنون بدون بیمه درمانی و بازنشستگی به کار و فعالیت مشغول هستیم.

\*روز شنبه ۲ مرداد، جمعی از کارگران اخراجی فولاد سازان فرآیند برای بازگشت به کار و اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان مقابل درب ورودی کارخانه در منطقه ملارد تهران تجمع کردند. به گزارش ایلنا، در تاریخ ۲۵ فرودین ماه سال ۹۳ با اقدام ناگهانی کارفرما همه ما بیکار شدیم و با وجود دریافت احکام هیاتهای تشخیص و حل اختلاف در خصوص بازگشت به کار و دریافت معوقات مزدی هنوز با مقاومت کارفرما روبرو هستیم.

\*روز شنبه ۲ مرداد، تعدادی از رانندگان شرکت گاز استان گلستان برای قرارداد مستقیم دست از کار کشیده و مقابل این شرکت در محل سایت اداری استان گلستان تجمع کردند. به گزارش تارنماهای محلی، در پی این تجمع روابط عمومی شرکت گاز گلستان اعلام کرد: همانطور که می دانید دولت برای انجام امورات ادارات روی واگذاری امور به بخش خصوصی تاکید دارد.

\*روز یکشنبه ۳ مرداد، بیش از ۲۰۰ تن از کارگران کارخانه کاشی حافظ به دلیل عدم پرداخت مطالبات و حقوق معوقه خود مقابل استانداری فارس تجمع کرده و خواستار احقاق حق خود شدند. به گزارش شیرازه، یکی از کارگران معترض کارخانه کاشی حافظ در حاشیه تجمع گفت: از سال ۱۳۹۰ به دلیل واگذاری کارخانه کاشی حافظ به بخش خصوصی مشکلات زیادی برای کارگران زحمتکش این کارخانه به وجود آمده است.

\*روز یکشنبه ۳ مرداد، ماموران امور مخابراتی شهر بابک که ۵ ماه از تاریخ آخرین حقوق دریافتی آنها می گذرد در یک اقدام اعتراضی، دست از کار کشیدند. به گزارش بابک خبر، بر اساس گفته های یک منبع موثق ماموران امور مخابراتی شهر بابک از عدم پرداخت حقوق شان به ستوه آمده و به این دلیل اقدام به اعتصاب کردند.

\*روز یکشنبه ۳ مرداد، کارگران کارخانه زغالشویی زرنند در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق دست به راهپیمایی در شهر زرنند و تجمع مقابل فرمانداری و دادگستری زدند. به گزارش صدای زرنند، در روزهای اخیر شاهد تجمع اعتراضی جمع زیادی از کارگران بخشهای مختلف صنعتی و معدنی شهرستان زرنند بوده ایم که این بار کارگران کارخانه زغالشویی با تجمع جلوی فرمانداری و دادگستری این شهر مراتب اعتراض آرام خود را به گوش مسئولان رساندند.

\*روز یکشنبه ۳ مرداد، کارگران از کار بیکار شده حوزه های نفتی بیجار بار دیگر مقابل استانداری ایلام تجمع نموده و احقاق حقوق خود را از مدیران این شرکت فریاد زدند، فریادی که گویا گوش شنوا یا وجدان بیداری برای شنیدن آن وجود ندارد. به گزارش تابناک، تعدادی از کارگران تجمع کننده با بیان اینکه مسئولان شرکت منطقه ای غرب هیچگونه اعتنایی به مطالبات آنان ندارند.

\*روز دوشنبه ۴ مرداد، کارگران شرکت پیمانکاری شهرداری هشترو در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان برای چندمین روز متوالی اعتصاب کردند. به گزارش ایسنا، شهردار هشترو در مورد حرکت اعتراضی کارگران گفت: چند روزی است که کارگران شرکت خدماتی طرف قرار داد با شهرداری به علت عدم دریافت حقوق دست به اعتصاب زده اند و شهرداری هشترو به ناچار برای جمع آوری زباله های شهر از کارگران رسمی خود استفاده می کند که به دلیل تعداد کم کارگران در تنظیف شهر با مشکل مواجه شده ایم.

\*روز دوشنبه ۴ مرداد، جمعی از اهالی روستای شهرکهنه قوچان به دلیل مشکل نبود آب آشامیدنی در محل امامزاده سلطان ابراهیم تجمع کردند. به گزارش قوچان خبر، یکی از تجمع کنندگان گفت: تا حدود پنج سال پیش مسئولیت و مدیریت آب شهرکهنه در اختیار اهالی این روستا بود که باتوجه به تصمیم مسئولان وقت، مدیریت امور آب این روستا به اداره آب و فاضلاب روستایی واگذار شد و در آن برهه مسئولان وقت اعلام کردند که ظرف دو ماه مشکل آب این روستا حل خواهد شد. اما با گذشت پنج سال از وعده مسئولان نه تنها مشکل آب این روستا حل نشد بلکه روز به روز هزینه آب مصرفی افزایش یافته و در حال حاضر هزینه آب بها برخی از اهالی به ۲۰۰ هزار تومان افزایش یافته است.

\*روز دوشنبه ۴ مرداد، جمعی از اهالی جرقویه علیا در شهرستان مبارکه در مقابل استانداری اصفهان تجمع کردند. به گزارش تابناک، درخواست معترضان برخورد قانونی با حفر چاههای غیرمجاز در مسیر قنات روستا است. ساکنان این روستا از ۲۵ تیر، آب آشامیدنی ندارند و آب چاه روستا نیز غیربهداشتی است.

\*روز دوشنبه ۴ مرداد، اهالی مهردشت در اعتراض به کم آبی مقابل بخشداری بهمن تجمع کردند. به گزارش سرو ابرکوه، اهالی مهردشت پس از گذشت ۱۵ سال از تبدیل شدن این منطقه به «شهر» هنوز هم با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم می کنند، که ریشه در کمبود امکانات و یا کیفیت آن در حد یک روستا، دارد.

\*روز سه شنبه ۵ مرداد، شماری از کارگران بازنشسته جهاد کشاورزی گیلان با تجمع مقابل ساختمان سازمان جهاد کشاورزی این استان در رشت خواستار دریافت سنوات پایان خدمت خود شدند. به گزارش رشت پرس، یکی از این کارگران گفت: بعد از سالها تلاش از این نهاد دولتی بازنشسته شده ایم اما ظاهراً مسئولان این اداره نبود منابع مالی را دلیل عمل نکردن به تعهدات خود عنوان می کند اما ما که از ادامه این وضعیت خسته شده و تصمیم به برپایی این تجمع گرفته ایم.

\*صبح روز چهارشنبه ۶ مرداد، تعدادی از اهالی روستای بُندیزه بروجرد مقابل فرمانداری تجمع کردند و خواستار رسیدگی به مشکل بی آبی و کم آبی در این روستا شدند. به گزارش بازتاب، اهالی این روستا حدود پنج روز است که آب ندارد. گرچه در طول سال بارها و بارها پروژه های آبرسانی برای روستاها در نظر گرفته می شود اما مشکل بی آبی در روستاهای بروجرد همچنان پابرجاست.

\*روز چهارشنبه ۶ مرداد، کارگران واحد کشت و صنعت شهرستان مهاباد برای چهاردهمین روز متوالی با برپایی چادر در برابر درب ورودی این مجتمع تحصن کرده و نسبت به عدم پرداخت حقوق و سنوات خود اعتراض کردند. به گزارش کردپرس، اکنون ۱۴ ماه است که حدود ۲۰۰ کارگر شرکتهای چهارگانه سبز مهاباد «کشت و صنعت مهاباد»، «مجتمع دامداری و صنعتی مهاباد»، «مجتمع هما مرغ مهاباد» و «سردخانه زمزم مهاباد» هیچگونه حقوقی دریافت نکرده اند. میزان کل طلب این کارگران حدود ۱۱ میلیارد تومان است. کارگران معترض پس از وعده های مسئولان مبنی بر برگزاری جلسه و رسیدگی به مطالبات کارگران، پس از ۱۴ روز چادر زدن در محوطه مجتمع به اعتراض خود خاتمه دادند.

\*به گزارش روز یکشنبه ۱۰ مرداد ایلنا، کارگران پیمانکاری شرکت حمل و نقل ریلی رجا در روزهای پایانی هفته گذشته تجمعات اعتراضی در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق برپا کردند که این تجمعات با وعده های مسئولان مبنی بر قول پرداخت حقوق کارگران خاتمه یافته است.

\*روز دوشنبه ۱۱ مرداد، کارگران قند یاسوج دست به تجمع اعتراضی زده و با بستن درب اصلی مانع ورود رئیس به کارخانه شدند. به گزارش سایت مردم استان کهگیلویه و بویراحمد، دلیل اصلی تحسن این کارگران پرداخت نشدن حقوق ۱۰ سال گذشته خود تاکنون و مشخص نشدن حق سهامداران در این کارخانه و سیر قهقرایی در این دو سال در کارخانه قند است. کارگران کارخانه قند یاسوج قدرت خرید خود را به طور کامل از دست داده و حتی قادر به خرید نان که قوت غالب اصلی است، نیستند.

\*روز دوشنبه ۱۱ مرداد، رانندگان ۲۰ دستگاه تریلر حامل گندم در مقابل اداره غله و خدمات بازرگانی شهرستان زابل جهت تحقق حقوق خود تجمع کردند. به گزارش اوشیدا، این رانندگان به علت عدم تعهدات شرکت خلیج فارس جهت پرداخت کرایه حمل مقابل اداره غله و خدمات بازرگانی تحسن و دست از کار کشیدند.

\*روز دوشنبه ۱۱ مرداد، اهالی بازرنگ از توابع شهر یاسوج با تجمع مقابل استانداری نسبت به خدمات ضعیف آب، برق و گاز در این منطقه اعتراض کردند. به گزارش فارس، روستای بازرنگ از مناطق چسبیده به شهر یاسوج و در کنار مناطق خلف آباد و علی آباد قرار دارد. در این منطقه برخی از ساکنان محلی و برخی دیگر از مهاجرینی بوده که در کنار ساکنان بومی به کارهای کشاورزی و خدماتی می‌پردازند و اغلب آنها از مردم محروم به شمار می‌روند.

\*روز پنجشنبه ۷ مرداد، اعتصاب کارگران سدحوضیان الیگودرز در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق و ۲ سال حق سنوات، ششمین روز خود را پشت سر گذاشت. به گزارش هیجار، با گذشت بیش از دو ماه از زمان افتتاح این سد، کارگران و کارکنان سد حوضیان به دلیل عدم پرداخت مطالبات ۶ ماه خود دست به اعتصاب زدند. به گزارش سه شنبه ۱۲ مرداد هیجار، به دنبال این اعتصاب، معاون فرماندار الیگودرز اظهار داشت: ظرف ۱۵ روز آینده یک ماه حقوق به کارگران پرداخت می‌شود تا متعاقباً با تهیه اوراق مشارکت سایر مطالبات و حقوقهای عقب مانده آنها نیز پرداخت شود.

\*روز سه شنبه ۱۲ مرداد، نزدیک به ۴۰۰ تن از رانندگان شرکت واحد تهران با هماهنگی سندیکای کارگران شرکت واحد برای مطالبات معوقه مسکن در مقابل شهرداری و شورای شهر دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش سندیکای کارگران شذرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، این تجمع اعتراضی که تعدادی از خانواده ها هم حضور داشتند از ساعت ده صبح شروع شد و معترضان با پلاکاردهایی که در دست داشتند خواسته های به حق خود را فریاد می زدند.

\*صبح روز سه شنبه ۱۲ مرداد، حدود ۷۰۰ تن از بازنشستگان ایران ایر در اعتراض به معوقات مزدی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این تجمع مقابل دفتر مرکزی هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران واقع در منطقه مهرآباد برگزار شد. تجمع کنندگان می‌گویند از سال ۹۴ مطالبات پرداخت نشده داریم و علاوه بر این، به علت کمبود نقدینگی صندوق بازنشستگی هواپیمایی، تا این لحظه تنها نصف مستمری تیرماه به بازنشستگان پرداخت شده است.

\*روز چهارشنبه ۱۳ مرداد، مردم میناب در اعتراض به انتقال آب و حمایت از جوانان بازداشتی توسط پلیس امنیت انتظامی، در خیابانهای این شهر تجمع کردند. به گزارش مهر، اقدام باغداران میناب برای خاموش کردن چاههای روشن



انتقال آب به بندر عباس سبب شد که سازمان آب منطقه ای نسبت به این موضوع شکایت کند و در این رابطه برخی از جوانان دستگیر شدند. مردم و باغداران نسبت به این عمل پلیس امنیت انتظامی شهرستان برای بازداشت جوانان، معترض شدند و با تجمع در خیابانها و در مقابل دفتر امام جمعه از آنها در خواست رسیدگی سریع به این موضوع را داشتند. معترضان گفتند: تمام ذخایر آبی میناب در طول این سالها به تراج رفته که در پی آن فرونشست زمین در دشت میناب و خشک شدن نخلها و باغهای سرسبز ثمره آن است.

\*روز چهارشنبه ۱۳ مرداد، جمعی از اهالی روستای سپیدار بویراحمد در اعتراض به حذف تنها سرویس حمل و نقل عمومی در این روستا مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند. به گزارش کبنانیوز، در این تجمع یکی از افراد حاضر از منطقه سپیدار گفت: روستای سپیدار تنها یک سرویس دارد و همین سرویس کار حمل و نقل مردم این روستا به شهر یاسوج را انجام می‌دهد.

\*روز پنجشنبه ۱۴ مرداد، کارگران شرکت سکاف که مجری ریل گذاری مترو تهران-ورامین است در اعتراض به دریافت نکردن ۵ تا ۸ ماه حقوق اعتصاب کرده و مقابل گارگاه ریل گذاری واقع در میدان ولی عصر انتهای بلوار بصیرت تجمع کردند. به گزارش ورامین ما، این کارکنان شامل نیروهای اداری، راننده، کارگر و غیره هستند. مدتی قبل مسئولان شرکت قول مساعد جهت پرداخت این مطالبات را داده بودند ولی به دلیل عدم تحقق قول مسئولان شرکت، کارکنان شرکت سکاف اعتصاب کردند.

\*روز شنبه ۱۶ مرداد، کارگران شرکتهای پیمانکاری شاغل در پتروشیمی بندر امام در ماهشهر شامل شرکتهای فراورش، بسپاران، آب نیرو، کیمیا و خوارزمی در اعتراض به عدم رسیدگی به خواستههای شان دست به اعتصاب زدند. به گزارش ایلنا، در این مجتمع پتروشیمی نزدیک به چهار هزار کارگر به واسطه شرکتهای مختلف تامین نیروی انسانی مشغول کارند.

\*روز شنبه ۱۶ مرداد، کارگران بیکار شده میدان گازی تنگه بیجار و کمانکوه برای بازگشت به کار و در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان مقابل وزارت نفت تجمع کردند. این کارگران قبلاً دوبار مقابل استانداری ایلام تجمع کرده بودند. به گزارش نفت ما، این کارگران که تا پیش از این در شرکت نفت گاز غرب که زیر مجموعه شرکت نفت مناطق مرکزی است مشغول به کار بودند، حدود ۵ ماه است که نه تنها حقوقی دریافت نکرده اند بلکه از کار هم اخراج گردیده اند.

\*صبح روز شنبه ۱۶ مرداد، جمعی از کارگران شاغل و بازنشسته کارخانه ریخته گری ماشین سازی تبریز در اعتراض به طولانی شدن زمان پرداخت معوقات مزدی خود تجمع کردند. به گزارش ایلنا، اجتماع اعتراضی یاد شده به صورت همزمان اما جداگانه در بیرون و درون این واحد تولیدی برگزار شده است.

\*صبح روز یکشنبه ۱۷ مرداد، کارگران کارخانه پلی اکریل در اعتراض به معوقات مزدی مقابل استانداری اصفهان تجمع کردند. به گزارش ۱۷ مرداد ایلنا، کارگران پلی اکریل می‌گویند علاوه بر مشکلات معیشتی ناشی از عدم پرداخت مطالبات مزدی، به علت کاهش تولید، نگران امنیت شغلی و آینده این قطب نساجی کشور نیز هستند و از مسئولان می‌خواهند که به این وضعیت رسیدگی کنند.

\*روز یکشنبه ۱۷ مرداد، کارکنان مرکز اطلاعات تلفن هرمزگان (۱۱۸) در اعتراض به پرداخت نشدن چند ماه حقوق و حق بیمه دست از کار کشیدند و سرویسهای این مرکز از دسترس خارج شد. به گزارش مهر، همچنین کارکنان بخشهای دیگر مخابرات از جمله TCT، مرکز ۲۰۲۰، سیمبانهها، نگهداری شبکه هوایی، نگهبانی، نیروهای خدماتی، امور مشترکان،

همراه اول و دبیرخانه از دیگر نیروهای معترض هستند که از نخستین ساعتهای کاری روز یکشنبه ۱۷ مرداد در محل شرکت مخابرات استان هرمزگان حاضر شدند.

\*اعتصاب کارگران ماشین سازی تبریز در اعتراض به خصوصی سازی و بلاتکلیفی شغلی و معیشتی، در روز یکشنبه ۱۷ مرداد چهارمین روز خود را پشت سر گذاشت. به گزارش تسنیم، یکی از نمایندگان کارگران ماشین سازی تبریز با اشاره به اینکه اعتصاب کارگران به بلاتکلیفی و عدم پرداخت حقوق چند ماه اخیر خود از پنجشنبه ۱۴ مرداد آغاز شده است، اظهار داشت: فردا استاندار یا فرماندار قرار است در ماشین سازی حضور یابد و در مورد آینده شرکت توضیح دهد. اعتصاب و تجمع کارگران این واحد تولیدی در روز دوشنبه ۱۸ مرداد در محوطه کارخانه ادامه پیدا کرد.

\*ظهر روز دوشنبه ۱۸ مرداد، رانندگان خودروهای سنگین در پی انتقال احتمالی اداره کل حمل و نقل و پایانه های استان سمنان از مرکز استان به شهرستان شاهرود، مقابل استانداری سمنان تجمع کردند. به گزارش فارس، خواسته کامیون داران، اتوبوس داران و شماری از اصناف سمنان از استاندار و مسئولان استان سمنان این بود که تمام ادارات کل طبق قانون باید در مرکز استان مستقر باشند.



\*روز یکشنبه ۳ مرداد، بیش از یک هزار کارگر واحدهای زیر مجموعه شرکت ایران ترانسفو در شیفت صبح و عصر در محل کارخانه در زنجان تجمع کردند. کارگران این شرکت در شبکه تلگرام «کمپین حمایت مردمی از ایران ترانسفو» تشکیل داده و طومار اعتراضی را به امضای اغلب کارگران شرکت رساندند. به گزارش ایلنا، اعتراض کارگران به «تصمیم کارفرما بر کوچک سازی این واحد تولیدی» است. کارگران سیاست خصوصی سازی را به زیان کارخانه و حقوق خود می دانند و به واگذاری سهام شرکت به مهدی مومنی طاهری و تغییرات کاری، بحث هلدینگ ایران ترانسفو و همچنین تغییر پوشش بیمه کارگران به شدت اعتراض دارند. تعداد کارکنان ایران ترانسفو در زنجان و شهر ری ۴ هزار است.

صبح روز پنجشنبه ۱۴ مرداد، رئیس و نائب رئیس شورای کارگری و مسئول کمپین اعتراض کارگران ایران ترانسفو زنجان اخراج شدند.

به دنبال همبستگی کارگران معترض ایران ترانسفو زنجان با همکاران اخراجی خود و افزوده شدن بازگشت به کار این کارگران به خواسته های شان، مدیریت

شرکت لغو قرارداد کاریشان را پس گرفت و روز یکشنبه ۱۷ مرداد، ۴ کارگر اخراجی به جمع همکاران شان در پانزدهمین روز اعتصاب پیوستند.

روز دوشنبه ۱۸ مرداد، در شانزدهمین روز اعتصاب کارگران ایران ترانسفو زنجان دوباره قرارداد کاری ۴ کارگر معترض لغو شد.

روز سه شنبه ۱۹ مرداد، اعتصاب کارگران ایران ترانسفو پس از ۱۷ روز به دنبال توافقنامه ۶ ماده ای پایان یافت. این توافقنامه علاوه بر امضای نمایندگان کارگران و کارفرما، به امضای مقامات استانداری زنجان نیز رسیده است. عدم اخراج کارگران معترض یکی از بندهای توافقنامه ۶ ماده ای است.

لینک فیلم تجمع اعتراضی کارگران ایران ترانسفو زنجان:

<https://www.facebook.com/343863882363306/videos/1057272951022392>

\*روز سه شنبه ۱۹ مرداد، کارگران شهرداری منطقه یک اهواز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و دیگر مطالبات شان برای دومین روز پیاپی مقابل پارک شهر بازی واقع در فلکه پاداد شهر تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران گفتند: ما تحت مسئولیت شرکت پیمانکاری «نادر اهواز» در هشت ناحیه منطقه یک شهر اهواز به جمع آوری زباله مشغولیم اما در نتیجه بی توجهی مدیران این شرکت بابت چند ماه مزد از کارفرما طلبکاریم.

\*روز سه شنبه ۱۹ مرداد، تعدادی از کارکنان شرکت هواپیمایی آسمان، در اعتراض به عدم پرداخت حقوقهای خود، تجمع اعتراض آمیزی برگزار کردند. به گزارش فارس، این تجمع از مقابل ساختمان مدیریت و تا سالنهای طبقه اول و دوم آن ساختمان برگزار شد. یکی از کارکنان شرکت هواپیمایی آسمان گفت: ۱۴ مرداد امسال تجمع اعتراض آمیزی درباره دستمزد و مزایای مالی داشتیم و از مدیر عامل توضیح خواستیم که با پادرمیانی پنج نفر از مدیران ارشد و هماهنگی آنها با مدیرعامل مقرر شد خواسته معترضان در مدت یک هفته محقق شود.

\*روز سه شنبه ۱۹ مرداد، گندمکاران اصفهان نسبت به عدم پرداخت به موقع مطالبات شان از جانب دولت، مقابل استانداری اصفهان تجمع کردند. به گزارش تابناک، امسال دولت به وعده های خود در خصوص پرداخت به موقع خرید تضمینی گندم وفا نکرد و همین مساله سبب شد تا کشاورزان اصفهانی چندین بار صدای اعتراض خود را به مسئولان برسانند. روز یکشنبه ۱۷ مرداد نیز گندمکاران اصفهان اعتراض خود به عدم پرداخت به موقع را به روسای جهاد کشاورزی اصفهان با تجمع در مقابل ساختمان این سازمان نشان دادند.

\*روز سه شنبه ۱۹ مرداد، حدود ۲۰۰۰ تن از کارگران شرکت آلومینیوم المهدی با تجمع مقابل دفتر مدیریت و با حالت عصبانیت باعث متواری شدن نسوری مدیر عامل این شرکت شدند. همچنین کلیه مدیران این شرکت که وابسته به محمد نسوری بودند از محل مورد نظر متواری شدند و هم اکنون مدیران رده میانی این شرکت کنترل و مدیریت امور را به دست گرفتند. به گزارش هرمز، کارگران آلومینیوم المهدی هرگزگان پس از گذشت شش ماه از اعتراضات پی در پی بالاخره موفق شدند بغض خود را نسبت به بی عدالتیهایی که در حق شان شده است را به مدیران این شرکت نشان دهند. کارکنان این مجتمع صنعتی با تشکیل شورایی، کنترل مجموعه را به طور کامل به دست گرفتند.

\*روز چهارشنبه ۲۰ مرداد، کارگران شرکت کوهسر در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق و عیدی دست به تجمع اعتراضی مقابل اداره کار بندرانزلی، زدند. به گزارش جوان، کارگران شرکت کوهسر که در حال ساخت کنار گذر انزلی است ۹ ماه حقوق و عیدی ۹۴ دریافت نکرده اند.

\*روز سه شنبه ۲۳ مرداد، تعدادی از کارگران پیمانی مجموعه ورزشی آزادی در اعتراض به نامشخص بودن وضعیت شغلی و مزدی شان مقابل ساختمان وزارت ورزش و جوانان در خیابان سئول تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران که از مرداد سال گذشته به مدت یک سال در استخدام شرکت پیمانکاری «شکوه مهندسی شریف» مشغول به کار بودند، گفتند که پیمانکار قصد دارد بدون آنکه مطالبات مزدی حدود ۱۵۰ کارگر را پرداخت کند از مجموعه ورزشگاه آزادی خارج شود.

\*روز شنبه ۲۳ مرداد، کارکنان فنی شرکت هواپیمایی آسمان برای چندمین بار در اعتراض به وضعیت حقوق و دستمزد تجمع کردند. به گزارش مهر، یکی از مهندسان فنی این شرکت با اعلام اینکه دستمزد کارکنان این بخش از هواپیمایی آسمان از تمامی شرکتهای هواپیمایی کمتر است، گفت: هرکدام از پرسنل فنی این شرکت، حدود ۸ میلیون تومان از شرکت آسمان طلبکارند. بخش فنی هواپیمایی آسمان ۱۵۰۰ نفر شاغل دارد.

\*صبح روز شنبه ۲۳ مرداد، کشاورزان رباط کریم برای احقاق حقایق حقابه خود مقابل فرمانداری رباط کریم تجمع کردند. به گزارش فارس، نمایندگان کشاورزان رباط کریمی با اعلام نارضایتی کشاورزان از مدیریت آب کانال آب محمدیه و نواب گفتند که ما نمی‌توانیم به دلیل بی‌عدالتی مدیریت آب شاهد از دست رفتن دسترنج خود و محصولات زراعی سطح شهرستان باشیم.

\*روز شنبه ۲۳ مرداد، تعدادی از اهالی اروندکنار با حضور مقابل بخشداری این منطقه، به قطعی مکرر آب اعتراض کرده و از مشکلات به وجود آمده در بحث آب و قطعی آن شکایت داشته و نسبت به وضعیت روزهای آینده با توجه به وضعیت به وجود آمده ابراز نگرانی کردند. به گزارش ایسنا، فرسودگی شبکه آب رسانی و کمبود اعتبارات لازم جهت نگهداری شبکه فعلی، باعث بروز چنین مشکلاتی در اروندکنار شده است.

\*روز شنبه ۲۳ مرداد، جمعی از متقاضیان مسکن مهر خرمشهر در اعتراض به آنچه که تحویل نشدن واحدهای مسکن در منطقه ۴۲ هکتاری این شهر عنوان کردند مقابل فرمانداری ویژه خرمشهر تجمع کردند. به گزارش ایرنا، نماینده تجمع کنندگان گفت: با توجه به گذشت ۹ سال از زمان آغاز طرح احداث مسکن مهر در منطقه ۴۲ هکتاری تاکنون اقدامی برای تحویل مسکن به متقاضیان خرمشهری نشده است.



\*روز شنبه ۲۳ مرداد، کارگران کارخانه فولاد صنعت دنا در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان دست به تجمع مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد زدند. این تجمع همزمان با سفر حسن روحانی به این استان است. به گزارش سایت استان





کهگیلویه و بویراحمد، یکی از تجمع‌کنندگان گفت: چندین ماه است حقوق دریافت نکرده ایم و این برای سومین بار است که در سال جاری جلوی استانداری تجمع می‌کنیم.

روز یکشنبه ۲۴ مرداد، همزمان با سفر حسن روحانی به استان کهگیلویه و بویراحمد، کارگران کارخانه قند یاسوج، شرکت نفت، جمعی از کارگران قراردادی و جوانان

متقاضی کار با حمل پلاکاردهایی اعتراضات خود را نسبت به عدم پرداخت حقوق، وضعیت نابسامان کارگران قراردادی، عدم تبدیل وضعیت کارکنان شرکت نفت، بیکاری و... به نمایش گذاشتند.

\*صبح روز یکشنبه ۲۴ مرداد، جمعی از کارکنان رسمی و پیمانکاری اداره امور آب و فاضلاب دزفول در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق، حق بیمه و دیگر مطالبات شان دست به تجمع در محل واحد نقلیه این اداره زدند. به گزارش ایرنا، تعدادی از کارکنان پیمانکاری آب و فاضلاب دزفول اظهار داشتند: از ۳۱ تیر سال پیش که قرارداد کارکنان با پیمانکار قبلی به پایان رسیده هنوز برخی مطالبات آنان پرداخت نشده است.

\*به گزارش روز یکشنبه ۲۴ مرداد صبح محلات، رانندگان وسایط نقلیه باری سنگین شهرستان محلات طی چند روز متوالی اعتصاب کرده و راه معادن و کارخانجات را مسدود و از بارگیری و حمل بار جلوگیری کردند. اعتراض و اعتصاب صنفی رانندگان وسایط نقلیه باری سنگین شهرستان محلات به قیمت حمل بار و درخواست آنان برای افزایش قیمت‌ها موضوعی بود که در چند روز ادامه روند چرخه تولید به مصرف کالا، به خصوص در بخش معدن و سنگ ساختمان را با مشکلاتی روبرو کرد.

\*روز شنبه ۲۳ مرداد، کارگران ارگ قدیم بم در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق و حق بیمه اعتصاب و تجمع کردند. به گزارش ارگ نیوز، این اعتصاب که در ابتدا با تهدید به اخراج کارگران روبرو شد، در ادامه خود منجر به پیروزی کارگران شد. به گزارش ایرنا، روز سه شنبه ۲۶ مرداد، مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان از پرداخت تمامی مطالبات و حقوق معوقه کارگران پایگاه میراث جهانی ارگ بم خبر داد.

\*روز یکشنبه ۲۴ مرداد، جمعی از کارگزاران بیمه محصولات کشاورزی مقابل مجلس تجمع کرده و خواستار تعیین تکلیف وضعیت شغلی شان شدند. به گزارش ایسنا، کارگزاران در شعارهای شان تاکید داشتند که کارگزاران بیمه محصولات

کشاورزی هیچ بار مالی برای دولت ندارند. روز دوشنبه ۲۵ مرداد، دومین روز تجمع کارگزاران و کارشناسان صندوق بیمه کشاورزی در اعتراض به نداشتن بیمه و فقدان امنیت شغلی انجام شد.

\*صبح روز دوشنبه ۲۵ مرداد، کامیون داران شهرستان فلاورجان به دلیل توزیع ناعادلانه بار در پایانه های باربری شهرستان مبارکه در مقابل فرمانداری فلاورجان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از رانندگان گفت: ما امروز جمع شده ایم تا فرماندار و مسئولان شهرستان اعتراض ما را شنیده و به گوش مسئولان استانی برسانند زیرا ما نیز مانند دیگر رانندگان خانه و خانواده داریم و حق داریم که با ما با عدالت رفتار شود.

\*روز سه شنبه ۲۶ مرداد، تعدادی از کارگران پیمانکاری پالایشگاه ستاره خلیج فارس در بندرعباس در اعتراض به معوقات مزدی دست از کار کشیدند. به گزارش ایلنا، این کارگران که در یکی از شرکتهای پیمانکاری زیر شاخه شرکت فلات مشغول به کار هستند می گویند نه مدیران شرکت پیمانکاری و نه کارفرمای مادر به مطالبات ما توجهی ندارند.

\*روز چهارشنبه ۲۷ مرداد، صدها تن از کارگران معادن زغال سنگ کرمان در اعتراض به خصوصی سازی دست به تجمع مقابل شرکت معادن زغال سنگ کرمان زدند. به گزارش صدای زرن، کارگران معادن پابدانا، کوهبنان و راور در این تجمع شرکت کردند. دلیل این تجمع واگذاری معادنی از جمله پابدانا، هشونی و همکار به پیمانکار است که باعث تهدید امنیت شغلی کارگرانی می شود که حدود ۱۰ تا ۲۰ سال سابقه کار دارند.

\*روز چهارشنبه ۲۷ مرداد، گروهی از کارگران سد آریو برزن مسیر منتهی به کارگاه سد آریو برزن و سد مارون را مسدود کردند. به گزارش دانا، این حرکت اعتراضی به دلیل عدم دریافت حقوق ۵ ماهه و پاداش عیدی صورت گرفت.

\*از صبح روز دوشنبه ۱۸ مرداد، جمعی از کارگران کارخانه چوکا (شرکت چوب و کاغذ ایران) در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق و بلا تکلیفی شغلی دست به اعتصاب و تجمع شبانه روزی جلوی کارخانه زدند. به گزارش ماسال نیوز، کارگران با در دست داشتن پلاکاردهایی با مضامینی همچون رعایت حقوق کارگر، خواستار رسیدگی سریع به وضعیت این کارخانه بزرگ شدند. به گزارش ایلنا، صبح روز چهارشنبه ۲۷ مرداد، ۱۳ نفر از کارگران کارخانه ایران چوکا با شکایت کارفرمای خود به دادگستری شهرستان رضوانشهر احضار شدند. کارگران این واحد تولیدی در حمایت از همکاران احضار شده خود دهمین روز دور جدید اعتراضات صنفی خود را به صورت شبانه روزی در محوطه درب ورودی کارخانه برپا کردند. بنا به همین گزارش، سرانجام در همین روز کارگران ایران چوکا با اعتماد به وعده های داده شده از سوی مسئولان شهرستان رضوان شهر موقتاً به اعتراض صنفی خود خاتمه داده و محل کمپ خود را ترک کردند. در ضمن کارگران احضار شده با قرار وثیقه به طور موقت آزاد شدند.

\*روز شنبه ۳۰ مرداد، کارگران کارخانه صنعت یدک قم در اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق در اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان قم تجمع کردند. به گزارش مهر، مدیر کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان قم با تأکید بر اینکه موضوع حقوق معوق کارگران شرکت صنعت یدک مربوط به دو ماه و یا بیشتر است، گفت: بررسیها در مورد میزان حقوق معوق به زودی انجام می شود.

\*روز شنبه ۳۰ مرداد، کارگران سازمان خدمات موتوری شهرداری بروجرد به دلیل ۶ ماه حقوق معوقه برای اعتراض و حقوق معوقه راهی شورای شهر شدند تا شاید کسی فریاد آنها را بشنود. به گزارش بازتاب بروجرد، گرچه تا کنون کارگران

شهرداری بروجرد تحصنها و اعتراضاتی را حتی با خانواده های خود مقابل شورای شهر انجام داده اند اما نه کسی صدای آنها را می شنود و نه کسی این تحصنها را می بیند و هر کسی راه خود را ادامه می دهد.

\*صبح روز یکشنبه ۳۱ مرداد، جمعی از کارگران کارخانه فولاد البرز در اعتراض به عدم دریافت بیش از ۷ ماه حقوق و عیدی و پاداش، دست از کار کشیده و در محوطه کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران همچنین درباره معوقات بیمه ای خود گفتند: علاوه بر مزد معوقه، حدود ۱۶ ماه است حق بیمه آنها به تامین اجتماعی پرداخت نشده است.

\*روز یکشنبه ۳۱ مرداد، جمع کثیری از کارگران اخراج شده کارخانه سیمان دهلران به همراه خانواده های خود در ورودی شهر تجمع نمودند. به گزارش نسیم دهلران، کارگران معترض گفتند؛ یک سال است از اخراج آنها از کارخانه سیمان دهلران می گذرد. یکی از شرایط بازگشت به کار کارگران اخراجی از سوی هیات مدیره کارخانه، لغو قرارداد دائم و تبدیل آن به قرارداد سه ماهه است.

\*کارگران شرکت آذریت تبریز در اعتراض به تعویق ۹ ماه حقوق و بلا تکلیفی در وضعیت شغلی خود روز شنبه ۳۰ مرداد، اقدام به تجمع در تهران کردند. به گزارش ایلنا، کارگران حاضر در تجمع امروز گفتند: ۹ ماه است که نه مزدی به ما پرداخت شده و نه تکلیف شغلی ما روشن است، برای همین در اعتراض به بی توجهی مجموعه مدیریت کارخانه به تهران آمده ایم تا از سهامداران اصلی کارخانه پیگیری مطالباتمان شویم. این حرکت اعتراضی در روز یکشنبه ۳۱ مرداد ادامه پیدا کرد.



\*روز یکشنبه ۳۱ مرداد، کارگران باقیمانده فولاد زاگرس برای پیگیری مطالبات مزدی خود به تهران آمدند و مقابل وزارت کار تجمع کردند. به گزارش ایلنا، یکی از کارگران گفت: در حال حاضر یک سال تمام است که دستمزد نگرفته ایم و بلا تکلیفیم و در این یک سال دقیقاً هجده بار برای تجمع و اعتراض به تهران آمده ایم، اما تا کنون هیچ پاسخ روشنی به ما داده نشده است.

\*روز یکشنبه ۳۱ مرداد، کارگران اخراجی کاله برای بازگشت به کار مقابل کارخانه تجمع کردند. به گزارش دانا، شرکت لبنی کاله در آمل از ورود تعدادی از کارگران خود به شرکت جلوگیری

می کند و کارگران با تجمع در مقابل درب ورودی شرکت خواستار بازگشت به محل کار خود هستند.



## رویدادهای هنری ماه

فتح الله کیاییها

### گفتار ماه:

"تو"

حرمت واژه ی رفیقی

در ذهن بسته ی یک کارگر"

این سخنان کوبنده و سرشار از عشق یک کارگر - شاعر جوان و گمنام است که در مراسم رونمایی از دفتر شعری از علی اکبر درویشیان در روز پنجشنبه ۱۴ مرداد و در خطاب به رفیق کارگر، شاهرخ زمانی که در شکنجه گاههای جمهوری اسلامی جان سپرد، برای حضار بیان می شود.

### ادبیات و شعر

#### جلوگیری از گردهمایی دوستداران شاملو بر سر مزارش

شحنه های ام القرا با بستن درهای ورودی امامزاده طاهر مانع گردهمایی عاشقان فرهنگ و ادب این سرزمین بر فراز مزار احمد شاملو یکی از تک ستارگان آسمان ادبیات مبارز این سرزمین شدند.

بنا بر گزارش خبرگزاری ایلنا، ۲ مرداد، تجمع این عاشقان که بالغ بر صدها تن می شد، با حمله ماموران و لباس شخصیها نه تنها از هم نپاشید، بلکه اصرار آنها بر بزرگداشت شاعر گرانقدر خود را بیشتر کرد. ماموران اعزامی، تلفنهای همراه مجهز به دوربین حضار را جمع آوری کرده و برای شناسایی بیشتر، اقدام به فیلمبرداری از آنان نمودند.

بر اساس گزارشهای دریافتی، عده ای از تجمع کنندگان توانستند از طرق دیگر وارد محوطه امامزاده طاهر شده و به نیابت از طرف دیگران، میثاقی دوباره با شاعران و نویسندگان ببندند.



#### آیا ناشران از این پس سانسورچی می شوند؟

در خبری شگفت انگیز از وزارت ارشاد گویا قرار است که از این پس ممیزی کتابها به ناشران سپرده شود. گرچه این قانون ضد اندیشه، سال قبل در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده بود، اما گویا قرار است که در سال جاری به مورد اجرا گذاشته شود.

این تصمیم مورد اعتراض بسیاری از ناشران قرار گرفته و آگاهان می گویند که وزارت ارشاد با عملی

کردن این قانون نه تنها قصد دارد با یک تیر دو نشان بزند (یعنی هم صاحبان قلم و هم ناشران اندیشه آنان را هدف بگیرد)، بلکه در یک ژست آزاد اندیشی اتهام سانسور بر عقاید را متوجه ناشران خواهد کرد.



## پایان دومین جایزه شعر تجربه گرا (آوانگاردها)

مراسم اختتامیه دومین جایزه شعر تجربه گرا (آوانگاردها) در حالی به پایان رسید که بیش از ۲۵۰۰ اثر از شاعران جوان برای مسابقه ارسال شده بود.

در برنامه اختتامیه ده نفر از راه یافتگان به مرحله نهایی در حضور شاعران و نویسندگان مطرحی چون هوشنگ چالنگی، شمس آقاجانی، محمد آرم، لیلا صادقی، علی قنبری، رویا تفتی و شیوا مقالو و... به شعرخوانی پرداختند از این شعرخوانان جوان می توان به نسترن اخلاقی، میثم خالدیان، مجتبی نهال، هوشنگ گراوندی، گیتی شمسی و محمد عجم حاج محمدی اشاره کرد. با اینکه نفرات برتر به صورت مشخص از طرف داوران اعلام نگشتند، اما براساس امتیازات، سه نفر شایسته تقدیر شناخته شدند که عبارت بودند از: سهیل نصرتی از گرگان، میلاد کامیابیان از تهران و محمد موسوی از اصفهان.

## سینما



## رقابت لیلی امیر پور در شکار شیر طلایی ونیز با کوستوریتسا، وندرز

قدیمی ترین جشنواره سینمایی جهان و یکی از سه جشنواره مهم سینمایی در اروپا، ۳۱ اوت (۱۰ شهریور) با فیلم "لا لاند" ساخته "دیمین شزل"، کارگردان آمریکایی کارش را آغاز می کند و تا ۱۰ سپتامبر هم ادامه دارد.

"آلبرتو باربارا"، دبیر جشنواره فیلم ونیز در نشست خبری که بعد از ظهر پنجشنبه ۲۸ ژوئیه/ ۷ مرداد در رم برگزار شد، فهرست فیلمهای شرکت داده شده در بخشهای گوناگون هفتادوسومین دوره جشنواره فیلم ونیز را اعلام کرد. آنا لیلی امیرپور، کارگردان و فیلمنامه نویس ایرانی - آمریکایی، با فیلم "دسته بد" در بخش اصلی جشنواره فیلم ونیز شرکت دارد.

به جز وی، "ویم وندرز" با فیلم "روزهای زیبای آرانخوئز" بر اساس نمایشنامه ای از "پتر هاندکه"، "امیر کوستوریتسا" با فیلم "در راه شیری" با بازی "مونیکا بلوچی" و "ترانس مالیک" با فیلم "سفر زمان" و با بازی "کیت بلانشت" در بخش اصلی این جشنواره با هم رقابت می کنند.

از "تام فورد"، کارگردان آمریکایی، فیلم "حیوانات شبانه" به نمایش درمی آید و از فرانسه، فیلم "فرانتس" به کارگردانی "فرانسوا اوزون" در این رقابت سینمایی شرکت دارد.



## رابرت دنیرو و جایزه ای دیگر

جشنواره فیلم سارایوو به "رابرت دنیرو" جایزه افتخاری دستاوردهای یک عمر دستاورد هنری در صنعت سینما را اهدا خواهد کرد.

بنا بر اعلام مسوولان بیست و دومین جشنواره فیلم سارایوو که روز جمعه افتتاح خواهد شد، رابرت دنیرو در شب نخست این جشنواره در روز جمعه، فیلم "راننده تاکسی" از "مارتین اسکورسیزی" را برای پخش معرفی خواهد کرد.

این فیلم که در سال ۱۹۷۶ تولید و به یکی از بهترین فیلمهای دنیرو تبدیل شد، نامزد چهار جایزه اسکار و برنده جایزه نخل طلایی جشنواره فیلم کن شد.



### بازداشت چهار هنرمند عرصه موسیقی؛ بی خبری از وضعیت هشت تن دیگر

روز یکشنبه سوم مرداد ماه، علی مبین، آرش کامیاب، شهاب شریفی و میلاد یزدی، چهار هنرمند عرصه موسیقی، در شرق تهران با برخوردی توهین آمیز بازداشت شدند.

به گزارش هرانا، ۸ مرداد، همزمان خانواده های ۸ شهروند تهرانی دیگر فعال در تهیه کلیپهای موسیقی که خرداد ماه امسال در تهران دستگیر شدند در بی خبری و نگرانی از سرنوشت بستگان بازداشت شده خود به سر می برند.

### لغو کنسرت سالار عقیلی به دستور دادستان

در حالی که قرار بود کنسرت سالار عقیلی روز جمعه ۱۵ مردادماه در شهر سبزوار برگزار شود، این برنامه موسیقی به دستور دادستانی شهر لغو شد.

سالار عقیلی در همین ارتباط گفت: "مطلع شدم که این کنسرت به دستور دادستانی کنسل شده است. من از این موضوع بسیار ناراحت هستم. وقتی که مردم عزیز کشورمان به یک هنرمند اعتماد می کنند و می آیند بلیط او را با عشق می خرند، همچنین اتفاقاتی باعث سرخوردگی آنها و بی اعتبار کردن هنرمند می شود."

### جشنواره موسیقی در جنوب فرانسه و اجرای اپرای «تراویاتا»

جشنواره موسیقی تابستانی "کره ژی اورانژ"، یکی از محبوب ترین جشنواره های موسیقی در فرانسه است که هر ساله



مجموعه ای از کنسرتها و اپراها را در تئاتر باشکوه رومی شهر "اورانژ" در جنوب فرانسه به نمایش می گذارد. این تئاتر ظرفیت پذیرش بیش از ۸ هزار نفر را دارد.

بعد از اپرای "مادام باترفلای" از "جاکومو پوچینی" و کنسرتی بر اساس کارهای "لئونارد برنشتاین"، اوایل اوت در این تئاتر اپرای "تراویاتا" اثر "جوزپه وردی" ایتالیایی به اجرا گذاشته می شود.

### هنرهای تجسمی

#### نمایشگاه آثار فرانسیس پیکایا نقاش فرانسوی در زوریخ

موزه "کونستهاوس" شهر زوریخ در سوییس، مجموعه ای کارهای "فرانسیس پیکایا"، نقاش فرانسوی، را به نمایش گذاشته است. پیکایا در سال ۱۸۷۹ در پاریس از مادری فرانسوی و پدر اسپانیایی به دنیا آمد. او به عنوان یکی از رهبران جنبش داداییسم شناخته می شود. آثار او از امپرسیونیسم به کارهای آبستره رادیکال و واقع گرایی مبتنی بر فتورئالیسم می رسد.

### جشنواره عکس فتواسپانا در مادرید



جشنواره بین المللی عکس "فتواسپانا" در مادرید از زمان پایه گذاریش در سال ۱۹۸۸ به مرکزی بین المللی برای عکاسی بدل شده است. هر سال این جشنواره بیش از ۷۰۰ هزار بازدیدکننده دارد و منتقدان، اغلب این جشنواره را تحسین کرده اند. جشنواره امسال بر هنرمندان اروپایی تمرکز دارد. این جشنواره تا ۷ شهریور (۲۸ آگوست) در مادرید برپاست.

### زنجیره الهام نقاشان در گالری ملی لندن

نمایشگاه نقاشی در گالری ملی لندن برپاست. هدف این نمایشگاه نشان دادن زنجیره ای از الهامهایی است که نقاشان را به هم مرتبط کرده است؛ از جمله "پیکاسو"، "سزان"، "دگار"، "ماتیس"، "فان دیک"، "دلاکروا"، "مانه"، "رامبراند" و دیگر نقاشان.

این نمایشگاه در جریان سالها نشان می دهد که نقاشان بزرگ چه آثاری از دیگر نقاشان را در مالکیت داشته اند، برای مثل برخی کارهای سزان که از سوی "لوسین فروید" یا هنری ماتیس خریداری شده بود یا دگار که مشتاق ترین کلکسیونر همه نقاشان نامیده شده است.



به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

[www.radiopishgam.com](http://www.radiopishgam.com)

## "ما تنها نیستیم"

م. وحیدی (م. صبح)

در رگان متورم زمین  
 عفونت لحظه ها را می شناسم  
 که در گذرگاه حیات  
 زیستن  
 حادثه ایست عظیم  
 زخمی که نیاسود  
 ما را  
 در خویشتن تکثیر خواهد کرد  
 حقیقت نخواهد مرد  
 فردا آغاز دیگر است  
 ایستاده ایم  
 بر قامت غرور خود  
 با تپش نگاهمان  
 در تلاقی دشنه و ماه  
 آه!  
 بر صخره های خوف انگیز بی ستاره  
 کس ندانست  
 ما با کدامین سرود  
 تا قلب سایه ها تاختیم  
 و ثقل صبح را  
 در چشمان مرمرین یادها  
 به ودیعه نهادیم  
 هنوز  
 از پشت پلک غزلهای تو  
 زندانیان شهر ترانه می خوانند  
 و صدایت  
 بر فراز شهرها  
 چراغ محبتی ست رخشنده  
 در گریه های شبانه باد  
 ما تنها نیستیم  
 ما تنها نیستیم  
 "پرنده و کودک و سنگ و دشت" \*  
 با ماست  
 و جاودانه ترین سرودها  
 با آسمانی  
 که دورها را

و فاصله ها را  
در تو  
به تو  
نزدیک می کند

\* پل الوآر

## سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

### همبستگی با زندانیان سیاسی اعتصابی در اوین و گوهردشت

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر آدینه ۸ مرداد

مادر مریم نقاش زرگران، زندانی سیاسی اعتصابی در نگرانی از وخامت حال فرزندش می گوید: «انگار هیچ کس صدای ما را نمی شنود.»

صدای مادران، دلتنکهای مادران و شب بیداریهای آنها و انتظارات بی پایان شان، اینها نجواها و صداهایی هستند که دشتهای و کوهها را می شکافند، اما بیرحمی قصابان، نگاهبانان داغ و درفش و زندان را گوش شنوایی نیست، زیرا فرزندان این مادران سرود زندگی را در سیاهی زندان می سرابند.

مریم نقاش زرگران به مدت ۲۴ روز در اعتراض به زندانی بودن خود در اعتصاب غذا به سر می برد. وی اعتصاب غذای خود را در حمایت از نرگس محمدی آغاز و در اعتراض به وضعیت خود اعتصاب غذایش را ادامه داد. شرایط جسمانی این زندانی نو کیش مسیحی در اثر عدم رسیدگی پزشکی وخیم است. وی در نوشته ای به نام کلاغ، تجربه خود از زندان را به قلم کشیده است. نوشته او را می توان پاسخی به مادرش هم دانست. وی می نویسد: «این قانون زندان است که اگر کلاغ نباشی، کسی صدایت را نمی شنود و تو نیز هر چقدر فریاد بزنی باز هم صدای او بلندتر است.»

با پوزش از کلاغها که قابل مقایسه با جلادان در اوین نیستند.

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در اوین و گوهر دشت همچنان ادامه دارد. امروز آدینه ۲۸ روز از اعتصاب غذای زندانی سیاسی رسول حردانی می گذرد. زندانی سیاسی ارژنگ داوودی امروز وارد سیزدهمین روز اعتصاب غذای خود می شود. زندانیان سیاسی در برابر ظلم و جنایتی که در حق شان می شود تنها وسیله اعتراض یعنی جان خود را با مقاومت شان پیوند می زنند. مسئول جان این زندانیان، حکومت و در راس آن خلیفه ارتجاع، خامنه ای است.

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard\_khalgh

[https://telegram.me/nabard\\_khalgh](https://telegram.me/nabard_khalgh)

## شهدای فدایی در شهریور ماه



رفقای فدایی: ایرج سپهری - اعظم السادات روحی آهنگران - حسن سعادت - هاشم باباعلی - پروین فاطمی - عباس کابلی - جواد کارشی - نادره (جمیله) - نوری - یعقوب (امیر) تقدیری - قزله میدانی - علی میرشکاری - انور اعظمی - محمود باباعلی - طهمورث اکبری - جمیل یخچالی - شهریار ناهید - احسن ناهید - محمد مجیدی - حمید رضا مالکی - احمد صادقی - محمدتقی برومند - بهنام رهبر - بهمن رهبر - محمدرضا فریدی - سعیده کریمان - پرویز داوری - غلامحسین بیگی - حسن صالحی - علی رضا شاه بابایی کوتنائی - ناصر فتوتی - ناصر سلیمی - محمد سیاسی - حمیدرضا ماهیگیر - علیرضا پناهی - قاسم معروفی - ابوبکر آرمان - هوشنگ احمدی - رشید (سمکو) یزدان پناه - بیژن جنتی - مرتضی خدامرادی - مصطفی شمس الدینی - قاسم سیدباقری -

عبدالرضا غفوری - حسن جان لنگوری - صفر لنگرودی - ابوبکر حمیدی - علی توکلی - کریم سعیدزاده - عبدالله فیض الله بیگی - عبدالرضا ایروانی - مهرداد حیدری فرد - یوسف کیشی زاده - محمدرضا مزیدی - محمد چشم براه - خسرو مبارکی - علی شیرمحمدی - نفیسه ناصری - محمد تقی (همایون) فرومند - علیرضا یراقچی - فریدون (فرید) یزدانیان - یدالله آل کنعان - محمود خاموشیان - مریم فرشادفر - نصرت الله کریمی - جواد بنی احمد - یوسف ایمانی دارستانی - زهرا (اشرف) بهکیش - نقی (امیر) طریفی دارستان - اکبر صمیمی - عباس تهمتنی - عزیز محمد رحیمی - محمد (فرشاد) تمدن - اصغر جعفری جزایری - خسرو مبارکی - سعید رهبری - علیرضا یراق چی - محمدرضا ستوده - احمدرضا شعاعی - مهدی سمیعی - ابوالفضل غزل ایاق - رشید آهنگری - محمد تمدن - جمشید میرحیدری - یونس رضانی - جلال فتاحی - محمدعلی ابرندی - سیاوش حسنونند - ایرج سلیمانی، از سال ۱۳۵۰ تاکنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و به وسیله مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

### منتشر شد

## زیر محک زمان

قطعهنامه های سه اجلاس شورای عالی سچفخا  
(۱۳۸۸ - ۱۳۹۱ - ۱۳۹۳)

ناشر: سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
چاپ اول: ۱۳۹۴

چاپ و صحافی: چاپخانه باقر مرتضوی، آلمان - کلن  
برای دریافت این کتاب با آدرس زیر مکاتبه کنید

NABARD/ B.P. 77 / 91130 Ris orangis/ France

می توانید با آدرس ای میل زیر تماس بگیرید  
nabard@iran-nabard.com

بهای کتاب ۷ یورو

هزینه پستی ۲ یورو





# انتشارات تصویری



## فیلم یادمان سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با قیام رنگین کمان بیشماران

سخنران: زینت میرهاشمی

رستاخیز سیاهکل، خیزش بیشماران و مواضع ما

گفتگو و تبادل نظر: جعفر پویه و منصور امان

برنامه هنری: ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



## دو DVD در یک بسته

۱- فیلم کامل یادمان چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در کُن - آلمان،

۲- چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک

۹ ساعت در این مجموعه

قیمت: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار

برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید

[nabard@iran-nabard.com](mailto:nabard@iran-nabard.com)





## چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

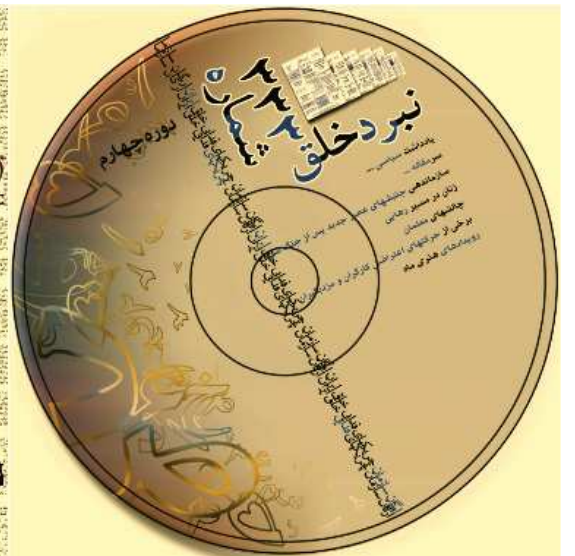
در همبستگی با بهار عرب و جنبش اشغال وال استریت

سخنرانان: زینت میرهاشمی و مهرداد قادری

گفتگو و تبادل نظریا سخنرانان

برنامه هنری ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



## ۳۳۳ شماره نبرد خلق در یک سی دی

قیمت ۱۰ یورو ۱۵ دلار

# NABARD - E - KHALGH

**No : 374 22 August 2016**

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

**Price: \$ 1 – 1 euros**

**NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE**

NABARD /P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

[www.iran-nabard.com](http://www.iran-nabard.com)

[E.Mail: nabard@iran-nabard.com](mailto:nabard@iran-nabard.com)

NABARD CULTURAL ASSOCIATION : Published by

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران  
در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،  
دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

[www.iran-nabard.com](http://www.iran-nabard.com)

[www.jonge-khabar.com](http://www.jonge-khabar.com)

[www.radiopishgam.com](http://www.radiopishgam.com)

[www.fadaian.org](http://www.fadaian.org)